

انجیل مرقس

پیشگفتار

انجیل مرقس

ترتیب و موضوعات اصلی

دومین انجیل به صورت سلسله روایت‌هایی است که عموماً کوتاه بوده و بین آنها ارتباط معینی وجود ندارد. زمینه روشن و آشکار این انجیل را مطالب و نکات جغرافیایی تشکیل می‌دهد بدین معنی که فعالیت عیسی از شهر جلیل (۱:۱۴) و پیرامون این ناحیه آغاز می‌شود و تا سرزمینهای مشرکان ادامه و گسترش می‌یابد (۷:۲۴-۳۱؛ ۸:۲۷). سپس عیسی از پره و اریحا عبور کرده (باب ۱۰) و به اورشلیم فراز می‌آید (۱۱:۱).

ترتیب مطالب داخل کتاب بر مبنای این چهارچوب نبوده بلکه شرح و بسط چند موضوع مهم است.

الف) انجیل

از همان کلمات نخستین معلوم می‌شود که در این کتاب توجه به «انجیل عیسی مسیح پسر خدا» معطوف است (۱:۱) که بعداً «انجیل خدا» (۱۴:۱) یا فقط «انجیل» خوانده شده است (۱۵:۱). از دید مرقس و به همین گونه از نظر پولس این کلمه خبر خوش و «نویدی» است که خطاب به همه مردمان بوده و پذیرفتن آن توصیف و بیان ایمان مسیحی است: بدین معنی که خدا به وسیله عیسی وعده‌های خود را به خاطر مردمان تحقق بخشیده است (کول

۱:۱ الف)، بنابراین انجیل باید به تمام ملتها اعلام گردد (۱۳:۱۰؛ ۴:۱۹). انجام این وظیفه جنبه کنونی و فعلیت داشته و مرقس پروایی ندارد که بعضی سخنان عیسی را با آن تطبیق دهد: مثلاً پس از ناپدید شدن عیسی از خود گذشتگی و دل‌کندن از همه چیز به خاطر او عبارت از انجام همین عمل به خاطر انجیل می‌باشد (۸:۲۵ توضیح s: ۱۰:۲۹) زیرا عمل خدا که به وسیله زندگی و مرگ و رستاخیز عیسی تجلی کرده به وسیله کلامی که در این دنیا به رسولان سپرده شده ادامه دارد و انجیل اضافه بر آنکه پیامی از جانب خدا و درباره مسیح می‌باشد عمل خدا در بین مردمان است. وضع زمان حاضر چنین است و مرقس با شروع از این زمان به دوران گذشته توجه نموده است تا از «آغاز» سخن گوید و به استناد آن وجود مسیحیت را مشخص نموده و توصیف نماید.

ب) عیسی مسیح پسر خدا

انجام وعده‌های خدا با گفتارها و موعظه یحیی تعمید دهنده آغاز گردید که راه را برای عیسی ناصری گشود (۱:۲-۸) و عیسی که به وسیله خدا به عنوان پسرش تعیین شده و در صحرا بر شیطان پیروز گردیده اعلام و نوید انجیل را در جلیل آغاز کرد (۱:۱۴-۱۵). از

می‌رساند (بابهای ۱۱ تا ۱۳). در اینجا نمایی که آغاز شده است در جریان رنجه‌ها و مصائب به نقطه پایان خود می‌رسد (بابهای ۱۴ و ۱۵) و راز عیسی آشکار می‌شود. اظهارات او در برابر سانه‌درین (دادگاه عالی یهود) که او را محکوم به مرگ می‌نماید و سخنان سنتوریون به هنگام مرگ او (۳۹:۱۵) به کلام خدا که در هنگام تعمید و تجلی مسیح ادا شده بود می‌پیوندد (۱۱:۱؛ ۷:۹) و عنوانی را که در آغاز انجیل آمده است دایر بر اینکه: عیسی مسیح و پسر خداست، توجیه می‌نماید (۱: توضیح b و c). در این میان هر وقت که ارواح پلید می‌خواهند راز او را افشاء کنند (۲۴:۱-۳۴:۳) یا وقتی که شاگردان او را به عنوان مسیح می‌شناسند (۲۹:۸) و ادا به سکوت می‌شوند زیرا معنی و مفهوم این سخنان نمی‌بایستی پیش از فرا رسیدن رنجه‌ها و مصائب آشکار گردد.

روایت رنجه‌ها و مصلوب شدن عیسی اوج مطالب این کتاب را تشکیل می‌دهد. مقدمات این وقایع نه تنها در برخورد و رویارویی عیسی با مخالفانش در اورشلیم آماده شده و قبلاً پس از بیان ایمان پطرس اعلام گردیده و حتی در اوایل کتاب تذکر داده شده است بلکه این وقایع پاسخ به سؤالی است که در نخستین عمل عیسی در ملاء عام در انجیل مرقس مطرح شده است (۲۷:۱) می‌توان دریافت به چه سبب این کتاب درباره نکته‌ای که آن را «راز مسیح» می‌نامد اصرار ورزیده است (ر. ک. ۳۴:۱ توضیح p؛ ۴۴:۱ توضیح v و x؛ ۳۰:۸ توضیح i). این تأکید و اصرار احتمالاً بدان سبب است که عیسی در دوران زندگی زمینی

این تاریخ نمایی واقعی آغاز می‌شود که عبارت از ظهور مسیح، پسر خدا بوده و در دو مرحله معین و مشخص جریان می‌یابد.

۱- در مرحله نخست بسیاری از مردمان قدرت تعلیمات و کارهای عیسی را بر ضد نیروهای شر و بدی تصدیق می‌کنند (۲۱:۱-۴۵:۳؛ ۷:۳-۱۰:۱۰۰...) ولی این موضوع که عیسی پسر خداست بایستی مکتوم بماند (۲۵:۱، ۳:۱۲). کسانی که قوانین موسی را دقیقاً و موبه مو اجرا می‌کردند مخالفت خود را اعلام می‌کنند (۲:۳-۶) تا بدانجا که عیسی را وسیله‌ای در دست فرمانروای شیاطین معرفی می‌نمایند (۳:۲۲-۳۰). با این همه شاگردان عیسی از سایر افراد جمعیت به کلی متمایز هستند (۴:۱۰، ۳۳-۳۴) و در بین آنان این سؤال که طبعاً هر کسی می‌پرسد مطرح می‌شود: «این چیست؟» (۱:۲۷) و در پی آن سؤال دیگری می‌آید: «پس او کیست؟» (۴:۴۱). به این سؤالات پاسخهای مختلفی داده شده است (۶:۱۴-۱۶، ۸:۲۷-۲۸) و با وجود اینکه شاگردان از رسالت عیسی ادراک و شناسایی عمیقی ندارند (۶:۵۲، ۸:۱۴-۲۱) بالاخره از زبان پطرس درمی‌یابند که او مسیح است (۸:۲۹) ولی به آنان دستور داده می‌شود در این باره چیزی نگویند (۸:۳۰).

۲- از اینجا به بعد آموزشی نو آغاز می‌شود که عبارت از این است که پسر انسان بایستی از دوران رنجه‌ها، مشقت، مرگ و رستاخیز گذر کند. این آموزش که سه بار تکرار شده است (۸:۳۱-۳۳؛ ۹:۳۰-۳۲؛ ۱۰:۳۲-۳۴) خواننده را تا مرحله رویارویی و برخورد عیسی با دشمنانش در اورشلیم

خود به مانند دوران بعد از جشن گذر شناخته نشده بود ولی نظر به اینکه این راز عناوینی در بردارد که با آنها ایمان مسیحیت بیان می شود (۱:۱؛ ۱۱:۳؛ ۸:۲۹) مثل این است که مرقس خواسته است نشان دهد تا زمانی که حقیقت آنها با تحقیر و مصلوب شدن عیسی شناخته نشده باشد زمان بیان این عناوین نرسیده و برای یهودیان و مشرکان مبهم و مشکوک می باشد.

ج) عیسی و شاگردان

در «آغاز» انجیل مرقس عیسی به تنهایی ظاهر نشده بلکه با شاگردان است که به وسیله آنان عملی که شروع شده باید پیگیری گردد. از همان ابتدای فعالیت در جلیل، مرقس فراخواندن چهار ماهیگیر را ذکر کرده که عیسی را پیروی می نمایند بدون اینکه از نظر ترتیب زمانی یا روانشناسی امکان احتمال آن را در نظر گرفته باشد (۱:۱۶-۲۰). سپس همواره شاگردان به همراه استاد هستند مگر موقعی که آنان را برای موعظه و نوید اعزام می نماید (۶:۷-۳۰). فقط در دوران رنجهای صلیب پس از اینکه شاگردان فرار می کنند عیسی تنها می ماند ولی کتاب به پایان نمی رسد بدون اینکه اعلام شود شاگردان دوباره در اطراف عیسی که رستخیز کرده بود جمع شده اند (۱۴:۲۸؛ ۱۶:۷) ضمناً در این روایتها با توجه به محل و موقعیتی که برای شاگردان قائل شده است می توان چندین بخش تشخیص داد.

۱- در نخستین مرحله پدیدار شدن عیسی در سه صحنه نشان داده شده است که بین او شاگردانش همبستگی و همکاری وجود دارد و

این هماهنگی رفته رفته نزدیکتر می شود. مثلاً جریان فراخواندن چهار شاگرد به منظور اینکه به صید آدمیان بپردازند (۱:۱۶-۲۰)، انتخاب دوازده تن برای زندگی با او و انجام رسالت (۳:۱۳-۱۹) و بالاخره خود رسالت (۶:۷-۱۳)، به همراه این سه روایت منظره های کلی از فعالیت عیسی یا واکنشهایی که ایجاد می کرد آمده است (۱:۱۴-۱۵؛ ۳:۷-۱۲؛ ۶:۱۴-۱۶) چنانکه گویی گوینده داستان احساس می کرده لازم است پیش از ادامه شرح وقایع وضعیت را روشن و تشریح نماید.

در بخش اول (۱:۱۶-۳:۶) شاگردان بدون هیچ گونه فعالیت در کنار عیسی می مانند ولی در برابر انتقاداتی که به سبب عدم رعایت مقررات شرعی یهود از آنان به عمل می آید عیسی دفاع کرده و نشان می دهد وابسته به آنان است (۲:۲۸-۱۳). در بخش دوم (۳:۷-۶:۶) شاگردان در برابر مخالفان عیسی و همچنین در برابر خویشتاوندان نسبی او قرار دارند (۳:۲۰-۳۵) و عیسی آنان را از جمعیت متمایز دانسته از آموزش مخصوصی برخوردار می نماید (۴:۱۰-۲۵، ۳۳-۳۴) و این امتیاز را دارند که شاهد معجزه های شگفت انگیز او باشند (۴:۳۵-۵:۴۳). بخش سوم با عزیمت و بریدن از ناصره آماده می شود (۶:۷-۸:۳۰). در این بخش دوازده تن که به مأموریت اعزام شده اند به صورت «رسول» ظاهر می شوند (۶:۳۰) و مأموریت دارند جمعیت را تغذیه نمایند (۶:۳۴-۴۴، ۸:۶). با این همه شاگردان مطالبی دریافت می کنند که در حوصله ادراکشان نمی گنجد (۶:۴۵-۵۲). عدم بصیرت و ادراکشان که

(۱۱:۲۰-۲۵)، به آنان هشدار می‌دهد به ملاحظه وقایعی که برای پسر انسان روی خواهد داد چه رفتاری پیش گیرند (۱۳:۱-۳۷)، معنی و مفهوم مرگ خود را در انتظار فرا رسیدن ملکوت خدا روشن می‌کند (۱۴:۲۲-۲۵)، به آنان پیشاپیش خبر می‌دهد که او را ترک خواهند کرد (۱۴:۲۶-۳۱)، در برابر وسوسه هشدار می‌دهد (۱۴:۳۷-۴۰) ولی فرار شاگردان در جتسمانی و انکارهای پطرس نشانه عدم موفقیت آنان در پیروی از عیسی است. با این همه، همه چیز تمام نشده است زیرا پس از رستاخیز، عیسی قبل از آنان در جلیل است (۱۴:۲۸-۱۶:۷).

اصرار بر اینکه شاگردان عیسی در باور داشتن و ایمان آوردن کنند هستند، عدم ادراک مداوم آنان و جهالت و قصورشان در ساعتی که عیسی به عنوان مسیح پسر خدا تحقق می‌پذیرد مسمماً به منظور معین و سنجیده‌ای است زیرا نقش شاگردان به عنوان ادامه دهنده انجیل شناخته شده و این نکته مانع از آن است که مستقیماً بر ضد نخستین شاگردان عیسی بحث و مذاکره ای نمود بلکه چون ایمان به عیسی فقط پس از گذر بسط و توسعه یافته است امکان دارد در نظر مرقس دوران زندگی زمینی عیسی دوران ظهور واقعی بوده که به سبب ضرورت حفظ راز و عدم ادراک شاگردان از افشای آن جلوگیری شده است ولی همین نکته اهمیت و ارزش راز عیسی را که در خارج از ایمان دوران عید گذر درک نمی‌شود ظاهر می‌سازد.

ضمناً ایمان شاگردان نمونه ایمان مسیحیان است که امکان دارد در درک و

قبلاً در مورد داستانهای تمثیلی مورد انتقاد قرار گرفته بود (۴:۱۳) شدیدتر می‌شود (۶:۵۲؛ ۷:۱۸؛ ۸:۱۴-۲۱) و درمان مرد کوری که در پایان این بخش آمده (۸:۲۲-۲۶) برایشان ارزش سرمشق و اشاره دارد (ر.ک ۸:۲۲ توضیح d).

۲- پس از اعتراف پطرس که عیسی را به عنوان مسیح می‌شناسد سه بار رنجها و صلیب و رستاخیز اعلام شده و هر بار با عدم ادراک و تفاهم شاگردان مواجه می‌گردد و منجر به اظهاراتی قاطع و صریح شده که درباره وضعیت شخصی (۸:۳۴-۳۸)، وضعیت اجتماعی (۹:۳۳-۵۰؛ ۱۰:۳۵-۴۵) و درباره کسانی است که باید به دنبال عیسی بیایند در حالی که صلیب خود را به دوش می‌گیرند. هنگامی که جمعیت یا کسانی غیر از شاگردان در صحنه وقایع هستند عیسی به ویژه به این افراد خطاب کرده یا الزامات خود را توضیح می‌دهد (۹:۲۸-۲۹؛ ۱۰:۱۰-۱۶؛ ۱۰:۲۳-۳۱). در اینجا موضوع کلام مرتباً از استاد به شاگرد معطوف شده و در مورد هر کدام از فروتنی و حقارت اختیاری به شکوه و جلال موعود پرداخته می‌شود ولی در صورتی که عیسی می‌خواهد شاگردان را در سرنوشت خود سهیم سازد آنان بی بصیرت باقی می‌مانند. مجدداً این بخش با درمان مرد کوری پایان می‌یابد که به دنبال عیسی به راه می‌افتد (۱۰:۴۶-۵۲).

در دو بخش بعدی (بابها ۱۱ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۶) عیسی با جمعیت مردم، با مخالفان و با قضات نشان داده شده است. گفتگو با شاگردان متعدد و مهم است. عیسی آنان را با نیروی ایمان و قدرت نیایش آشنا می‌سازد

دریافتن کشف و شهود الهی تأخیر داشته باشند. صلیب به عنوان وسیله لغزش باقی می ماند. برای اینکه انجیل واقعاً بشارت داده شده و پذیرفته گردد تنها کافی نیست نسبت به عبارات بیان ایمان وفادار بمانند بلکه بایستی زندگی صحیح و درستی را در پیروی عیسی ادامه دهند. درک راز مسیح از آشنایی دشوار و تدریجی شرایط زندگی پیروان جدا نیست.

روش مرقس

معمولاً مرقس را به سبب هنر داستان سرایی اش ستوده اند. اگر تعداد کلماتی که بکار برده محدود و ناچیز است (مگر برای بیان چیزهای مادی و محسوس و واکنشهایی که عیسی برمی انگیزد) عبارات و جملات به هم پیوستگی و اتصال ندارند، در افعالی که به کار برده رعایت تطبیق زمانها نشده است، همین بی مهارتی ها شیوه نگارش او را نزدیک به روایت شفاهی درآورده است. به هر صورت با اینکه جزئیاتی به صورت زنده و طبیعی بکار رفته با این همه انشا ساده و اختصار مطالب نشان می دهد که مدارک و منابع مورد استفاده این کتاب روایاتی بوده که برای استفاده جمعیت های اولیه تهیه و تنظیم می شده است. هنگامی که داستان سرا وقایع را توصیف و مجسم می نماید مثل کسی نیست که شاهد عینی بوده و آنها را به طور ساده و سطحی تعریف کند. ضمناً در این کتاب وقایع مختلف به ترتیب زمان وقوع ذکر نشده، حالت روحی اشخاص مورد توجه نبوده و تصویر جمعیت به طور یکنواخت ذکر گردیده است بنابراین نمی توان این انجیل را به صورت تاریخ ساده ای از زندگی عیسی بخوانیم. ولی

مرقس بدون آنکه از ادبیات مایه بگذارد تصویر زنده انسانی را ترسیم کرده است که با واکنشهای غیرمترقبه، با ترحم و رقت یا تندی و خشونت، با حالت شگفتی یا سخنان قاطع و برنده اش به هیچوجه با تصاویر پیش ساخته تطبیق نمی کند. تمام روح او در یک نگاهش متجلی است، نگاهی که ممکن است آکنده از خشم یا سرشار از مهربانی باشد (۳:۵، ۳۴)، نگاهی که متضمن سؤال یا محتوی توجه مخصوص است (۵:۳۲؛ ۱۱:۱۱)، سرشار از محبت و تأثر (۱۰:۲۱)، اندوهگین یا توأم با آرامش باشد (۱۰:۲۳-۲۷). کسانی که در برابر او قرار می گرفتند ممکن بود هرگونه وضع و رفتاری اتخاذ کنند: تعجب کرده یا دچار بهت و حیرت شوند، بدگمان شده یا تصمیم به قتل او بگیرند. و شاگردانش ممکن بود نسبت به او علاقه و محبت بی دلیل و منطقی داشته باشند یا او را ترک گویند.

اصل و منشاء کتاب

تقریباً از همان سال ۱۵۰ میلادی پایپاس، اسقف شهر هیراپلیس گواهی کرده بود که دومین انجیل به مرقس «مترجم پطرس در رم» انتساب دارد. ممکن است این کتاب در شهر رم و پس از مرگ پطرس نوشته شده باشد (بنابر آنچه قدیس ایرنائوس در قرن دوم میلادی در رساله ای علیه پیروان مارسیون نوشته است) یا اینکه (بر طبق نظر کلمنت اسکندریه) در دوران حیات پطرس نگارش یافته است. در مورد هویت نویسنده، او را همان یوحنا مرقس دانسته اند که اصلاً از اهالی اورشلیم (ع ۱۲:۱۲) و همراه پولس و برنابا بوده است (ع ۱۲:۲۵؛ ۱۳:۵-۱۳؛

قائل شده و او را مترجم پطرس خوانده است واضح و روشن نیست. ولی در بیشتر مواردی که جزئیات توصیف شده و روایت حالت گواهی عینی یافته جایگاهی که برای پطرس قائل شده گویای آن است که از روایاتی استفاده شده که منشأ آنها پطرس می باشد. ضمناً از میان دوازده تن رسولان فقط یعقوب و یوحنا گواهی پطرس را تضمین کرده اند گرچه از او تعریف نمی کنند و همیشه موقعیت و نقش خوبی ندارد با این همه نشانه ای از بحث و انتقاد علیه او وجود ندارد.

به این ترتیب مسئله مدارک و منابعی که مورد استفاده مرقس قرار گرفته به جای خود باقی است و منتقدین در این باره نظریات متفاوتی دارند. مثلاً هرگاه با انجیلهای متی و لوقا مقایسه و برابری شود اهمیت انجیل مرقس به عنوان منبع انجیلهای مذکور معلوم می گردد یا اینکه می توان تصور کرد قبل از نگارش انجیل مرقس مجموعه و ترکیبی از روایات درباره عیسی وجود داشته است. به هر صورت هر فرضیه ای که پذیرفته شود با توجه به طرز انشای مرقس می توان حدس زد که قبلاً سلسله روایاتی وجود داشته و اعمال و سخنان عیسی نقل می شده بدون اینکه به صورت مجموعه ای از شرح زندگی و آموزش او درآمده باشد مثلاً روایت رنجهای عیسی و مصلوب شدن او در ابتدا به صورت یک رشته روایت های این وقایع و شامل چند قسمت بوده است. همچنین یک دسته از وقایع ساده و مختصر نظیر «روز کفرناحوم» (۲۱:۱-۳۸) یا بحث و مجادله ها (۲:۶-۳) قبلاً و خیلی زود تشکیل و تنظیم شده بود که جزو منابع مرقس قرار گرفته اند.

۱۵:۳۷-۳۹؛ کول ۴:۱۰) و سپس برابر نخستین نامه پطرس با او در «بابل» که احتمالاً منظور شهر رم می باشد بسر می برده است.

در اینکه این کتاب در رم نوشته شده و تاریخ نگارش آن پس از سال ۶۴، دوران تعقیب و شکنجه مسیحیان به وسیله نرون می باشد تردیدی نبوده و مورد قبول همگان است. بکار بردن بعضی کلمات لاتین که به صورت یونانی درآمده و موارد بسیاری از ترکیب کلام لاتین نشانه ای بر این امر است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در مورد عادات و رسوم یهودیان توضیحاتی داده شده (۷:۳-۴؛ ۱۴:۱۲؛ ۱۵:۴۲) و ترجمه کلمات زبان آرامی ذکر گردیده و درباره ارزش انجیل برای مشرکان تأیید و تأکید شده است می توان تصور نمود که این کتاب برای مردمان غیریهودی نگاشته شده که در خارج از فلسطین بسر می برده اند. ضمناً چون تأکید و اصرار می شود که صلیب خود را حمل کرده عیسی را پیروی نمایند امکان دارد به سبب وقایع روز و وضعیت مخصوصی می باشد که جمعیت مسیحیان را در دوران تعقیب و شکنجه های نرون متزلزل می کرده است. وانگهی در انجیل مرقس از ویرانی معبد اورشلیم یاد شده بدون اینکه به وقایع سال ۷۰ میلادی و طرز انهدام معبد اشاره دقیقی شده باشد (با این تفاوت که متی در ۲۲:۷ و لوقا در ۲۱:۲۰ به این نکته اشاره کرده اند). بنابراین می توان گفت تاریخ نگارش دومین انجیل بین سالهای ۶۵ و ۷۰ میلادی است.

تعیین ارتباط با آموزش پطرس دقیق تر و دشوارتر است. عنوانی که پایاس برای مرقس

شده و اسامی اشخاص و محلها مربوط به روایات بسیار کهن است. آموزشهای عیسی، تأکید و اصرار بر اینکه ملکوت خدا نزدیک است، داستانهای تمثیلی، مباحثه ها و جدلها و راندن ارواح پلید که در این انجیل ذکر شده ریشه تاریخی خود را در زندگی عیسی در فلسطین دارند. مبنای این مطالب مستقیماً از حافظه و خاطرات اشخاص ناشی نشده بلکه در ابتدا آنها را به منظور موعظه، آموزش مذهبی، بحث و جدل یا برگزاری آیین مذهبی در کلیسا تهیه و تنظیم کرده بودند و ریشه آنها گواهی نخستین شاگردان عیسی بوده است.

مرقس بدین سبب در خور تقدیر است که این مطالب را موقعی ثبت کرده که زندگی کلیساها در خارج از ناحیه فلسطین انتشار می یافت و نظریات و اندیشه های علوم الهی که با تمدنهای خارجی برخورد می کرد و ممکن بود تماس خود را با مبانی انجیل از دست بدهد. مرقس موفق شده است منظره یک زندگی پرهیجان را که به دشواری می توان درک کرد به صورت زنده و محو نشدنی حفظ کند. به این سؤال که: «این مرد کیست؟» مرقس پاسخی آورده است که همان پاسخ پیروان نخستین و اولین گواهان می باشد ولی برای کسی که فقط به تکرار این پاسخ بسنده می کند مجدداً سؤال را مطرح ساخته و یادآوری می کند که ایمان به وسیله تعهد بی قید و شرط در پیروی از عیسی به محک آزمایش درمی آید و عیسی همواره به وسیله انجیل در میان مردمان فعال است.

سؤال دیگری که بدون جواب مانده این است: آیا در اصل کتاب چگونه پایان می یافته است؟ عموماً پذیرفته شده که قسمت آخر کتاب به صورت کنونی ۹:۱۶-۲۰ بعدها افزوده شده تا پایان یافتن ناگهانی آن را در آیه ۸ تصحیح نماید (ر.ک ۹:۱۶) ولی هرگز نخواهیم دانست آیا پایان اصلی کتاب مفقود شده یا اینکه مرقس معتقد بوده است یادآوری و مراجعه به روایت ظاهر شدنهای جلیل که در آیه ۷ به آنها اشاره شده برای خاتمه دادن به کتاب کافی است.

اهمیت کتاب

به نظر ما انجیل مرقس نخستین نمونه شناخته شده از ادبیاتی است که انجیل نامیده می شود. قبلاً برای قرائت و استفاده در کلیسا ترجیح می دادند به جای انجیل مرقس از مجموعه ترکیبات دیگری که بعداً نوشته شده و مفصل تر هستند نظیر انجیل متی و لوقا استفاده نمایند ولی بر اثر بررسی های ادبی و تاریخی که در قرنهای ۱۹ و ۲۰ به عمل آمد مجدداً ارزش و اهمیت انجیل مرقس آشکار شده است. امروزه تاریخ زندگی عیسی را بر مبنای ترتیب توالی تاریخی که در انجیل مرقس ذکر گردیده تهیه و تنظیم نمی کنند با این همه خشونت الفاظ و کلمات، عدم ظاهرا رایی، فراوانی کلماتی که از ریشه سامی است و جنبه ساده و ابتدایی الهیاتی که در انجیل مرقس آمده نشان می دهد که در تهیه این انجیل از مدارک و منابع قدیمی استفاده

انجیل مرقس

یحیی تعمید دهنده

(متی ۳: ۱-۶؛ ۱۱-۱۲؛

لوقا ۳: ۱-۶؛ ۱۵-۱۸)

۱ آغاز نوید^a عیسی مسیح^b، پسر

خدا^c آن چنان که در اشعیای

پیامبر نوشته شده است:

اینک من نوید دهنده^e خویش را پیش از

تو می فرستم

تا راه تو را هموار کند^d.

۳ صدای آن کس که در صحرا فریاد

برمی آورد:

راه خداوند را آماده سازید،

یو ۱: ۳۲

کوره راههای وی را راست گردانید^e.

۴ یحیی تعمیدگر در صحرا^f نمایان شد در

a- کلمه «نوید» ترجمه کلمه یونانی «انجیل» است که اصلاً به معنی «خبر خوش» و «مژده» می باشد. ضمناً انجیل نام یکی از کتابهای عهد جدید نیست بلکه نوید نجات و رستگاری است که عیسی مسیح آورده و رسولان آن را موعظه و منتشر کرده اند (روم ۱: ۱ توضیح d) و «انجیل خدا» (۱: ۱؛ ۱۴: ۱) که سرچشمه نجات و رستگاری و اعلام آن است. همچنین «انجیل عیسی مسیح» است (۱: ۱؛ روم ۱۵: ۱۹) که آن را موعظه کرده و آموزش داده است (۱: ۱؛ ۱۴: ۱) و پس از رستاخیز، خودش موضوع این نوید شده است. انجیل بایستی به همه ملتها اعلام شود (۱۰: ۱۳؛ ۹: ۱۴، ر. ک ۱۵: ۱۶). اعلام انجیل مستلزم فداکاری و از خودگذشتگی نظیر از خود گذشتگی عیسی می باشد (۸: ۳۵؛ ۱۰: ۲۹). در حقیقت عمل خدا که در زندگانی و اعمال عیسی تجلی کرده بود باز هم به وسیله سخن خدا که شاگردان عیسی حامل آن بوده اند پدیدار می گردد (ر. ک ۴: ۱۴ توضیح t) و عیسی مسیح رستاخیز کرده در این امر با آنان اقدام می کند (ر. ک ۱۶: ۲۰). مرقس قصد دارد «سراغاز» تاریخ انجیل را بنویسد یعنی از آغاز ندای یحیی تعمید دهنده (۱: ۲-۸) که از همان زمان به وسیله او عمل خدا پدیدار شده (۱۱: ۲۹-۳۳) و خدا وعده های خود را به انجام رسانده است (۱: ۲-۳) و بنا به نوشته مرقس پیام یحیی بر عیسی متمرکز می باشد (۱: ۷-۸)، ر. ک اع ۱: ۲۲؛ ۱۰: ۳۷.

b- کلمه مسیح اصلاً به معنی کسی است که با تدهین مسح شده باشد و یهودیان این کلمه را در مورد کسی به کار می بردند که منتظر بودند بیاید و قوم یهود را نجات بخشد. مرقس این کلمه را به معنی جدید در مورد عیسی بکار برده است (۹: ۴۱؛ ۱۲: ۳۵-۳۷). در انجیل مرقس فقط یک بار، یک نفر عیسی را بعنوان مسیح موعود شناخته و این شخص پطرس است ولی بلافاصله عیسی او را وادار به سکوت کرده است (۸: ۲۹-۳۰) و عیسی فقط در جریان محاکمه خود این عنوان را پذیرفت (۱۴: ۶۱-۶۲).

c- عنوان «پسر خدا» هر چند در تمام نسخه های قدیمی انجیل وجود ندارد، اما به هر صورت بیان نظریه و افکار مرقس است. این عنوان الهام از خدا (۱: ۱۱؛ ۹: ۷) و افشا شده به وسیله دیوها است (۳: ۱۱؛ ۵: ۷) با این همه بایستی پنهان بماند ولی عیسی در جریان محاکمه خود آن را پذیرفت (۱۴: ۶۱-۶۲) و یکی از افراد غیر یهود پس از مرگ عیسی این عنوان را بر زبان راند (۱۵: ۳۹).

d- این عبارت قسمتی از ترجمه یونانی خروج ۲۳: ۲۰ و قسمت دیگری از ملا ۱: ۳ نقل شده است. راه خداوند که در ملاکی ذکر گردیده در اینجا راه مسیح موعود شده و یحیی که پیام آور خدا است مأمور آماده کردن آن است (ر. ک یو ۱: ۶ توضیح i).

e- این عبارت از ترجمه یونانی اش ۳: ۴۰، در اینجا در مورد آمدن مسیح موعود بکار رفته است.

f- این عبارت به صورت: «یحیی در صحرا پیدا شد در حالی که تعمید می داد و ندا می داد...» نیز آمده که ترجمه تحت اللفظی آن «یحیی که تعمید می داد» می باشد. در ۶: ۱۴، ۲۰ نیز به همین صورت است. در جاهای دیگر مثل ۲۵: ۶؛ ۲۸: ۸ و در سرتاسر انجیلهای متی و لوقا «یحیی تعمید دهنده» آمده است. در مورد «در صحرا» ر. ک مت ۱: ۳ توضیح e؛ لو ۳: ۳ توضیح c.

حالی که برای بخشایش گناهان تعمید
 توبه^h را ندا می داد^g. ۵ و از سراسر کشور
 یهودیه و همه ساکنان اورشلیم به نزد او
 بیرون آمده و با اعتراف به گناهان خود^j به
 وسیله او در نهر اردنⁱ تعمید می یافتند. ۶ و
 یحیی پوشیده به پشم شتر و لنگی چرمین بر
 کمر^k بود و عل و غسل وحشی می خورد.
 ۷ و ندا می داد: «پس از من کسی می آید که
 از من تواناتر است و من لایق نیستم تا خم اع ۲۵:۱۳
 شده بند پاپوشهای او را باز کنم^l. ۸ من شما
 را با آب تعمید داده ام، اما او شما را با
 روح القدس تعمید خواهد داد^m.»

g- ر. ک مت ۱:۳ توضیح d. فعل «ندا دادن» غالباً در مورد اعلام و انتشار انجیل به مردم بکار رفته است (۱:۱۳؛ ۱۰:۱۴؛ ۹:۱۶؛ ۱۵:۱۶؛ ر. ک غلا ۲:۲؛ کول ۱:۲۳؛ ۱-تسا ۹:۲) و برای اعلام و انتشار اعمال خدا که به وسیله عیسی انجام می شود مناسب است (۱:۴۵؛ ۲۰:۵؛ ۳۶:۷). همچنین در مورد موعظه و تعلیماتی که عیسی (۱:۳۸-۳۹) یا رسولانش به مردم می دادند (۱۲:۶؛ ۱۴:۱۳) کافی است. در اینجا و نیز در آیه ۲۳ چنین درک می شود که یحیی رسالتی از جانب خدا برای تمام مردمان دارد و با گفتارهای او نبوتها تحقق می پذیرد (آیه ۳؛ صدایی...).

h- کلمه «تعمید» که در عهد جدید در مورد تعمید یحیی و تعمید مسیحی بکار رفته با شست و شوهایی که یهودیان برای طهارت و زدودن ناپاکی های شرعی انجام می داده اند بستگی دارد (یهودیه ۷:۱۲؛ بنسی ۲۵:۳۴؛ مر ۴:۷؛ عبر ۲:۶؛ ۱۰:۹). در اواخر قرن اول میلادی بت پرستانی که می خواستند به دین یهود بگروند لازم بود برابر مقررات و مراسم مخصوصی در آب داخل شوند و در زمان یحیی نیز بعضی از نهضت های مذهبی این ترتیبات را مراعات می کردند مثلاً در جامعه مذهبی قمران کسانی که عضو این گروه بودند لازم بود هر روز مرتباً در آب غوطه ور شده و بدین وسیله طهارت و پاکی را به عنوان آرمان و هدف خود ابراز نمایند، گرچه این شست و شوها جای توبه و پاکی درونی را نمی گرفت و در انتظار خلوص و پاکی اساسی بودند (مقررات ۲:۲۵-۱۲:۳). البته تعمید یحیی نوع دیگری است زیرا آن را به همه مردمان پیشنهاد کرده و خودش انجام می داد و این تعمید به عنوان آمادگی نهایی برای تعمید داوری روز آخر (ر. ک ۸:۱ توضیح m) فقط یک بار انجام می گردد. تعمید یحیی بیانگر شرط اساسی تعمید روز آخر می باشد که دگرگون ساختن زندگی است (ر. ک مت ۲:۳ توضیح f) و هدف آن بخشایش گناهان است که از همان موقع در انتظارش بودند و به احتمال قوی به عنوان عطیه ملکوت خدا اعلام می گردد (ر. ک وعده های تصفیه قوم اسرائیل: اش ۱:۱۶؛ ۴:۴؛ حزق ۲۵:۳۶).

i- نهر اردن که در دره ای عمیق واقع است و به دریاچه بحرالمت در ۳۹۲ متری پائین تر از سطح دریا می ریزد.
 j- از فعلی که در اینجا بکار رفته چنین برمی آید که اعتراف به گناهان با بیان و اظهار آنها انجام می شده و منحصر به انجام عمل نبوده است. اعتراف به گناهان در بین یهودیان آن دوران در بعضی موارد انجام می شده است (مثلاً در جریان آیین نیایش کفار، ر. ک لاو ۵:۵؛ ۶:۲۶؛ ۴۰:۲-توا ۳۷:۶؛ نج ۶:۱؛ دان ۶:۲۰؛ یا در هنگام تجدید عهد، عز ۱:۱۰؛ نج ۹:۲؛ یوبیل ۱:۲۲؛ مقررات جامعه مذهبی قمران ۱:۲۱-۱:۲؛ مکتوب دمشق ۲۸:۲۰-۳۰). این عمل بازگشت به سوی خدا جهت کسب مغفرت می باشد. ر. ک مز ۵:۳۲؛ امث ۲۸:۱۳؛ لو ۱۳:۱۸-۱۴؛ یع ۴:۱۰؛ ۱-یو ۹:۱۰. این امر در اع ۱۸:۹ ذکر شده و به نظر می رسد در ارتباط با تعمید مسیحی باشد (ر. ک اع ۲۰:۱۹).

k- در بعضی از نسخ خطی فقط «پوشیده با پشم شتر» آمده است ولی ترجمه ما که بر مبنای تعداد زیادی از نسخه ها است ممکن است تحت تأثیر مت ۴:۳ به این صورت نوشته شده تا در مورد تطبیق و برابری یحیی با الیاس تأکید شده باشد (۲-پادا ۸).
 l- بنابراین آنچه مرقس نوشته تمام سخنان و گفتارهای یحیی درباره کسی است که «بعد از او می آید» (تحت اللفظی: «پشت سر او»). اصطلاحی که در اینجا بکار رفته ترتیب تقدم و تأخر را برحسب مقام و و مرتبه تعیین می نماید (ر. ک ۱:۱۷، ۲۰:۳۳-۳۴) و تفاوت بین یحیی و عیسی را نشان می دهد، بدین معنی کسی که بعداً می آید در حقیقت برتر و تواناتر است. توانائی که از خصایص مسیح موعود است (ر. ک اش ۱۱:۲؛ ۲۵:۴۹؛ ۱۲:۵۳؛ مزور سلیمان ۲۴:۱۷) در مبارزه عیسی بر ضد شیطان ظاهر می گردد. (۲۷:۳ توضیح b) و کسی که اول می آید در حقیقت خدمتگزاری بیش نیست زیرا بستن و باز کردن بند کفشها وظیفه بردگان بوده است (ر. ک یوح ۱۳:۴-۱۷).

m- کلمات آیه ۸ تفاوت اعمال یحیی را با مسیح موعود نشان می دهد، بدین معنی که یحیی در آب تعمید می دهد در صورتی که تعمید مسیح موعود به عنوان تعمید روح القدس توصیف شده است. ضمناً مرقس از تعمید آتش یاد نکرده است (ر. ک مت ۱۱:۳ توضیح t). در اینجا بیش از وقایع روز پنجاهه (اع ۵:۱) یا تعمید مسیحی (اع ۱۶:۱۱؛ ۱۹:۱-۶)، مجموعه اعمالی که عیسی برای نجات آغاز کرده به عنوان تصفیه و تقدیس زمان آخر به وسیله روح القدس توصیف گردیده است (لازم به یادآوری است فرقه قمران انتظار آن را در پایان زمان داشتند. مقررات ۳:۶-۸). در زمان عیسی و دو قرن قبل از آن، اغلب یهودیان تصور می کردند که به خاطر گناه اسرائیل خدا ساکت مانده و روح القدس خاموش شده. بنابراین هیچ پیامبری دیگر در این زمان تاریکی و محدودیت فرستاده نمی شود (مز ۹۷:۹، ۱۹:۱-مک ۴:۴؛ ۲۷:۹؛ ۱۴:۱۴ توضیح n). از این رو یحیی اعلام می کند که با آمدن مسیح زمان نوینی شروع می شود، زمان آخرت و نجات: خدا سخن آخر را خواهد گفت و

تعمید عیسی

(متی ۱۳:۳-۱۷؛ لوقا ۲۱:۳-۲۲)

۹ باری در آن روزها عیسی از ناصره جلیل آمده به وسیله یحیی در اردن تعمید یافت.ⁿ ۱۰ و همان دم چون از آب بیرون می آمد، دید که آسمانها شکافته شده^o و روح چون کبوتری به سوی او نازل می شود.^p ۱۱ و صدائی از آسمانها [رسید]: «تو هستی آن پسر من، آن محبوب، از تو خوشنودم.^q»

تجربه شدن عیسی در بیابان

(متی ۱:۴-۱۱؛ لوقا ۴:۱-۱۳)

۱۲ و همان دم^r روح القدس او را به صحرا می راند. ۱۳ و به مدت چهار روز^s در صحرا به وسیله شیطان^t تجربه می شد و با وحوش^u عبر ۱۸:۲، ۱۵:۴ می بود و فرشتگان او را خدمت می کردند.^u

موعظه عیسی در جلیل

(متی ۱۲:۴-۱۷؛ لوقا ۴:۱۴-۱۵)

۱۴ و پس از تسلیم کردن یحیی، عیسی به یو ۲۴:۳ جلیل آمد^v در حالی که انجیل خدا را ندا

روح القدس را بر عیسی که برتر از هر پیامبر است خواهد ریخت (مت ۴۱:۱۲؛ توضیح ۵:۱۱؛ توضیح b). حتی بالاتر از موسی، چون مکاشفه را به کمال خواهد رساند (مت ۱۷:۵؛ توضیح o). او موسای نوین و به اعلائی درجه آن پیامبر موعود است که همه باید از او اطاعت کنند (تث ۱۵:۱۵-۱۸) چون تعلیمش برتر از تعلیم موسی می باشد (مر ۱:۱۰-۱۲) و نزول روح القدس را که اشعیا نبوت کرده بود به انجام می رساند (لوقا ۲۱:۱۸-۲۱؛ توضیح d). بنابراین او زمان آخر و ملکوت خدا که خلقتی نوین می باشد افتتاح می کند (ر. ک یو ۷:۳۰؛ توضیح i؛ ۷:۲۴؛ توضیح h).

n- ورود عیسی به صحنه وقایع، نظیر همان کسی است که یحیی اعلام می کرد. ضمناً توجه کمتری به تعمید عیسی شده تا به بیانات آسمانی که پس از تعمید اظهار گردیده است، آیات ۱۰-۱۱. مرقس در این مورد از هیچ شاهد دیگری غیر از عیسی نام نمی برد و این روایت به عنوان کلید بقیه کتاب به خوانندگان اعلام شده است. (در مورد نام عیسی ر. ک یو ۶: توضیح i)
o- آسمانها به مانند پارچه ای پاره می شوند (ر. ک ۳۸:۱۵) و نشانه آن است که خدا به منظور تحقق بخشیدن به وعده هایش دخالت می نماید (اش ۱۹:۶۳) و در اینجا به وسیله فرستادن روح القدس می باشد (ر. ک وصیت لاوی ۱۸:۶؛ وصیت یهودا ۲:۲۴؛ از کتابهای غیر قانونی ولی قدیمی یهودیان).

p- ر. ک مت ۱۶:۳؛ توضیح z. روح القدس با فرود آمدن بر عیسی او را به عنوان منجی موعود تعیین می نماید (ر. ک اش ۱۱:۲؛ ۱۱:۴۲؛ ۱۱:۶۳).

q- ترجمه تحت الفظی قسمت دوم آیه ۱۱: «در تو همه خوشنودی خود را گذاشته ام» و به مفهوم خواست و اراده زودگذر الهی نیست بلکه انتخاب به منظور رسالتی است که خدا از آغاز مأموریت عیسی به وی محول می نماید در حالی که او را بعنوان پسر خود (ر. ک مز ۷:۲)، محبوب خود (ر. ک ۱۲:۶؛ شاید پید ۲۲:۲، ۱۲، ۱۶ را به خاطر می آورد)، محبوب ممتاز خود (ر. ک اش ۱:۴۲) معرفی می کند، ر. ک مت ۱۷:۳؛ توضیح a.

r- نخستین عمل عیسی که با قدرت روح القدس انجام می گردد یعنی به صحرا برده می شود تا با نیروی شیطان مقابله نماید.
s- این تجربه و وسوسه در انجیل مرقس مبارزه ای است که در تمام مدت اقامت در صحرا ادامه داشته در صورتی که در انجیل متی در پایان اقامت در صحرا روی می دهد. ر. ک مت ۲:۴؛ توضیح d.

t- برای ریشه کلمه شیطان ر. ک ایوب ۱:۶. در انجیل کلمات شیطان و ابلیس در مورد دشمن خدا و مخالف استقرار ملکوت او بکار رفته است. همچنین نامهای بعلزبول (۲۲:۳) یا بلیعال (۱۵:۶-۲) نیز آمده است.

u- در آیه ۱۳ از حیوانات وحشی یاد شده تا انزوای صحرا را تأیید کند (اش ۳۴:۱۱-۱۵) که محل طبیعی حضور شیطان است چون خالی از زندگی است یا اینکه پیشاپیش هماهنگی دنیا را بعد از پیروزی رستاخیز عیسی مسیح در زمان آخر نشان دهد (اش ۶:۱۱-۹). ضمناً خدمت کردن فرشتگان نشانه کمک و مساعدت الهی است. این خدمت و تسلط بر حیوانات به کسانی وعده داده شده که خدا به آنان اعتماد دارد (دان ۱۷:۶-۲۶؛ مز ۹۱:۱۱-۱۳ که در مت ۶:۳ نقل شده است). بنابراین عیسی از این تجربه پیروز بیرون آمده است.

v- در آیه ۱۴، مرقس موضوع اصلی گفتار عیسی را در جلیل ذکر کرده است، آیات ۱۴-۱۵. در مورد «تسلیم کرده شد» ر. ک مت ۱۲:۴؛ توضیح n.

داده^w می گفت: ^{۱۵} «زمان به تحقق پیوسته^x و فرمانروائی خدا خیلی نزدیک شده است^y: توبه کنید و به انجیل ایمان افس^{۱۰:۱} غلا^{۴:۴} آورید^z».

دعوت از چهار ماهیگیر

(متی ۴:۱۸-۲۲؛ لوقا ۵:۱-۳، ۱۰-۱۱)

^{۱۶} و چون از کناره دریای جلیل می گذشت^a، شمعون و اندریاس، برادر شمعون را دید که [تور] به دریا می افکنند زیرا ایشان صیاد می بودند.^{۱۷} و عیسی به آنان گفت: «به دنبال من^b بیائید و من چنان خواهم کرد تا شما صیاد انسانها شوید^c». ^{۱۸} و همان دم، ایشان تورها را

یو ۴۰:۶، ۸:

عیسی در کنیسه کفرناحوم اقتدار خود را نشان می دهد (لوقا ۴:۳۱-۳۷)

^{۲۱} و به کفرناحوم وارد شدند و همان دم^{مت ۱۳:۴، لوقا ۱۱:۱، ۲۳:۱۱} در روز سبت^f به کنیسه در آمده آموزش^{یو ۱۲:۲} می داد. ^{۲۲} و از آموزش وی شگفت زده^{مت ۱۳:۲، لوقا ۱۰:۱۳}

w- کلمه «انجیل خدا» (که معمولاً نوید ترجمه می شود، مر ۱:۱۰، ۲) در جاهای دیگر عهد جدید بکار رفته (روم ۱:۱۵؛ ۲-قرن ۱۱:۷) نه تنها به معنی مؤده و نویدی است که از سوی خدا می آید بلکه نیرو و قدرت خدا برای نجات و رستگاری است (روم ۱:۱۶) و عمل خدا را در مسیح اعلام می کند. عبارت «ندا دادن انجیل خدا» کار و وظیفه رسولان را تعیین می نماید (ر. ک ۱-تسا ۲:۸، ۹-۸) و مرقس که این عبارت را در مورد عیسی بکار برده مداومت رسالت عیسی و رسالت کلیسا را یادآوری و تأکید می نماید.

x- یعنی زمانی که خدا برای انجام و تحقق وعده هایش تعیین کرده بود فرا رسیده است (ر. ک ۲۰:۱۳؛ دان ۹:۴-۹).

y- یا «خیلی نزدیک است» (همین فعل در ۴۲:۱۴ آمده) ر. ک مت ۲:۳ توضیح h.

z- گفتارها و تعالیم عیسی با کلمات و عباراتی خلاصه شده که نشان می دهد در تعالیم و گفتارهای مسیحی ادامه دارد. در تعالیم مسیحی گفته می شود که زمان به تحقق رسیده (غلا ۴:۴؛ افس ۱۰:۱) و دعوت می شود توبه کنند و با ایمان انجیل را بپذیرند (ر. ک ۱-تسا ۵:۵-۶، ۹؛ ۱۳:۲؛ کول ۵:۱-۵). ولی مؤده نزدیک شدن ملکوت خدا، پس از رستاخیز عیسی، مؤده نجات است که در عیسی مسیح عطا شده است.

a- مرقس در اوایل انجیل دعوت چهار نفر از شاگردان را که جزو گروه دوازده رسول هستند ملاحظه و روایت کرده است (۱۳:۳-۱۹)، کسانی که عیسی آنان را خواهد فرستاد (۷:۶-۱۳) و رسول خواهند بود (۳۰:۶). مرقس بدون اینکه از نظر روان شناسی زمینه را آماده کند بی مقدمه این دو روایت کوتاه را ذکر نموده است (چنانکه آیه ۱۴:۲ نیز روایت کوتاه دیگری است). طرز ارائه این مطلب در قالب همان نمونه های گذشته است (ر. ک ۱-پاد ۱۹:۱۹-۲۰) و اهمیت و ابتکار عیسی را در دعوت از آنان و اطاعت آنان را به خوبی نشان می دهد.

b- تحت اللفظی: «پشت سر من». ر. ک آیه ۷ توضیح ا.

c- در عهد عتیق (حزق ۱۲:۱۳؛ ر. ک ۱۶:۱۶؛ حب ۱۵:۱۵، ۱۷) تصویر تور ماهیگیری یا تور شکارچیان غالباً نشانه و یادآور کفر و مجازات است (۱۶:۱۶) و در اینجا به رسالت آینده دوازده نفر مربوط می شود: بدین معنی که با موعظه انجیل مردمان را برای داوری و ورود به ملکوت خدا جمع خواهند کرد، ر. ک مت ۱۳:۴۷-۵۰.

d- ر. ک مت ۲۰:۴ توضیح w. «رفتن به دنبال» عیسی به مفهوم آن است که شاگرد او شوند. ترک شغل به خاطر زندگی کردن با استاد به معنی زندگانی جدید با عیسی است و تجربه دوازده شاگرد سرمشقی برای تمام ایمانداران است که به توبه خود دعوت شده اند مکتب او را پیروی نمایند.

e- تحت اللفظی: «یعقوب زبدي» و طبق ۳۵:۱۰ پسر او است.

f- در صحنه ای که در آیات ۲۱-۲۸ روایت شده مرقس تعلیمات عیسی (آیات ۲۱-۲۲) و پیروزی او را بر نیروی شر (آیات ۲۳-۲۶) مجموعاً به عنوان تجلی اقتداری معرفی کرده که از سوی خدا می آید (آیه ۲۷).

شفای مادر زن شمعون

(متی ۸: ۱۴-۱۵؛ لوقا ۴: ۳۸-۳۹)

^{۲۹} و همان دم از کنیسه خارج شده با یعقوب و یوحنا به منزل شمعون و اندریاس رفتند.^m ۳۰ مادر زن شمعون تب دار در بستر می بود و همان دم درباره او با وی صحبت می کردند. ۳۱ و نزدیک شده دست او را گرفته او را برخیزاند و تب او را ترک کرد و آنان را خدمت می کرد.

شفاهای متعدد بعد از روز سبت

(متی ۴: ۲۴؛ ۸: ۱۶-۱۷؛ لوقا ۴: ۴۰-۴۱)

^{۳۲} با فرارسیدن شامگاه وقتی خورشید غروب کرده بودⁿ همه مریضان و دیوانگان را نزد او می آوردند.^o ۳۳ تمام شهر به دم ۵۵:۶، ۸:۳ در جمع شده بودند ۳۴ و بسیاری از بیماران را که از بیماری های گوناگون رنج می بردند شفا داد و بسیاری از شیاطین را راند و

می بودند زیرا با اقتدار آموزش می داد نه چون کاتبان^g. ۲۳ و همان دم در کنیسه آنان مردی با روح ناپاک^h بود که فریاد کشید: ۲۴ «ای عیسی ناصری از ما چه می خواهی؟ⁱ آیا برای نیستی ما آمده ای؟ می دانم تو که هستی: آن قدوس خدا!» ۲۵ و عیسی او را نهیب زده گفت: «خاموش!^k و از او بیرون شو.» ۲۶ و روح، آن ناپاک او را به شدت تکان داده و فریادی بلند زده از او بیرون شد. ۲۷ و همه متحیر شدند^l به طوری که از همدیگر پرسیده می گفتند: «این چیست؟ آموزشی نوین، آن هم با اقتدار! حتی به ارواح ناپاک فرمان می دهد و آنها از او اطاعت می کنند!» ۲۸ و شهرت او همان دم همه جا در سراسر ناحیه جلیل پراکنده شد.

^g- مرقس به ندرت موضوع تعلیمات عیسی را مشخص نموده ولی اغلب یادآوری کرده است که تعلیم و آموزش وی چه تأثیر عمیقی بر شنوندگان می گذارد (۲: ۶؛ ۱۰: ۲۶؛ ۱۱: ۸؛ پس از یک معجزه، ۳۷: ۷). اقتداری که عیسی بکار می برد از سوی خدا می آید (۱: ۲۷؛ ۲: ۱۰؛ ۱۱: ۲۸-۳۳؛ ر. ک ۱۳: ۳۴). در اینجا نشان داده شده که عیسی بر خلاف کاتبان، مفسر ممتاز تورات و متخصص نوشته های مقدس می باشد در صورتی که کاتبان در پشت اقتدار متون مقدس و روایات سنگر می گرفتند.

^h- اصطلاح «روح ناپاک» اغلب به جای اهریمن و دیو بکار رفته زیرا نفوذ او بر ضد تقدس خدا و قوم او است. در اینجا روح ناپاک شدیداً در برابر تقدس عیسی واکنش نشان می دهد (آیه ۲۴). در مورد ارتباط بیماری با نفوذ دیو ر. ک آیه ۳۲ توضیح O.

ⁱ- تحت اللفظی: «به ما و به تو چه» و اصطلاحی است که در کتاب مقدس بکار رفته (داور ۱۲: ۱۲-۲- سمو ۱۰: ۱۶؛ ۱۹: ۲۳؛ ۱- پاد ۱۷: ۱۸؛ یو ۴: ۲) و در مورد نپذیرفتن دخالتی که به نظر بیجا و بی موقع است یا اظهار مخالفت با هر گونه ارتباط با کسی این جمله ادا می شود. دیوی که ظاهراً به نام همجنسان خود از زبان بیمار سخن می گوید متوجه شده که قدرت و تسلط او بر آن شخص رو به پایان است. ر. ک لو ۱۸: ۱۰؛ مکا ۲۰: ۱۰.

^j- تنها خدا قدوس است و تقدس او به چیزی می پیوندد که به او تعلق داشته یا به او تقدیم شده است: عیسی به حد کمال آن قدوس خدا است زیرا مسیح (تقدیم شده ر. ک آیه ۱ توضیح b) و پسر خدا است (آیات ۱، ۱۱). چنین می نماید که یهودیان این کلمه را در مورد مسیح موعود بکار نبرده اند، ر. ک یو ۶: ۶۹؛ اع ۳: ۱۴؛ ۴: ۲۷-۳۰.

^k- ر. ک آیه ۳۴ توضیح p.

^l- اصطلاح جدیدی (ر. ک آیه ۲۲ توضیح g) که این بار مختص مرقس می باشد و اعمال نیرومند عیسی و گفتارهای او ایجاد شگفتی و حتی رعب و وحشت کرده است (۱۰: ۲۴، ۳۲؛ هم چنین ر. ک ۱۵: ۹).

^m- بیان دیگری از این روایت: «با خارج شدن از کنیسه... رفت».

ⁿ- پیدا شدن نخستین ستارگان در آسمان نشانه پایان روز شنبه [و مقررات مربوط به آن در نزد یهودیان] است.

^o- ر. ک مت ۸: ۱۶ توضیح I: مرقس چندین بار بیماری را به نفوذ روح پلید منسوب نموده و بیماران را با دیوها ارتباط داده است (۱: ۳۴؛ ۳: ۱۰-۱۱؛ ۶: ۱۳؛ همچنین ر. ک لو ۶: ۱۸؛ اع ۵: ۱۶؛ ۷: ۸). ضمناً در عهد جدید هرگز از دیوها جز در مورد نفوذ آنها در این دنیا یاد نشده و عمل عیسی خاتمه دادن به این نفوذ است.

نمی گذاشت شیاطین حرف بزنند زیرا وی را می شناختند.^P

جلیل در کنیسه هایشان ندا می داد^S و ۶:۶:مت ۳۵:۹ شیاطین را می راند.

عیسی کفرناحوم را ترك می کند (متی ۲۳:۴؛ لوقا ۴:۴۲-۴۴)

^{۳۵} و بامدادان در سیاهی شب برخاسته بیرون شد و به صحرا رفت و در آنجا نیایش می کرد. ^{۴۶:۶} ^{۳۶} و شمعون و کسانی که با او می بودند به دنبالش رفتند. ^{۳۷} و او را یافته به او گفتند: «همه در جستجوی تو هستند.» ^{۳۸} او به ایشان گفت: «به جای دیگر، به روستاهای مجاور برویم تا در آنجا نیز ندا دهیم^۹ زیرا این است که بیرون آمده ام.» ^{۳۹} و به راه افتاده در سراسر

پاك شدن يك جذامی (متی ۱-۸؛ لوقا ۵:۱۲-۱۶)

^{۴۰} و یک جذامی^t به سوی او آمده تمناکنان به زانو درآمده به او می گوید: «اگر بخواهی می توانی مرا پاک گردانی.» ^{۴۱} و او به رحم آمده^u، دست خود را دراز کرده او را لمس نمود و به او گفت: «همین مرا می خواهم، پاک شو!» ^{۴۲} و همان دم جذام او را ترک کرد و پاک شد. ^{۴۳} و با تندی همان دم او را راند. ^{۴۴} و به او گفت: «مواظب باش! به هیچکس چیزی نگوئی^v

^P- در برخی نسخه ها: «می شناختند که او مسیح است»، ر.ک لوقا ۴:۴۱. در اینجا مرقس توضیح می دهد که به چه سبب عیسی دیوها را وادار به سکوت می کند در حالی که مردم عظمت او را درک نمی نمایند (۲۷:۱؛ ۲۷:۴؛ ۴۱:۴؛ ۱۶:۶؛ ۲۷:۸-۲۸). دیوها می دانند او کیست (۲۴:۱؛ ۱۱:۳؛ ۷:۵)، این سری است که عیسی نمی خواهد آشکار شود (۱۲:۳؛ ۲۵:۱). با اینکه این حقیقت را صدای خدا در ۱۱:۱ و ۷:۹ مکشوف نمود و در قانون ایمان مسیحی به آن اعتراف می شود (عیسی، مسیح موعود، پسر خدا و قدوس خدا است). رویارویی عیسی با شیطان در انظار عمومی و آشکارا است و نشانه قدرتی فوق العاده است ولی هنوز زود است که معنی آن افشا گردد، ر.ک ۴۴:۱ توضیح ^v، ^x.

^q- فقط همین فعل در انجیل مرقس کافی است طنین خبر خوش و «نوید» را تعیین نماید، ۱۴:۳؛ ۳۹:۱؛ ۱۴:۱ چنانکه در ۱۴:۱؛ ۱۰:۱۳؛ ۹:۱۴ تصریح گردیده است.

^r- از کفرناحوم «بیرون آمده ام»، ر.ک لوقا ۴:۴۳.

^s- در مورد فعل ندا دادن ر.ک آیه ۴:۱ توضیح ^g؛ ۳۸:۱ توضیح ^q.

^t- برابر انجیل مرقس وقایع «روز کفرناحوم» (آیات ۲۱-۳۴) شامل چند عمل خاص است و نخستین بروز راز عیسی به شمار می روند. مرقس از ادامه و توسعه اقدامات او در جلیل (آیات ۳۵-۳۹) فقط یک نمونه آورده است و آن عمل «پاک کردن» می باشد که نظیر پیروزیهای او بر ارواح ناپاک است (ر.ک آیه ۲۳ توضیح ^h) زیرا بیماری جذام ناپاکی به شمار می رفت و موجب اخراج بیمار از جامعه مذهبی می گردید. ر.ک مت ۲:۸ توضیح ^f.

^u- در نسخه های دیگر بجای «به رحم آمد» «ناراحت شد» آمده ولی این کلمه را نمی توان بعنوان تصحیح «به رحم آمده» تصور نمود در صورتی که عکس این موضوع امکان دارد. اگر به طوری که مفسران تصور می کنند باید «ناراحت شد» خوانده شود می توان تندی عیسی را چنین تعبیر نمود که یا مرد جذامی با نزدیک شدن به او قوانین تورات را نقض کرده (لاوا ۱۳:۴۵-۴۶؛ ولی عیسی نیز با لمس کردن مرد جذامی آنها را نقض می نماید) یا اینکه مرد جذامی مانع عیسی شده که می خواسته با احتراز از ازدحام جمعیت به موعظه بپردازد (آیات ۳۵-۳۹، ۴۵) بدون اینکه بعنوان مسیح موعود و پسر خدا ظاهر شده باشد (آیه ۳۴، ۴۳، ۴۴ توضیح ^v). لازم به یادآوری است جذامیان ناپاک و موجب ناپاکی به شمار می آمدند و آنان را محکوم به کیفر الهی تصور کرده از اجتماع اخراج می نمودند. عیسی با لمس کردن او این موضوع را رد کرده ولی با این همه جذامی شفا یافته را به نزد کاهن می فرستد تا مجدداً در جامعه مذهبی پذیرفته و وارد شود. (آیه ۴۴ توضیح ^w). ضمناً معالجه بیماری جذام همچون عمل دوباره زنده کردن مردگان بشمار می رفت و فقط به قدرت خدا بستگی داشت. این عمل نشانه نزدیک شدن ملکوت خدا و با رستاخیز مردگان جزو برکات دوران مسیح موعود محسوب می شد (مت ۱۰:۸؛ ۱۱:۵ و متون موازی). به همین دلیل دستور حفظ سکوت از نظر مرقس توجیه می گردد (آیه ۴۴).

اما برو خود را به کاهن نشان بده و برای تطهیر خود آنچه را موسی مقرر کرده است^w به عنوان شهادتی^x به آنان تقدیم کن.^{۴۵} اما او همین که بیرون شد شروع به ندا دادن کرده سخن را همه جا شایع نمود^y به طوری که او دیگر نمی توانست آشکارا به شهری وارد شود بلکه در بیرون، در صحرا می بود و از هر سو به طرف وی می آمدند.

بخشش و شفای مفلوج در کفرناحوم (متی ۹: ۱-۸؛ لوقا ۵: ۱۷-۲۶)

^۱ و چون چند روز بعد باز وارد کفرناحوم شده بود^z، خبر شدند در

خانه خودش است^a.^۲ و مردمان کثیری جمع آمدند، به طوری که حتی دم در نیز دیگر جائی نبود و او سخن را به آنان اعلام می کرد.^b و افرادی می آیند که افلیجی حمل شده توسط چهار نفر را نزد او می آورند.^c و چون نمی توانستند به علت ازدحام به حضور او ببرند بام محلی را که وی آنجا می بود شکافتند و پس از سوراخ نمودن^c بستری را که افلیج بر آن دراز کشیده بود پائین می دهند.^d و با دیدن ایمان آنان^d، عیسی به مفلوج گفت:

«فرزندم گناهان تو بخشیده شد.»^e در لو ۷: ۴۸ آنجا کاتبانی^e نشسته بودند و در قلب خود

v- مورد دیگری که دستور حفظ سکوت داده شده و موارد آن در انجیل مرقس بسیار است (ر. ک. ۱: ۳۴ توضیح p) مثلاً در مورد معجزه ها ر. ک. همچنین ۵: ۴۳؛ ۷: ۳۶؛ ۸: ۲۶. در اینجا دستور حفظ سکوت رعایت نشده است: آیه ۴۵، چنانکه در ۷: ۳۶-۳۷ نیز به همین گونه است، گویی از درخشندگی قدرت پسر خدا نمی توان جلوگیری کرد.
w- ر. ک. لاو ۲۰: ۳۲، شخص جذامی که شفا یافته بود نمی توانست مجدداً در جامعه مذهبی وارد شود مگر اینکه شفای او به وسیله کاهنی که در معبد کار می کرد تأیید شود.

x- این عبارت در جاهای دیگر به مفهوم شهادتی است که ارزش قضایی دارد و بر علیه کسی (۱۱: ۶) یا در برابر کسی داده می شود (۹: ۱۳). چنین به نظر می رسد که در آیه ۹: ۱۳ شهادت بایستی در موافقت با برای متهم کردن باشد بر حسب اینکه چگونه پذیرفته شود. در اینجا نیز به همین گونه است، بدین معنی که گواهی و تصدیق قانونی شفای بیمار به این شهادت قدرت می بخشد. تطبیق دادن این موضوع با دستور حفظ سکوت که در آیه ۴۴ آمده مسئله دشواری است و نشان می دهد به چه سبب مرقس بین جنبه های آشکار و پنهانی شخصیت و فعالیت های عیسی پریشان خاطر بوده است زیرا عیسی نمی خواهد خود را بعنوان مسیح موعود آشکار و اعلام نماید ولی در سخنان و اعمال او اقتدار خدا ظاهر می شود.

y- این واژه مفهوم خاصی داشته و در آیات ۲: ۲؛ ۴: ۱۴؛ ۲۰: ۳۳ در مورد سخن خدا بکار رفته است. در اینجا که همراه با فعل «ندا دادن» آمده و این فعل در مورد انجیل می آید (ر. ک. ۴: ۱ توضیح g) چنین استنباط می شود که جذامی شفا یافته پیش نمود منادیان انجیل است. ر. ک. ۵: ۱۹-۲۰؛ ۷: ۳۶ توضیح m.

z- در اینجا رشته مباحثاتی بین عیسی و مخالفانش آغاز می شود که مرقس محل وقوع آنها را در کفرناحوم ذکر کرده است: ۱: ۲-۳: ۶. موضوع مورد بحث سخنان عیسی است که صریحاً معنی رسالت خود را بیان می نماید (۲: ۱۰، ۱۷، ۱۹، ۲۸؛ ۴: ۳).

a- البته بایستی فکر کرد «در خانه شمعون» است (۲۹: ۱) که می توان گفت در آنجا عیسی در خانه خودش است (ضمناً مفهوم عباراتی که در ۱- قرن ۱۱: ۳۴؛ ۱۴: ۳۵ آمده به همین گونه است) در صورتی که در ۷: ۱۷؛ ۹: ۲۸ و شاید ۳: ۲۰ مفهوم دیگری دارد و «در خانه ای» می باشد.

b- اعلام کردن کلام اصطلاحی است که مختص موعظه مسیحی است (اع ۴: ۲۹؛ ۳۱؛ ۸: ۲۵ و غیره). مرقس در اینجا با آوردن این اصطلاح تأکید می کند که روایات کلیسا در ادامه کار عیسی می باشد.

c- بایستی یک خانه را در فلسطین مجسم کرد که فقط یک طبقه دارد و سقف آن با تیرهای چوبی و کاهگل پوشیده شده است. در مورد بستر بیمار که در بعضی زبانهای غربی «برانکار» ترجمه شده مرقس کلمه ای بکار برده که به معنی «تختخواب» می باشد، ر. ک. لو ۵: ۱۸ توضیح q.

d- در اینجا مرد بیمار و حاملان او به وسیله رفتار خود که نزد عیسی آمده اند «ایمان» خود را بیان کرده اند. در روایت های مربوط به معجزه ها گاهی عیسی پیش از آنکه دخالت کند می گوید ایمان داشته باشند (۵: ۳۶؛ ۹: ۲۳ توضیح q) یا اینکه پس از معجزه، شفای بیمار را مرتبط با ایمان او اعلام می نماید (۵: ۳۴؛ ۱۰: ۵۲) در مورد ایمان ر. ک. ۴: ۴۰ توضیح z؛ ۱۱: ۳۰ توضیح y.

e- در انجیل مرقس غالباً کاتبان (ر. ک. ۲۲: ۱ توضیح g) به عنوان مخالفان عیسی به شمار آمده اند. ر. ک. استثنائاً ۴: ۱۲ توضیح e.

را سپاسگزاری کرده می گفتند: «هرگز مت ۳۳:۹ چنین چیزی ندیده بودیم!»

دعوت از لاوی و پذیرفتن گناهکاران (متی ۹:۹-۱۳؛ لوقا ۵:۲۷-۳۲)

^{۱۳} و باز به ساحل دریا بیرون شد^h و همه جمعیت به سوی او می آمدند و وی به آنان^{۳:۷-۸؛ مت ۲۵:۴} آموزش می داد. ^{۱۴} به هنگام عبور، لاوی^{۲:۶، ۲۲:۱} [پسر] حلفیⁱ را دید که در دفتر وصول خراج^j نشسته است و به او گفت: «به دنبال من بیا» و او برخاسته به دنبال وی رفت^k.
^{۱۵} و اینک [عیسی] در منزل او^۱ برسر سفره و بسیاری از خراج گیران^m و گناهکاران با عیسی و شاگردانش بر سر سفره می بودند زیرا بسیاری بودند که به دنبال او می رفتند. ^{۱۶} و کاتبان و فریسیانⁿ چون

استدلال می کردند: ^۷ «چرا این یکی این طور حرف می زند؟ کفر می گوید! چه کسی جز خدا می تواند گناهان را ببخشد^f؟»
^۸ و همان دم با دانستن اینکه در روح خود این چنین استدلال می کردند، عیسی به آنان گفت: «این استدلال ها در قلب های تان چیست؟» ^۹ چه چیزی آسان تر است، به مفلوج گفتن: گناهانت بخشیده شد یا گفتن: قیام کن، بستر خود را بردار و به راه بیفت؟ ^{۱۰} اما برای اینکه بدانید که پسر انسان^g اقتدار دارد تا گناهان را بر روی زمین ببخشد» ^{۱۱} به مفلوج گفت: «به تو می گویم: قیام کن، بستر خود را بردار و به خانه خود برو.» ^{۱۲} و او قیام کرد و همان دم بستر را برداشته در برابر همه خراج شد به طوری که همه حیرت زده می بودند و خدا

f- ر. ک لو: ۵: ۲۱ توضیح t.

g- ر. ک مت ۸: ۲۰ توضیح w.

h- ر. ک ۱: ۱۶.

i- دعوت از لاوی که روایت آن همانند دعوت از چهار شاگرد اولیه است (ر. ک ۱: ۱۶ توضیح a) بحث دیگری مطرح می کند که مربوط به طرز رفتار عیسی نسبت به گناهکاران می باشد.

j- در آنجا از کالاهایی که به شهر وارد یا خارج می شد مالیات می گرفتند. کفرناحوم در مرز بین سرزمینهای هیروдіس آنتیپاس و فیلیپس (حکمران رومی تراخونیه) قرار داشت. طرز وصول مالیات و خراج به وسیله رومیان تعیین شده بود، به این ترتیب که وصول آنها را به اشخاص خصوصی اجاره می دادند و این افراد کارمندانی زیردست خود داشتند. بعضی از شهرها و فرمانروایان که تحت قیمومیت روم بودند می توانستند به نفع خود عوارضی به عنوان حق عبور بگیرند چنانکه وضع هیروдіس آنتیپاس از آن جمله بود.

k- ر. ک ۱: ۱۸ توضیح d.

l- احتمالاً موضوع مربوط به لاوی است که در خانه اش مهمانی می دهد چنانکه در لو: ۵: ۲۹ هم به همین گونه ذکر شده است.

m- در مورد ترجمه دیگری از خراجگیران ر. ک لو: ۳: ۱۲ توضیح q. نظر به اینکه این افراد از مأمریت خود سوء استفاده کرده و بدین وسیله ثروت می اندوختند (ر. ک لو: ۱۲: ۱۳-۱۹: ۸) آنان را در ردیف گناهکارانی بشمار می آورند که قوانین یهود را رعایت نمی کردند (ر. ک مت ۱۹: ۱۱ و متون موازی: ۱۷: ۱۸؛ ۲۱: ۳۱؛ لو: ۷: ۲۹؛ ۱۸: ۹-۱۴) و نمی بایست با آنان معاشرت نمود. طرز رفتار عیسی به جمعیت های مسیحی اولیه آموخته بود که همه مسیحیان را اعم از اینکه قبلاً یهودی یا مشرک بودند بر سر یک سفره جمع کند و البته این امر چندان بدون اشکال و درگیری انجام نمی شد (ر. ک غلا: ۱۲-۱۵).

n- ترجمه دیگر: «زیرا مردم بسیاری بودند حتی کاتبان و فریسیان به دنبال او می آمدند و با دیدن او که غذا می خورد...» بیشتر کاتبان به فرقه فریسیان تعلق داشتند که سعی می کردند قوانین و سنتها را به خوبی شناخته و بتوانند بر اجرای دقیق آنها نظارت نمایند. (بدین طریق خود را از کسانی که قوانین را مراعات نکرده و ناپاک به شمار می آمدند جدا کرده بودند و شاید مفهوم عنوان «فریسی» («جدا شده») نیز از اینجا ناشی شده است).

خواهد رسید که داماد از ایشان گرفته خواهد شد و آنگاه در آن روز، روزه خواهند گرفت.^t ۲۱ هیچ کس تکه پارچه نشسته^u را به ردای کهنه نمی دوزد و گر نه وصله از آن جدا می شود، نو از کهنه و پارگی بدتری به وجود می آید. ۲۲ و هیچ کس شراب تازه را در مشکهای کهنه نمی ریزد و گر نه شراب مشکها را می درد و شراب و مشکها از بین می رود، بلکه برای شراب تازه مشکهای نو^v!

خوشه چینی و رعایت سبت

(متی ۱۲:۱-۸؛ لوقا ۶:۱-۶)

۲۳ باری در یک روز سبت^w در [موسم] درو عبور می کرد و شاگردانش ضمن راه پیمودن، شروع به کندن خوشه ها کردند. ۲۴ و فریسیان به او می گفتند: «ببین! چرا به روز سبت آن می کنی که جایز نیست^x؟» ۲۵ و او به آنان گفت: «مگر هرگز نخوانده اید که داود وقتی احتیاج

دیدند با گناهکاران و خراجگیران غذا می خورد به شاگردان وی می گفتند: «یعنی چه! با خراجگیران و گناهکاران غذا می خورد^o!» ۱۷ و عیسی شنیده به آنان گفت: «اشخاص سالم به پزشک نیاز ندارند، بلکه آنان که بیمارند. من نیامده ام برای دعوت عادلان بلکه گناهکاران^p.»

بحث درباره روزه

چیزهای کهنه و چیزهای نو

(متی ۹:۱۴-۱۷؛ لوقا ۵:۳۳-۳۹)

۱۸ و شاگردان یحیی^q و فریسیان روزه را رعایت می کردند و آمده به او گفتند: «چگونه است که شاگردان یحیی و شاگردان فریسیان روزه می گیرند ولی شاگردان تو روزه نمی گیرند؟» ۱۹ و عیسی به آنان گفت: «آیا ساقدوش ها^r وقتی داماد به همراه ایشان است می توانند روزه بگیرند؟ تا وقتی که داماد^s را با خود دارند نمی توانند روزه بگیرند. ۲۰ روزهایی

o- ر. ک مت ۹:۱۱ توضیح u.

p- این عبارت نمونه ای از سخنان مختص عیسی درباره رسالتی است که از سوی خدا دارد ر. ک ۱۰:۴۵؛ ۹:۱۱؛ درباره الیاس ر. ک ۹:۱۱-۱۳.

q- ر. ک مت ۹:۱۴ توضیح x. مباحثه درباره روزه به همان طرز و نمونه قبلی انجام شده است بدین معنی که درباره یک واقعه سؤالی مطرح گردیده (آیه ۱۸) و موجب پاسخ قاطع عیسی شده است (آیات ۱۹-۲۰). آیات ۲۱-۲۲ نزدیک به این پاسخ بوده و موضوع آموزش را توسعه می دهند.

r- تحت اللفظی: «پسران حجله» که اصطلاحی در بین ملت های سامی است و به مفهوم دوستانی است که داماد به جشن عروسی خود دعوت می کند. دوست داماد (یو ۳:۲۹؛ مت ۲۲:۱۱-۱۱؛ ر. ک ۲-۱۱ قرن ۱:۲) شخصی قابل اعتماد و امینک که به داماد کمک می کرد و در طول عروسی همه امور را تحت نظر داشت.

s- ر. ک مت ۹:۱۵ توضیح z.

t- ر. ک مت ۹:۱۵ توضیح a, b.

u- کلمه ای که «نشسته» ترجمه شده تحت اللفظی «آب نرزه یا پانخورده» است.

v- بایستی بین «کهنه» (احتمالاً منظور رسوم قدیمی و کهنه یهودیان است ر. ک ۷:۳-۴، ۱۵) و «نو» یعنی انجیل یکی را انتخاب کرد.

w- باز هم روایتی از همان نمونه (آیه ۱۸ توضیح q) که نشان دهنده اهمیت پاسخ عیسی است (آیات ۲۵-۲۶) و با اظهاراتی که در آیات ۲۷-۲۸ شده بسط یافته است.

x- مت ۱۲:۲ توضیح h.

داشت و گرسنه بود او و همراهانش چه کردند؟^{۲۶} چگونه در زمان ابیاتار^۷ کاهن اعظم وارد خانه خدا شد، نانهای تقدیمی را که خوردن آنها جز برای کاهنان مجاز نبود، خورد و از آن به همراهانش نیز داد؟^{۲۷} و او به آنان می گفت: «سبت برای انسان است و نه انسان برای سبت^۷،^{۲۸} به طوری که پسر انسان حتی خداوند سبت است^a».

خروج ۱۰-۸:۲۰
نت ۱۴-۱۲:۵

شفا در روز سبت

(متی ۹:۱۲-۱۴؛ لوقا ۶:۱۱۶)

^۱ و باز^b وارد کنیسه ای شد و در آنجا مردی بود با دستی خشکیده^c.

۳

^۲ و مترصد وی می بودند که آیا در روز سبت شفا می دهد^d تا وی را متهم کنند.^۳ و یو ۸:۶ به مردی که دست خشکیده داشت گفت: «در میان برخیز.»^۴ و به آنان گفت: «آیا در روز سبت کار نیکو کردن مجاز است یا کار بد کردن، یک زندگی را نجات دادن یا کشتن^۵؟» آنان خاموش ماندند.^۵ و نگاههای^f خود را خشمگین به طرف آنان برگردانده به شدت اندوهگین از سنگدلی آنان به مرد گفت: «دست را دراز کن» و او آن را دراز کرد که دستش به حالت اول برگشت.^۶ و همین که خارج شدند، همان دم فریسیان با هیرودیان^g علیه او شورائی تشکیل دادند تا او را از بین ببرند^h.

لو ۱۴:۳
یو ۵:۱۰

۱۷:۸، ۵۲:۶
۵:۱۰، ۵:۴
۲۵:۱۱

افس ۴:۱۸
عبر ۳:۸

y- در ۱-سمو ۲:۷-کاهنی به نام اخی ملک پدر ابیاتار است. مرقس نام ابیاتار را ذکر کرده که شهرت بیشتری دارد و در دوران سلطنت داود کاهن اعظم بوده است، مگر اینکه از روایات دیگری پیروی کرده باشد که ابیاتار را پدر اخی ملک دانسته اند (۲-سمو ۸:۱۷ متن عبری).

Z- این نظریه در بین یهودیان آن دوران عجیب نبود و تازگی نداشت بدین معنی که اگر رعایت مقررات روز شنبه موجب صدمه و زیان مهمی به انسان بود رعایت آنها منتفی می گردید. ر.ک ۱-مک ۲:۳۹-۴۱ و این سخن که یک ربی درباره خروج ۱۴:۳۱ گفته است: «روز شنبه به شما سپرده شده ولی شما به روز شنبه سپرده نشده اید.» هم چنین ر.ک مر ۳:۴؛ مت ۱۱:۱۲؛ لوقا ۱۴:۵.

a- البته به نظر مرقس «پسر انسان» عیسی است (ر.ک مت ۸:۲۰ توضیح W) که اقتدار خود را بر مقررات الهی روز شنبه تأیید می نماید. این سخن با آنچه در آیه ۱۰ گفته شده از نظر اهمیت برابر است و در اینجا فقط از مفاد آیه ۲۷ نتیجه گیری نشده بلکه اصولی را که از طرز رفتار عیسی در آیات ۲۳-۲۷ مستفاد می شود بیان می کند.

b- کلمه «باز» مراجعه به ۲۱:۱ است. در این روایت از نمونه معمولی روایت معجزه ها پیروی نشده بدین معنی که موضوع شفا دادن مورد توجه نیست، بلکه نکته در این است که شفا دادن موجب جدل درباره مقررات روز شنبه است (آیات ۲، ۴) و شامل پاسخ عیسی به این مجادلات است.

c- در بعضی ترجمه ها «دست فلج شده» آمده و کلمه «خشکیده» معنی تحت اللفظی می باشد.

d- به نظر ربی ها در روز شنبه نباید بیماری را شفا داد مگر اینکه در خطر مرگ باشد، بنابراین موضوع مرد افلیج آزمایشی به شمار می رفت تا طرز رفتار عیسی را در این باره قضاوت نمایند.

e- عیسی عملی را که انجام می دهد (نیکی کردن، معالجه و شفای یک زندگانی که کاهش یافته) در برابر عمل مخالفانش (بدی کردن، کشتن ر.ک آیه ۶) که با سوء نیت مترصد او بودند مقایسه می نماید. تفسیر دیگر این است: اگر زندگی کسی در معرض خطر قرار می گرفت نقض مقررات روز شنبه مجاز بود و در اینجا موضوع خطر مرگ وجود نداشت در صورتی که عیسی این اصل را به همه شفا دادن ها و به تمام کارهای نیکی که در روز شنبه انجام شود تسری می داد زیرا معالجه نکردن برابر کشتن است و نیکی نکردن همچون بدی کردن می باشد. در هر دو مورد طرز رفتار عیسی در مورد مقررات روز شنبه آن است که مقررات مذکور در راه نیکی و خدمت به زندگی گذاشته شود، ر.ک یو ۵:۱۷-۱۸.

f- مرقس غالباً این «نگاه» عیسی به اطراف خود را ذکر کرده است: ۳:۳۲؛ ۵:۳۲؛ ۱۰:۲۳؛ ۱۱:۱۱؛ ر.ک لوقا ۱۰:۱۰.

g- هیرودیان دوستان یا طرفداران هیروдіس آنتیپاس حکمران جلیل و پره (از سال ۴ پیش از میلاد تا سال ۳۹ میلادی) بودند و بدون پشتیبانی او نمی توانستند اقدامی علیه عیسی به عمل آورند. هم او بود که یحیی تعمید دهنده را به زندان انداخت (۱۷:۶) و طبق لوقا ۱۳:۳۱ مخالف عیسی بود (ر.ک مر ۸:۱۵). در ۱۳:۱۲ هیرودیان مجدداً با فریسیان هستند.

h- ترجمه دیگر: «تا به چه وسایلی او را از بین ببرند.» در اینجا منظور از شورا مسلماً جلسه ای پنهانی برای توطئه می باشد و مجلس رسمی نبوده است. آیه ۶ که نتیجه گیری مجموع آیات ۱:۲-۳:۶ می باشد موضوع مصائب و مصلوب شدن را اعلام کرده مخاطرات مبارزه عیسی و اهمیت دامنه اظهارات او را تأیید می کند.

عیسی و جمعیت کثیر

(متی ۴:۲۵؛ ۱۲:۱۵-۱۶؛ لوقا ۱۷:۱۹-۱۶)

و عیسی با شاگردان خود به سوی دریا کناره گرفت^۱ و جمعیتی کثیر از جلیل آمده به دنبال او می رفتند. و از یهودیه،^۸ و از اورشلیم و ادومیه و از ماوراء اردن و از اطراف صور و صیدون^۹ جمعیتی کثیر که از آنچه می کرد آگاه شده بودند به سوی او آمدند. و به شاگردان خود گفت، به خاطر جمعیت، برای اینکه به هم فشار نیاورند، قایقی در اختیار وی قرار دهند.^{۱۰} زیرا بسیاری از مردمان را شفا داده بود، به طوری که همه کسانی که علبل بودند برای لمس کردن او بر وی می افتادند.^{۱۱} و ارواح ناپاک هر بار که وی را می دیدند در برابرش افتاده فریاد می کشیدند: «تو هستی آن پسر خدا!^{۱۲}» و آنان را به شدت نهیب می زد که او را نشناسانند.^۱

۵:۶، ۳۳:۱
۱:۴ متون مشابه:
لو ۵:۳

تعیین دوازده تن

(متی ۱۰:۱-۴؛ لوقا ۱۲:۶-۱۶)

و به کوه بالا می رود^m و هر که را می خواست به خود فرامی خواندⁿ و ایشان به سوی او رفتند.^{۱۴} و او دوازده تن را تعیین می کند^o تا با وی باشند^p و آنان را برای ندا دادن بفرستد،^{۱۵} با قدرت راندن شیاطین.^{۱۶} پس دوازده تن را تعیین می کند^q: شمعون که بر وی نام پطرس نهاد^r و یعقوب [پسر] زبَدی^s و یوحنا برادر یعقوب که بر آنها نام «بوانرجس» نهاد یعنی پسران تندرست،^{۱۸} و آندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب [پسر] حَلْفی و تَدی و شمعون کنعانی^v،^{۱۹} و یهودای اسخریوطی^w، همان کسی که او را تسلیم کرد.

i- مرقس در اینجا منظره ای کلی از رسالت عیسی و جاذبه ای که بر توده مردمان دارد، ارائه کرده و اختلاف آن را با عناد و کینه توزی دشمنانش نشان داده است (۲:۱-۳:۶؛ ۳:۳۵-۲۰). ضمناً تجمع همه قوم اسرائیل را (آیات ۷-۸) در پیرامون پسر خدا (آیه ۱۱) توصیه نموده و تشکیل گروه دوازده نفری رسولان را آماده می کند (آیات ۱۳-۲۰).
j- جمعیت نه فقط از جلیل بلکه از تمام مناطق مسکونی یهودیان می آیند. این مورد را با ۵:۱ مقایسه کنید که در آنجا مردم فقط از یهودیه و اورشلیم به سوی یحیی روی می آوردند.

k- ر. ک ۱:۱ توضیح c: ۲۴:۱۲، ۳۴:۵، ۷.

l- تحت اللفظی: «او را (یعنی عیسی را) آشکار نکنند». ر. ک ۱:۳۴ توضیح p.

m- در انجیل مرقس عیسی توده مردم را در کنار دریا ملاقات کرده به آنان آموزش می دهد. (۲:۱۳؛ ۳:۷-۸؛ ۴:۱-۲؛ ۵:۲۱) و به کوهستان بالا می رود تا به دور از مردم نیایش کند (۴۶:۶) یا برای اعمال مهمی به خاطر شاگردانش (۳:۱۳؛ ۹:۲).

n- در اینجا ابتکار عیسی و همچنین آمادگی شاگردانش نشان داده شده چنانکه در ۱۶:۱-۲۰ نیز به همین گونه است.

o- در بعضی نسخه ها چنین است: «دوازده نفری که آنان را رسول خوانده است» و به عنوان فرستادگان عیسی در ۳۰:۶ به این نام خوانده شده اند (ر. ک مت ۱۰:۲ توضیح q؛ لوقا ۱۳:۶ توضیح c).

p- این جنبه از زندگی رسولان را فقط مرقس تأیید کرده است: ر. ک ۵:۱۸.

q- این کلمات در بسیاری از نسخه ها حذف شده است.

r- تحت اللفظی: «و به شمعون نام پطرس داد». در بعضی نسخ پیش از این جمله «اول شمعون» ذکر شده. لوقا ۶:۱۴ توضیح d.

s- ر. ک ۱:۱۹ توضیح e.

t- ر. ک لوقا ۹:۵۴.

u- یا «برادر». تحت اللفظی: «یعقوب حلفی»، ر. ک ۱۹:۱ توضیح e: ۱۴:۲.

v- واژه «کنعانی» از ریشه کلمه آرامی و به معنی «غیور» و عنوان «غیوران» است (ر. ک لوقا ۱۵:۶ توضیح f؛ مت ۴:۱۰ توضیح t). غیوران اعضای حزب سیاسی مذهبی بودند که هدفشان استقلال یهود بود و در این راه از اعمال زور و قدرت ابایی نداشتند.

w- ر. ک مت ۴:۱۰ توضیح u. برابر یو ۶:۷۱؛ ۱۳:۲۶ «اسخریوطی» لقب پدر یهودا است.

عیسی و بعزلبول

(متی ۱۲:۲۴-۳۲؛

لوقا ۱۱:۱۵-۲۳؛ ۱۰:۱۲)

^{۲۰} و به منزل خویش می‌آمد^x و باز جمعیت گرد می‌آیند به طوری که حتی نمی‌توانستند نان را بخورند.^{۲۱} بستگان وی با شنیدن این بیرون آمدند تا او را بگیرند. دستگیر کنند زیرا می‌گفتند: «از خود بی خود شده است!»

^{۲۲} و کاتبانی که از اورشلیم فرود آمده بودند می‌گفتند: «او بعزلبول^y دارد.» و «شیاطین را بوسیله رئیس شیاطین می‌رانند.»^{۲۳} آنان را نزد خویش فراخوانده با مثل‌ها^z به آنان می‌گفت: «چگونه شیطان می‌تواند شیطان را براند؟»^{۲۴} اگر مملکتی به ضد خود تجزیه شود این مملکت نمی‌تواند دوام بیاورد،^{۲۵} و اگر خانه‌ای^a به ضد خود تجزیه گردد این خانه نخواهد توانست دوام آورد.^{۲۶} و اگر

شیطان به ضد خود برخاسته و تجزیه گردیده است نمی‌تواند دوام آورد بلکه [کارش] تمام است.^{۲۷} هم‌چنین هیچ کس نمی‌تواند به منزل کسی که توانا^b است وارد شود و اشیای او را تاراج کند، مگر آنکه آن کس را که توانا است اول بسته باشد و آنگاه خواهد توانست خانه اش را تاراج کند.

کفرگوئی علیه روح القدس

(متی ۱۲:۳۱-۳۲؛ لوقا ۱۲:۱۰)

^{۲۸} آمین، به شما می‌گویم که هر پسران انسانها همه چیز از گناهان و کفرگوئی هر قدر کفرگویند^c بخشیده خواهد شد؛^{۲۹} اما هر کس علیه روح القدس کفرگوید^d، هرگز^{۱۶:۵} بر او بخشیده نخواهد شد و مرتکب گناه ابدی است!^{۳۰} زیرا می‌گفتند: «وی روحی ناپاک دارد.»

x- ر.ک ۱:۲ توضیح a. مرقس مباحثه با کاتبان را که از اورشلیم آمده بودند (آیات ۲۲-۳۰) در بین صحنه‌ای که عیسی با خانواده اش برخورد دارد (آیات ۲۰-۲۱ و ۳۱-۳۵) گنجانیده است (همین روش در ۵:۲۱-۴۳؛ ۶:۳۳-۷:۱۱؛ ۱۱:۲۱-۱۴:۱۱). در هر دو مورد از روی بدخواهی به او اتهام‌هایی وارد می‌کنند و چنین می‌نماید که بستگانش و همچنین مقامات مذهبی اورشلیم او را رد می‌کنند.

y- یکی از نامهای رئیس دیوها است (ر.ک ۱۳:۱ توضیح t؛ مت ۱۲:۲۴ توضیح v).
z- نخستین باری که کلمه «مثل» در انجیل مرقس بکار می‌رود. به نظر مرقس برای «کسانی که در خارج هستند» مثل‌ها راز نهفته‌ای در بردارند که همان راز ملکوت خدا است (۴:۱۱ توضیح o؛ ۱۷:۷ توضیح a). گفتگوهای عیسی که در اینجا آورده شده «مثل» هستند نه تنها به سبب اینکه شکل مجازی و استعاره‌ای دارند بلکه برای کسانی که آنها را درک کنند نشان می‌دهند ملکوت خدا هم اکنون فعال است و پایان فرمانروایی شیطان را تسریع می‌نماید.

a- ترجمه دیگر: «خاندانی» و ممکن است به مفهوم یک خانواده، یک طایفه یا یک ساختمان باشد (ر.ک ۲-سمو ۷:۵-۱۶).
b- ر.ک اش ۴۹:۲۴-۲۵:۱۲. در اینجا عیسی به عنوان نیرومندترین فرد نشان داده شده است که بنیان سلطنت شیطان یعنی مرد نیرومند را در هم ریخته و منهدم می‌سازد. ر.ک ۷:۱ توضیح I.

c- کلمه «کفرگفتن» به معنی دقیق به زبان آوردن کلمات توهین‌آمیز بر ضد خدا و «نام» او یا به طور مستقیم (خروج ۲۲:۲۷؛ لاو ۱۱:۲۴-۱۶) یا بر علیه اقتدار او می‌باشد (ر.ک مر ۷:۱۴؛ ۱۴:۶۴؛ یو ۱۰:۳۳-۳۶). به علاوه کفرگفتن ممکن است بر ضد کسی باشد که مأموریت الهی دارد (اع ۱۱:۶) یا بر ضد نهاد مقدسی باشد (حزق ۳۵:۱۲؛ ۱-مک ۷:۳۸). بنابراین در هر مورد که به عیسی فرستاده خدا و حامل اقتدار او ناسزا داده می‌شود انجیل‌ها می‌توانند آن را کفرگفتن به شمار آرند، مر ۱۵:۲۹؛ لوقا ۲۲:۶۴-۶۵؛ ۲۳:۳۹.

d- برابر مطالبی که بلافاصله بعداً آمده است این گناه عبارت از آن است که منکر قدرتی شوند که به وسیله عیسی عمل می‌کند و کارهایی را که به وسیله روح القدس انجام می‌دهد به شیطان نسبت دهند. نپذیرفتن چنین گرایشی به سوی توبه متناقض با بخشایش است. ر.ک مت ۱۲:۳۲ توضیح c.

خویشاوندان راستین عیسی

(متی ۱۲: ۴۶-۵۰؛ لوقا ۸: ۱۹-۲۱)

^{۳۱} و مادرش و برادرانش می آیند^e که بیرون ایستاده برای صدا کردن وی کس فرستادند. ^{۳۲} و جمعیتی در گرداگرد او نشسته می بود و به او گفتند: «اینک مادرت و برادرانت^f و خواهرانت در بیرون که در جستجوی تو هستند.» ^{۳۳} و در پاسخ به آنان گفت: «مادرم کیست؟ و برادران؟» ^{۳۴} و با گرداندن نگاه خود بر کسانی که دایره وار دور او نشسته بودند گفت: «اینک مادرم و برادرانم! ^{۳۵} هر که خواست خدای را بجای آورد او برادرم و خواهرم و مادرم است.»

مثل بزرگ

(متی ۱۳: ۱-۹؛ لوقا ۸: ۴-۸)

^۱ و باز در کنار دریا آغاز به آموزش کرد^g و جمعیت بسیار زیادی نزد او جمع می شود به طوری که در دریا به قایقی

لو ۵: ۱-۹: ۳

سوار شده در آن می نشیند و تمام جمعیت در نزدیکی دریا، برخشی می بود. ^۲ و بسیار چیزها را با مثل^h ها به آنان می آموخت و در آموزش خود می گفت: ^۳ «بشنوید! اینک بذرافشان برای بذرافشانی بیرون شد. ^۴ باری هنگامی که بذر می افشاند، بخشی در کناره راه افتاد و پرندگان آمده آنها را خوردند. ^۵ و دیگری بر سنگلاخ افتاد که در آنجا خاک زیاد نبود و همان دم روئید زیرا خاک عمق نداشت؛ ^۶ و چون خورشید طلوع کرد، سوخته شد و چون ریشه نداشت، خشکید. ^۷ و دیگری در خارها افتاد و خارها برآمده آن را خفه کردند و میوه نداد. ^۸ و [بذرهای] ^۱ دیگری در خاک خوب افتادند و بلند شدند و رشد کرده میوه می دادند^j و یکی سی، دیگری شصت و دیگری صد میوه می دادند^k». ^۹ و او می گفت: «هر که برای شنیدن گوش دارد بشنود!»

e- ر. ک مت ۱۲: ۴۶ توضیح k. مرقس در اینجا روایتی را که در آیه ۲۱ آغاز کرده بود از سر می گیرد (ر. ک آیه ۲۰ توضیح x).

f- در بعضی نسخه ها «اینک مادرت و برادرانت در بیرون...» نوشته شده است.

g- ر. ک ۱۳: ۳ توضیح m.

h- این دسته از مثل ها یعنی آیات ۱-۳۴ به عنوان نمونه طرز آموزش مختص عیسی ارائه شده است و به نظر مرقس به خوبی ملاحظه می شود آموزشی که برای توده مردم است با توضیحاتی که مخصوص شاگردان است (آیات ۱۰-۲۵، ۳۳-۳۴) تفاوت دارد. مرقس جنبه مبهم مثل ها را ذکر کرده و تأکید می کند راز مثل ها به همه شنوندگان ابراز نشده است، آیه ۱۱ توضیح o.

i- کلمه «بذرها» به صورت جمع آمده و نشان می دهد که به باروری هر دانه بذر توجه می شود.

j- در برخی نسخ خطی چنین است: «ثمر می دادند که بزرگ می شد و رشد می کرد.»

k- ر. ک مت ۸: ۱۳ توضیح s. در این مثل علل عدم موفقیت را که از بیرون می آید در برابر باروری فوق العاده خود دانه بذر که در خاک خوب بیفتد قرار داده شده است. ارقامی که ذکر شده و رفته رفته بزرگتر می شود این باروری را به خوبی نشان می دهد.

l- ر. ک تث ۲۹: ۳؛ مز ۱۱۵: ۶. در اینکه دعوت شده توجه و دقت به عمل آید، ضروری می باشد تا ارزش و اهمیت آموزشی که به صورت مثل داده می شود درک گردد (۴: ۲۳؛ ۷: ۱۶؛ مت ۱۱: ۱۵؛ ۱۳: ۹؛ ۴۳: ۸؛ لوقا ۸: ۳۵؛ ر. ک مکا ۷: ۲؛ ۱۱، ۱۷، ۲۹ و غیره). ضمناً این مطالب دستوری را که در آیه ۳ داده شده است تأکید و تقویت می کند زیرا مثل باید شنوندگان را به تفکر وادارد و درک کنند که چگونه این مثل همان وقت در مورد خودشان به تحقق برسد.

شما داده شده است اما برای کسانی که از
خارجند^p همه چیز به مثل ها می آید^q،
^{۱۲} تا با نگرستن، بنگرند و نبینند
و با شنیدن، بشنوند و نفهمند
تا مبدا بگروند و برایشان بخشیده
شود^r».

علت تعلیم دادن با مثل ها
(متی ۱۳: ۱۰-۱۵؛ لوقا ۸: ۹-۱۰)
^{۱۰} و چون تنها شد^m کسانی که با آن
دوازده تنⁿ گرداگرد او بودند در مورد
مثل ها از وی سؤال می کردند. ^{۱۱} او به
ایشان می گفت^o: «راز فرمانروائی خدا به

مت ۱۳: ۳۶
متون مشابه:
لو ۸: ۹

m- با اینکه زمینه و محیط وقایع ظاهراً همان است که در آیه ۳۶ ذکر شده با این همه تغییر ناگهانی صحنه نسبت به آیات ۱-۲ نشان می دهد مطالبی که به طور خصوصی گفته می شود چقدر اهمیت دارد. این سخنان که در اینجا آغاز شده احتمالاً تا آیه ۲۵ ادامه می یابد. مرقس با شروع از این سخنان عیسی، استنباط خود را از درک و انگیزه مثل ها بیان کرده است. با توجه به عدم موفقیت موعظه عیسی به قوم اسرائیل و تجربه کلیساهای اولیه که لازم بوده مفهوم مثل ها به آنان توضیح داده شود.
n- «کسانی که که در پیرامون او بودند» (ر.ک ۳: ۳۴) منحصر به دوازده رسول نبود (ر.ک ۷: ۱۷؛ ۹: ۲۸؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۳: ۳) بلکه در مقابل توده مردمی «که در خارج بودند» (آیه ۱۱ توضیح p) پیش نمودی از جمعیت های آینده مسیحیان به شمار می آمدند.

o- این سخن عیسی که در آیات ۱۱-۱۲ آمده از محتوای مطالب مثل مرد بذر افشان که در آیات ۱۳-۲۰ توضیح داده می شود تجاوز می نماید. به نظر مرقس این سخن در باره مجموعه آموزشهایی است که به وسیله مثل ها داده می شود. در این آموزشها راز و رمزی نهفته که فقط خدا می تواند آن را آشکار سازد و آن راز، مشیت خدا و فراسیدن قطعی فرمانروائی او است (ر.ک دان ۱۸: ۱۹، ۲۲، ۲۷-۳۰؛ خنوخ ۳: ۴۶؛ ۲: ۴۹؛ ۱۳: ۶۱؛ مقررات قمران ۱۸: ۴-۱۹؛ ۱۸: ۹؛ ۱۱: ۵-۶؛ سرودهای قمران ۲: ۱۳؛ ۲۷: ۴-۲۸؛ ۲۵: ۱۶-۲۷؛ افس ۱: ۹؛ ۳: ۹؛ ۶: ۱۹؛ کول ۱: ۲۶-۲۷؛ ۲: ۲؛ ۳: ۴). آن «راز فرمانروائی خدا» که تاکنون بر همه پنهان بوده کلید درک اعمال و سخنان عیسی است و آن را به کسانی که در اطراف او هستند ابراز می نماید، ر.ک ۲۳: ۳ توضیح Z.

p- این اصطلاح در میان قوم یهود (بنسی مقدمه ۵) و همچنین کلیسای اولیه اصطلاحی شناخته شده بود (۱-قرن ۱۲-۱۳؛ کول ۴: ۵؛ ۱-تسا ۴: ۱۲) و از آن چنین برمی آید که باید جمعیتی وجود داشته باشد و بعضی اشخاص نسبت به آن جمعیت بیگانه و خارجی به حساب آیند. به نظر مرقس تجربه کلیسا ادامه تجربیات عیسی است (ر.ک آیه ۱۰ توضیح n) و مسیحیان از الهامی برخوردارند که اشخاص بی ایمان را از آن نصیبی نیست.

q- همه چیز به مثل ها می شود» (در مورد نظم این ترکیب جمله یونانی ر.ک ۵: ۲۵؛ لوقا ۴: ۳۲؛ ۲-قرن ۱۳؛ ۵: ۱-تسا ۷: ۲) در اینجا مثل ها را که با موهبت راز تناقض دارد بایستی به مفهوم «معما» درک کرد (در ترجمه یونانی حرق ۲۱: ۵ نیز به همین گونه است؛ بنسی ۳۹: ۲-۳؛ در ادبیات مکاشفه ای، رازهای آسمانی با مثل هایی پوشیده شده که نیاز به توضیح دارند. ر.ک خنوخ ۶۸: ۱؛ ۴-عز ۳: ۴). مرقس با این سخن روشن می کند به چه سبب موعظه عیسی و سپس وعظ کلیسا در مورد بسیاری از مردمان با عدم موفقیت روبرو گردید. ظاهراً مثل های عیسی تعلیمی ساده است که همه می توانند آنها را درک کنند (آیه ۳۳) اما مرقس تأکید می کند که کسی نمی تواند آنها را عمیقاً درک کند مگر اینکه تشخیص دهد که روح القدس یعنی اقتدار خود خدا جهت استقرار فرمانروائی او در عیسی عمل می کند ولی از این عمل عیسی ذهن بسیاری از مردمان پوشیده مانده است.

r- این جملات که از متن آرامی (ترگوم) اش ۶: ۹-۱۰ نقل شده است عدم موفقیت آن پیامبر را اعلام می نماید که موعظه او گناه مردمان سنگدل را تشدید کرده بود. کلیسای اولیه همین متن را در مورد عدم موفقیت رسالت مسیحیان در نزد قوم یهود بکار می برد، قومی که پیامبران قساوت قلب آنان را اعلام کرده و آن را طبق مشیت الهی درک می کردند (یو ۱۲: ۳۹-۴۱؛ اع ۲۸: ۲۶-۲۸). در اینجا نقل قول با عبارت «برای اینکه» آغاز شده که نشان می دهد عیسی به هیچ وجه اراده نداشته پیام خود را مخفی نگه دارد و مانع از آن شود «کسانی که در خارج هستند» توبه کنند بلکه عدم موفقیت او بر طبق نوشته های مقدس و برابر با مشیت اسرارآمیز خدا است. دلیل نهایی این شکست بیان نشده است (ر.ک روم ۷: ۱۶، ۲۹-۳۲). ضمناً نظریه مشیت الهی به هیچ وجه مسئولیت آدمی را تخفیف نمی دهد (آیه ۲۴). به احتمال قوی عیسی بدین گونه عدم موفقیت خود را درک نمود. مرقس این موضوع را در مورد مثل هایی بکار می برد که شاید درک آنها در روایات مسیحی دشوار باشد و بایستی آن مثل ها را با توجه به راز ملکوت خدا که در آنها نهفته تفسیر نمود، رازی که از خلال اقدامات و فعالیت های عیسی به شاگردان و سپس به جمعیت مسیحیان مکشوف شده است.

خفه می کنند و بی میوه می گردد. ۲۰ و کسانی هستند که بذر را بر خاک خوب دریافت می دارند، اینان سخن را شنیده می پذیرند و میوه می آورند، یکی سی و دیگری شصت و دیگری صد.»

چراغ و پیمانه

(متی ۵:۱۵؛ ۱۰:۲۶؛

لوقا ۸:۱۶-۱۸؛ ۱۱:۳۳؛ ۱۲:۳۸)

۲۱ و به ایشان می گفت: «آیا چراغ می آید^۷ تا زیر ظرف پیمانه یا زیر تخت خواب گذاشته شود؟ مگر نه این است تا بر چراغدان گذاشته شود؟^{۲۲} زیرا هیچ چیز پنهان نیست که نباید پدیدار شود لو ۱۲:۲ و هیچ چیز مخفی نیست مگر آنکه پدیدار گردد^{۲۳}. هر که برای شنیدن گوش دارد مت ۱۵:۱۱؛ مر ۹:۴ بشنود!»^{۲۴} و به ایشان می گفت: «مواظب آنچه می شنوید باشید^x! به همان پیمانه ای که می پیمائید برای شما پیموده خواهد شد و بر شما افزوده خواهد گردید. زیرا آن که دارد به وی داده خواهد شد و آن که ندارد، حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد.»

۱۳ و به ایشان گفت: «آیا این مثل را درک نمی کنید؟ پس چگونه همه مثل ها را خواهید فهمید؟»

توضیح مثل برزگر

(متی ۱۳:۱۸-۲۳؛ لوقا ۸:۱۱-۱۵)

۱۴ «بذر افشان سخن را می افشاند.^{۱۵} هستند کسانی که در طول راهی قرار دارند که در آنجا آن سخن افشانده شده و چون شنیده اند، همان دم شیطان آمده سخن را که در آنان افشانده شده است برمی دارد. ۱۶ و هم چنین کسانی که بذر را بر سنگلاخ ها دریافت می کنند، چون سخن را می شنوند همان دم آن را با شادی می پذیرند،^{۱۷} و آنان در خودشان ریشه ندارند، بلکه مردان دمدمی هستند، سپس مصیبتی یا ستمی به خاطر سخن فرامی رسد، همان دم می لغزند. ۱۸ و کسانی دیگر هستند که بذر را در میان خارها دریافت می دارند، اینان کسانی هستند که سخن را شنیده اند^{۱۹} و گرفتاریهای این جهان، فریب ثروت و دیگر هوی و هوسها در آنها راه یافته، سخن را

مت ۲۲:۱۳؛ ۲۳:۱۹
متون موازی:
لو ۱۵:۱۲، ۲۱

S- در اینجا موضوع عدم بصیرت شاگردان عیسی برای نخستین بار ذکر شده و مرقس اکثراً این نکته را یادآوری کرده است (۵۲:۶؛ ۷:۱۸؛ ۸:۱۷-۱۸، ۲۱، ۳۳؛ ۹:۱۰، ۳۲؛ ۱۰:۳۸؛ ر. ک. ۸:۳۲ توضیح n).

t- توضیحاتی که درباره مثل مرد بذر افشان (آیات ۱۴-۲۰) ذکر شده نشان می دهد که این مثل چگونه در کلیساهای اولیه مورد استفاده بوده است (مثلاً «سخن» برابر با انجیل: اشاره به شکنجه ها، تشویق به مخالفت با اندیشه امور دنیوی). در مثل مرد بذر افشان به باروری دانه بذر توجه شده بود در صورتی که در اینجا استعداد و قابلیت شنوندگان مورد توجه است. در این مثل که به صورت تمثیل می باشد هر یک از جزئیات معنایی پوشیده دارند و این توضیح آنها را آشکار می کند.

u- بنابر نوشته مرقس سخنانی که در پی این جمله آمده خطاب به شاگردان است («به ایشان می گفت» آیات ۲۱-۲۴) و انگیزه مثل های عیسی را روشن می کند. تصویر چراغ و پیمانه دارای مختصات مثل های آیات ۳-۹، ۲۶-۲۹ و ۳۰-۳۲ نیست. بعد از آیات ۱۱-۱۲ بکارگیری مجدد تصویر چراغ تأکید می کند که جنبه مخفی حقیقتی که در تعلیم عیسی مکشوف می شود و روزی باید به همه آشکار گردد. تصویر پیمانه اهمیت استعداد شنوندگان را تأیید می نماید.

v- بکاربردن فعل «آمدن» ممکن است عجیب به نظر برسد و می تواند یادآوری آمدن مسیح باشد (۷:۱؛ ۱۷:۲؛ ۴۵:۱۰).
w- رازی که در مثل ها نهفته بایستی آشکار گردد حتی در صورتی که بدو فقط بر شاگردان مکشوف شده باشد. از سخنانی که در این شرایط و در اینجا ذکر شده چنین استنباط می شود که به نظر مرقس سر مسیح بودن عیسی بایستی آشکار شود (ر. ک. ۱:۳۴ توضیح p).

x- به عقیده مرقس موضوع تعلیمات عیسی و سرّی که در آنها نهفته مستلزم دقت و استعداد شنوندگان است، ر. ک. لو ۸:۱۸.

بذر خود رو

^{۲۶} و می گفت^۷: «ملکوت خدا مانند مردی است که بذر بر خاک افشاند. ^{۷:۵} چه بخوابد چه قائم باشد، شب و روز، بذر نمو می کند و می روید و او چگونگی آن را نمی داند. ^{۲۸} خاک خود میوه می آورد، نخست گیاه، بعد خوشه و بالاخره خوشه پر از گندم. ^{۲۹} و چون میوه آماده می شود، همان دم داس بر آن می نهد^۲، زیرا [موسم] درو است.»

دانه خردل

(متی ۱۳: ۳۱-۳۲؛ لوقا ۱۸: ۱۹-۲۰) و می گفت: «ملکوت خدا را چگونه می توانیم تشبیه کنیم، یا در چه مثلی می توانیم قرار دهیم؟ ^{۳۱} به مانند دانه خردلی^{۱۷: ۲۰} است: وقتی بر خاک افشاند، کوچکترین بذری است که بر خاک است؛ ^{۳۲} و چون افشاند، بالا آمده از همه بوته ها بزرگتر می گردد و شاخه های بزرگ

تعلیم به مثل ها

(متی ۱۳: ۳۴-۳۵)

^{۳۳} و با مثل های بسیاری از این قبیل به آنان سخن می گفت، مطابق آنچه می توانستند بشنوند: ^{۳۴} بدون مثل به آنان [هیچ] نمی گفت اما جداگانه به شاگردان خود همه چیز را توضیح می داد^۳.

آرام شدن طوفان

(متی ۸: ۱۸، ۲۳-۲۷؛ لوقا ۸: ۲۲-۲۵)

^{۳۵} و آن روز هنگامی که غروب فرارسید^d به ایشان گفت: «به سوی دیگر برویم.» ^{۳۶} و جمعیت را ترک کرده او را همان گونه که بود در قایق با خود برداشتند^e و قایق های دیگری نیز با وی بود^f. ^{۳۷} تندبادی شدید^g برخاست و امواج به درون قایق می ریخت به

y- در دو مثل که از این پس می آید به مانند مثل قبلی از تصویر بذر استفاده شده است (آیات ۳-۹) و بنا به نوشته مرقس این دو مثل نیز در مورد راز فرمانروائی خدا گفته شده است، رازی نهفته که در دوران فعالیت عیسی فقط به شاگردان مکشوف گردیده است. ضمناً بذری که به خودی خود می روید مثلی مختص به انجیل مرقس بوده و اشاره به نیروی پنهانی این راز است که تا استقرار قطعی فرمانروائی خدا ادامه دارد و در مثل به صورت برداشت محصول ارائه گردیده است. همچنین باید توجه داشت که در این مثل مرد بذر افشان همان کسی است که محصول را درو می کند (ر.ک یو ۴: ۳۵).

z- تصویری از داوری است. ر.ک یول ۴: ۱۳؛ مکا ۱۴: ۱۵.

a- مقایسه دانه بذر کوچکی که در خاک نهفته با عظمت و گسترش گیاهی که به پایان رشد خود رسیده نیروی مقاومت ناپذیر فرمانروائی خدا را به یاد می آورد که اقتدار او به وسیله اعمال و آموزشهای عیسی مخفیانه عمل می نماید.

b- ر.ک حزق ۱۷: ۲۳؛ ۶: ۳۱؛ دان ۴: ۹، ۱۸؛ فرمانروائی خدا به تمام ملتها گسترش خواهد یافت.

c- در حالی که از آیه ۳۳ برمی آید که مثل ها به منظور تعلیم به عامه مردم است (ر.ک آیه ۲) ولی در آیه ۳۴ دیدگاه مرقس را درباره مثل ها می توان تشخیص داد، ر.ک آیات ۱۰-۱۲. بدین معنی که با پیوستن به عیسی می توان به فراتر از آنچه در دسترس عامه مردم است رسید.

d- چندین مثل (آیات ۱-۳۴) و چهار معجزه ای که در پی آنها می آید (۴: ۳۵-۵: ۴۳) و همه در یک روز انجام شده آشکار می سازد که اقتدار فرمانروائی خدا در تعلیمات و همچنین در اعمال عیسی ظهور می یابد (ر.ک ۱: ۲۷). از سوی دیگر بابهای ۴ و ۵ نشان می دهد که چگونه عیسی شاگردانش را به همراه خود برده (۳: ۱۴) تا به آنان آموزش مخصوص دهد و به دور از حضور مردم اقتدار خود را بر آنان آشکار سازد.

e- ر.ک ۴: ۱.

f- ترجمه دیگر: «و قایقهای دیگری با این [قایق] بود.»

g- وقتی بادهایی که از دریای مدیترانه می وزد با بادهایی که از صحرای سوریه می آید برخورد می کند در دریاچه طبریه طوفانها و گردبادهای ناگهانی ایجاد می شود.

خارج می شد همان دم مردی با روح ناپاک از قبرها^m بیرون شده در برابر وی آمد. ^۳مسکن او قبرها می بود و هیچ کس دیگر نمی توانست حتی با زنجیر او را ببندد. ^۴درواقع، اغلب او را با غل و زنجیر بسته بودند و او زنجیرها را پاره کرده و غلها را شکسته بود و هیچ کس قادر به رام کردن او نمی شد. ^۵و همواره روز و شب در قبرها و در کوهستانها فریاد می کشید و خود را با سنگها مجروح می کرد. ^۶و با دیدن عیسی از دور، پیش دویده در برابر وی به خاک افتاد ^۷و با صدائی بلند فریاد کشیده گفت: «از من چه می خواهیⁿ ای عیسی، پسر خدای تعالی^o؟» تو را به خدا سوگند می دهم مرا عذاب مده! ^۸زیرا او به وی می گفت: «ای روح ناپاک از این مرد خارج شو.» ^۹و از او می پرسید: «نام تو چیست؟» و او به

طوری که قایق داشت پر می شد. ^{۳۸}و او در عقب [قایق] بر بالش^h خوابیده بود. و او را قائم ساخته می گویند: «ای استاد تو را باکی نیست که ما هلاک شویم؟» ^{۳۹}و قیام کرده باد را نهیب زد و به دریا گفت: «خاموش! ساکت باشⁱ!» و باد فرو نشست و آرامشی بزرگ پدید آمد. ^{۴۰}و به ایشان گفت: «چرا این قدر هراسان هستید؟ چگونه ایمان ندارید؟» ^{۴۱}و ایشان را ترسی بزرگ فرا گرفت و در میان خود می گفتند: «پس این کیست که حتی باد و دریا از او اطاعت می کنند؟^k»

شفای مرد دیوانه در جدریان (متی ۸: ۲۸-۳۴؛ لوقا ۸: ۲۶-۳۹)

^۱و به سوی دیگر دریا، به سرزمین جدریان^۱ آمدند. ^۲و چون از قایق

۵

^h- نشیمنگاه عقب قایق معمولاً مخصوص ملوان مراقب حرکت قایق بود و تشکیجه ای بر روی آن قرار داشت، از کلمه ای که در متن یونانی بکار رفته چنین بر می آید که عیسی تشکیجه را زیر سر گذاشته بود.

ⁱ- چنین برمی آید که آشفته گی و تلاطم دریا حمله ای شیطانی است و عیسی با سخن خود آن را ناتوان می سازد چنان که در ۲۵: ۱ نیز روح شریری را نهیب زده او را وادار به سکوت می نماید. کلیسا نیز وقتی مأموریت خود در میان امتها را شروع می کند با طوفان شدید جفاها روبرو می شود و بر آن پیروز خواهد گردید.

^j- ترجمه دیگر: «چگونه هنوز ایمان ندارید!» در اینجا منظور مرقس ایمان به عیسی و ایمان به قدرت الهی است که به وسیله او عمل می کند. طبق انجیل مرقس، شاگردان تا روز رستاخیز مسیح اصلاً ایمان نداشتند (۴: ۴؛ ۶: ۶؛ ۹: ۱۹؛ ۱۶: ۱۱، ۱۴، ۱۶) ولی در انجیل متی، شاگردان «کم ایمان» بودند (ر. ک مت ۸: ۲۶ توضیح ^h: لو ۸: ۲۵ توضیح ^z).

^k- ر. ک ۱: ۲۷، ارواح ناپاک از او اطاعت می کنند. تسلط بر دریای خروشان و خشمگین که نمونه نیروهای مخالف خدا است مختص قدرت الهی است، ر. ک مر ۸: ۹؛ ۱۰: ۹۳؛ ۳: ۴؛ ۱۰: ۷؛ ۲۳: ۳۲.

^l- در نسخه های دیگر «جرجسیان» آمده است (برای تطبیق با مت ۸: ۲۸) یا جرجزنیان (بنا به تصور اورجین). اصولاً سرزمین جراز به فاصله زیادی از دریاچه قرار دارد و بنابراین با شهری که در آیه ۱۴ ذکر شده تطبیق نمی کند. شاید در نظر مرقس تمام نواحی شرقی دریاچه، سرزمین جدریان بوده است. در این روایت نشان داده شده که وقتی عیسی وارد سرزمین بت پرستان می شود فوراً با دیوها روبرو می شود و عیسی (و هم چنین کلیسای در آینده، ر. ک مر ۱۶: ۱۷-۱۸) در آنجا نیز بر دیوها تسلط و اقتدار دارد (آیه ۲ توضیح ^m: آیه ۱۱ توضیح ^f: آیه ۲۰ توضیح ^y).

^m- این قبرها در داخل صخره ها حفر شده یا غارهای طبیعی بودند و ممکن بود به عنوان پناهگاه از آنها استفاده شود. در اینجا همچون مکانی ناپاک به شمار می آیند (ر. ک اش ۴: ۶۵).

ⁿ- ر. ک ۱: ۲۴ توضیح ⁱ.

^o- ر. ک ۱: ۲۴ توضیح ^j: ۱: ۳۴ توضیح ^p: ۳: ۱۱. رفتار مردی که روحی ناپاک داشت و در برابر عیسی به خاک افتاد اقتدار غیرقابل مقاومت پسر خدا را نشان می دهد. در اینجا عیسی دستور حفظ سکوت نداده زیرا کسی غیر از دوازده رسول در آنجا حاضر نبوده است.

وی گفت: «نام من لژیون^p است زیرا ما بسیاریم.»^{۱۰} و او با اصرار از وی درخواست می کرد آنها را به خارج از آن سرزمین نفرستد.^۹ ^{۱۱} باری، در آنجا، بر بالای کوه، گله بزرگی از خوکان^r در حال چریدن می بود. ^{۱۲} و [ارواح ناپاک]^s از وی درخواست کرده گفتند: «ما را به درون خوکان بفرست که بدن آنها داخل شویم.»^{۱۳} و او به وی آن را اجازه داد و ارواح ناپاک خارج شده به درون خوکان رفتند و گله حدود دو هزار از بالای پرتگاه به دریا پریدند و در دریا خفه شدند.^t ^{۱۴} و کسانی که آنها را نگهبانی می کردند، فرار کرده در شهر و در دهکده ها اعلام کردند و مردم می آمدند تا آنچه را انجام شده بود ببینند. ^{۱۵} و آنان نزد عیسی می آیند و دیوانه را می بینند، نشسته، لباس پوشیده و معقول، همان کسی که لژیون^u داشت و آنان ترسیدند. ^{۱۶} و کسانی که دیده بودند، چه

بر دیوانه فرا رسیده و هم چنین داستان خوکان را برایشان بازگو کردند. ^{۱۷} و شروع به درخواست از [عیسی] کردند که از سرزمین آنان برود. ^{۱۸} و در حالی که سوار بر قایق می شد آن کس که دیوانه بود درخواست می کرد که با او بماند.^v ^{۱۹} و به او اجازه نداد، اما به او گفت: «به خانه ات برو، به نزد کسانت و آنچه را خداوند برای تو کرده است به آنان خبر بده که چگونه بر تو رحم آورده است!»^w ^{۲۰} و او رفت و در دیکاپولیس^y از هر آنچه عیسی برایش انجام داده بود آغاز به ندا دادن کرد^x و همه متعجب می بودند.

شفای زن مبتلا به خونریزی و قیام دختر یائیروس
(متی ۹: ۱۸-۲۶؛ لوقا ۸: ۴۰-۵۶)
^{۲۱} و بعد از آنکه عیسی باز به سوی کرانه از او می پرسید: «نام تو چیست؟» و او به

p- بر طبق عقیده کسانی که در آن دوران ارواح پلید را دور می کردند هرگاه کسی «نام» دیوی را می دانست بر او قدرت و تسلط می یافت. در اینجا عیسی دشمن را مجبور کرده نامش را بگوید. از کلمه لژیون برمی آید که فوجی از دیوها در او مستقر شده اند (لژیون رومی شامل شش هزار تن بوده و ضمناً تعداد زیاد دیوها نشان می دهد وضعیت این مرد که گرفتار ارواح ناپاک است وخیم می باشد، ر. ک مت ۱۲: ۴۵؛ لوقا ۲: ۸؛ توضیح p: ۲۷: ۸). این روایت از موضوع مرد بیمار فراتر رفته پیروزی عیسی را بر سلطنت شیطان نشان می دهد، ر. ک ۲۳: ۲-۲۷.

q- این نکته نمایانگر ریشه عامیانه این روایت است، بدین معنی که تصور می کردند دیوی که به بیرون رانده می شود سعی می کند پناهگاه دیگری پیدا کند. ر. ک مت ۱۲: ۴۳؛ لوقا ۱۱: ۲۱. ضمناً توجه کنید در مورد کلمه لژیون گاهی فعل مفرد و گاهی جمع بکار برده شده است.

r- وجود خوکان یعنی حیواناتی که در نظر یهودیان نجس هستند در اینجا بیانگر نجاست سرزمین مشرکان است.

s- کلمه «ارواح ناپاک» که فاعل جمله است در متن اصلی وجود ندارد و از آیه ۱۳ به اینجا آورده شده است.

t- غرق شدن خوکان در اینجا به مفهوم پایان قدرت شیطانی بر منطقه و رهایی آن از ناپاکی و نجاست است.

u- بنا به کشفیات باستان شناسی، لژیون رومی که در سرزمین فلسطین مستقر بود، مشهور به لژیون گراز بود و نشان آن بر کتیبه ای در اورشلیم پیدا شده است.

v- به طوری که در ۱۴: ۳ ذکر شده ماندن با عیسی از امتیازات دوازده تن بود.

w- در اینجا و در آیات ۷-۸ دستور حفظ سکوت داده نشده و مغایرت این نکته با حفظ راز پنهانی مسیح فقط ظاهری است. در اینجا عیسی سرزمین مزبور را ترک می کند و دستوری که داده درباره خودش نبوده بلکه مربوط به عمل خدا است.

x- فعل ندا دادن در انجیل مرقس معمولاً در مورد موعظه انجیل بکار می رود. ر. ک ۳۸: ۱ توضیح q و مرقس این عمل را مقدمه ای بر انتشار انجیل در میان غیر یهودیان می داند.

y- دیکاپولیس (شهرهای دهگانه) مجموعه شهرهایی است که در شرق رودخانه اردن قرار داشت و از زمان پمپی سردار رومی از نوعی خودمختاری سیاسی برخوردار بوده است. ضمناً اکثریت ساکنان این شهرها غیر یهودی بوده اند.

وی گفت: «نام من لژیون^p است زیرا ما بسیاریم.»^{۱۰} و او با اصرار از وی درخواست می کرد آنها را به خارج از آن سرزمین نفرستد.^۹ ^{۱۱} باری، در آنجا، بر بالای کوه، گله بزرگی از خوکان^r در حال چریدن می بود. ^{۱۲} و [ارواح ناپاک]^s از وی درخواست کرده گفتند: «ما را به درون خوکان بفرست که بدانها داخل شویم.»^{۱۳} و او به وی آن را اجازه داد و ارواح ناپاک خارج شده به درون خوکان رفتند و گله حدود دو هزار از بالای پرتگاه به دریا پریدند و در دریا خفه شدند.^t ^{۱۴} و کسانی که آنها را نگهبانی می کردند، فرار کرده در شهر و در دهکده ها اعلام کردند و مردم می آمدند تا آنچه را انجام شده بود ببینند. ^{۱۵} و آنان نزد عیسی می آیند و دیوانه را می بینند، نشسته، لباس پوشیده و معقول، همان کسی که لژیون^u داشت و آنان ترسیدند. ^{۱۶} و کسانی که دیده بودند، چه

بر دیوانه فرا رسیده و هم چنین داستان خوکان را برایشان بازگو کردند.^v ^{۱۷} و شروع به درخواست از [عیسی] کردند که از سرزمین آنان برود. ^{۱۸} و در حالی که سوار بر قایق می شد آن کس که دیوانه بود درخواست می کرد که با او بماند.^w ^{۱۹} و به او اجازه نداد، اما به او گفت: «به خانه ات برو، به نزد کسانت و آنچه را خداوند برای تو کرده است به آنان خبر بده که چگونه بر تو رحم آورده است!»^x ^{۲۰} و او رفت و در دیکاپولیس^y از هر آنچه عیسی برایش انجام داده بود آغاز به ندا دادن کرد^z و همه متعجب می بودند.

شفای زن مبتلا به خونریزی و

قیام دختر یائیروس

(متی ۹: ۱۸-۲۶؛ لوقا ۸: ۴۰-۵۶)

^{۲۱} و بعد از آنکه عیسی باز به سوی کرانه دیگر عبور کرده بود، جمعیت کثیری به

p- بر طبق عقیده کسانی که در آن دوران ارواح پلید را دور می کردند هرگاه کسی «نام» دیوی را می دانست بر او قدرت و تسلط می یافت. در اینجا عیسی دشمن را مجبور کرده نامش را بگوید. از کلمه لژیون برمی آید که فوجی از دیوها در او مستقر شده اند (لژیون رومی شامل شش هزار تن بوده و ضمناً تعداد زیاد دیوها نشان می دهد وضعیت این مرد که گرفتار ارواح ناپاک است وخیم می باشد، ر. ک مت ۱۲: ۴۵؛ لوقا ۲: ۸؛ توضیح p: ۲۷: ۸). این روایت از موضوع مرد بیمار فراتر رفته پیروزی عیسی را بر سلطنت شیطان نشان می دهد، ر. ک ۲۳: ۲-۲۷.

q- این نکته نمایانگر ریشه عامیانه این روایت است، بدین معنی که تصور می کردند دیوی که به بیرون رانده می شود سعی می کند پناهگاه دیگری پیدا کند. ر. ک مت ۱۲: ۴۳. ضمناً توجه کنید در مورد کلمه لژیون گاهی فعل مفرد و گاهی جمع بکار برده شده است.

r- وجود خوکان یعنی حیواناتی که در نظر یهودیان نجس هستند در اینجا بیانگر نجاست سرزمین مشرکان است.

s- کلمه «ارواح ناپاک» که فاعل جمله است در متن اصلی وجود ندارد و از آیه ۱۳ به اینجا آورده شده است.

t- غرق شدن خوکان در اینجا به مفهوم پایان قدرت شیطانی بر منطقه و رهایی آن از ناپاکی و نجاست است.

u- بنا به کشفیات باستان شناسی، لژیون رومی که در سرزمین فلسطین مستقر بود، مشهور به لژیون گراز بود و نشان آن بر کتیبه ای در اورشلیم پیدا شده است.

v- به طوری که در ۱۴: ۳ ذکر شده ماندن با عیسی از امتیازات دوازده تن بود.

w- در اینجا و در آیات ۷-۸ دستور حفظ سکوت داده نشده و مغایرت این نکته با حفظ راز پنهانی مسیح فقط ظاهری است. در اینجا عیسی سرزمین مزبور را ترک می کند و دستوری که داده درباره خودش نبوده بلکه مربوط به عمل خدا است.

x- فعل ندا دادن در انجیل مرقس معمولاً در مورد موعظه انجیل بکار می رود. ر. ک ۳۸: ۱ توضیح q و مرقس این عمل را مقدمه ای بر انتشار انجیل در میان غیر یهودیان می داند.

y- دیکاپولیس (شهرهای دهگانه) مجموعه شهرهایی است که در شرق رودخانه اردن قرار داشت و از زمان پمپی سردار رومی از نوعی خودمختاری سیاسی برخوردار بوده است. ضمناً اکثریت ساکنان این شهرها غیر یهودی بوده اند.

عیسی چون در خود دانست که نیرویی از لو: ۹:۶ وی خارج شده در میان جمعیت برگشته می گفت: «چه کسی جامه های مرا لمس کرده است؟»^{۳۱} و شاگردانش به وی می گفتند: «جمعیت را می نگری که از هر سو به تو فشار می آورد و تو می گوئی: چه کسی مرا لمس کرده است؟»^{۳۲} و به اطراف خود می نگریست تا ببیند چه کسی این کار را کرده است. آن زن ترسان و لرزان که می دانست چه شده است آمده در برابر او افتاد و همه حقیقت را به او گفت. ^{۳۴}وی به او گفت: «دخترم^d، ایمانت تو را نجات داده است! به آرامش برو و از این بلا درمان شو.»^{۳۵} هنوز داشت سخن می گفت که از خانه رئیس کنیسه افرادی آمده می گویند: «دخترت مرده است، چرا باز استاد را زحمت می دهی؟»^{۳۶} عیسی سخنی^f را که گفته شد شنید و به رئیس کنیسه گفت: «نترس، فقط ایمان بیاور.»^{۳۷} و نگذاشت هیچ کس جز پطرس و یعقوب و یوحنا برادر یعقوب وی را همراهی

نزدش گرد آمد و او در کنار دریا می بود. ^{۲۲}و یکی از رؤسای کنیسه^z به نام یائیروس می آید و چون او را دید به پاهای وی می افتد^{۲۳} و مصرانه از او درخواست می کند و می گوید: «دخترکم نزدیک به مرگ است، بیا دستهایت را بر او بگذار تا نجات یابد و زندگی کند.»^{۲۴} و وی با او برفت و جمعیتی کثیر به دنبال او می بودند و از هر سو به وی فشار می آوردند.^{۲۵} و در آن میان^a زنی به مدت دوازده سال مبتلا به خونریزی بود،^{۲۶} که از دست پزشکان متعدد مرارت بسیاری کشیده بود و تمام هستی خود را بدون هیچ فایده ای خرج کرده برعکس حالش بدتر شده بود.^{۲۷} با اطلاع یافتن از آنچه درباره عیسی می گفتند از پشت وارد جمعیت شد و ردای او را لمس کرد.^{۲۸} زیرا می گفت: «اگر فقط جامه هایش را لمس کنم، نجات خواهم یافت^b!»^{۲۹} و همان دم، جریان خونس بند آمد^c و در بدنش احساس کرد که از بیماری شفا یافته است.^{۳۰} و همان دم

مت ۱۸:۹؛
لو ۴:۴۰؛
اع ۹:۱۲-۱۷؛
۸:۲۸

z- عنوان رئیس کنیسه به کسی اطلاق می شده که مسئول برگزاری مراسم مذهبی در کنیسه بوده است ولی این عنوان در مورد اعضای عالی رتبه جماعت یهودیان نیز بکار می رفته است.

a- در مورد روش گنجاندن یک روایت در داخل روایت دیگر به آیه ۳:۲۰ توضیح x مراجعه شود. در این دو روایت که مربوط به معجزه ها هستند مرقس درباره ایمان (آیات ۳۴-۳۶) و درباره نجات (آیات ۲۳-۲۸) که به وسیله تماس جسمانی با عیسی به دست آمده (آیات ۲۳، ۲۷-۳۰، ۴۱) تأکید نموده است. از سوی دیگر این دو معجزه محرمانه هستند زیرا موضوع معجزه اولی طبیعتاً محرمانه است و دومی به درخواست عیسی محرمانه می ماند.

b- این اندیشه متضمن قبول نظریه ای است که بر اثر تماس نیروئی عمل می نماید، ر. ک ۳:۱۰؛ ۵:۶؛ ۱۹:۶؛ ۱۵:۱۹؛ ۱۱:۱۲. بقیه روایت در مورد زن ناشناسی است که لباس عیسی را لمس کرده و اهمیت این تماس یادآوری گردیده که البته با تماس جمعیتی که بر عیسی فشار می آوردند تفاوت بسیار دارد (آیات ۳۰-۳۲) زیرا تماس آن زن از ایمان ناشی می شد (آیه ۳۴) و در وجود عیسی قدرت نجات بخش خدا را تشخیص می داد، ر. ک مت ۱۱:۱۵ توضیح o.

c- تحت اللفظی: «سرچشمه خونس خشک شد.»

d- ر. ک مت ۲۲:۹ توضیح f.

e- بدین سان تصور می کردند نیروی عیسی در مرزهای مرگ متوقف می گردد. (ر. ک یو ۱۱:۲۱، ۳۲) و به همین خاطر دعوت می کند ایمان بیاورند (آیه ۳۶؛ ر. ک یو ۱۱:۲۶). مرقس این نظریه را اظهار می نماید تا بفهماند قدرت عیسی نیروی رستاخیز است. ر. ک آیه ۴۱ توضیح j.

f- ترجمه دیگر: «این سخن شگفت انگیز.»

۳۳ و مصرّانه به آنان سفارش کرد نگذارند هیچ کس این را بداند^k و گفت به او خوراکی دهند.

عیسی در ناصره

(متی ۱۳: ۵۴-۵۸؛ لوقا ۴: ۱۶، ۲۲، ۲۴)

۱ و از آنجا بیرون شد و به موطن خود آمده شاگردانش به دنبالش او می آیند.^۱ و چون سبت فرا رسید به آموزش در کنیسه پرداخت و اکثر با شنیدن او^m، شگفت زده می شدند و می گفتند: «اینها از کجا به او می رسد؟ و کدام حکمت است که به او داده شده است؟...» یو ۷: ۱۵ و چنین معجزات بزرگی که از دست های او بر می آیدⁿ؟^۳ مگر او آن نجار، پسر مریم^o

کند^g. ۳۸ و ایشان به خانه رئیس کنیسه می آیند و هیاهو و مردمی را که می گریند و فریاد می زنند مشاهده می کند. ۳۹ و وارد شده به آنان گفت: «این هیاهو و گریه ها برای چیست؟ کودک نمرده بلکه در خواب است^h.» ۴۰ و او را مسخره می کردند اما او همه را بیرون کرده، پدر کودک، مادر و کسانی را که با وی می بودند با خود برداشته به جائی که کودک در آنجا می بود داخل می شود. ۴۱ و کودک را با دست گرفته به او گفت: «طلبیتا قوم!» که ترجمه آن این است: «دخترک به تو می گویم قیام کن^۱.» ۴۲ و همان دم دخترک برخاست و راه می رفت زیرا دوازده سال داشت. و همان دم ایشان را شگفتی بزرگی فرا گرفت.

g- دنباله وقایع محرمانه انجام می شود (آیات ۴۰-۴۳). در این جریان که پیش از موعد قدرت عیسی بر مرگ متجلی می شود شخصیت سه نفر شاهد واقعه (۲: ۹؛ ۱۴: ۳۳؛ ر. ک ۱۳: ۳) اهمیت مکاشفه ای بعدی را تأیید می نماید.

h- در زبان کتاب مقدس اکثراً مرگ به همراه تصویر «خواب» ذکر شده است (مت ۲۷: ۵۲؛ ۱- قرن ۱۱: ۳۰؛ ۱۵: ۶؛ ۱- تس ۴: ۱۳-۱۵).

i- این عبارت که به زبان آرامی نقل شده نشان می دهد که اصل روایت مربوط به محافلی است که به این زبان سخن می گفتند و در اینکه برای خوانندگان یونانی به همین صورت حفظ شده توجه آنان را به جنبه قاطع سخن عیسی جلب می نماید، ر. ک ۷: ۳۴.

j- ترجمه دیگر: «قیام کن». البته کلمه «بیدار شو!» با آنچه قبلاً در آیه ۳۹ گفته شده «خوابیده است» تطبیق می نماید. در زبان آرامی «قوم» به معنی «برخیز» است در صورتی که کلمات یونانی که برای بیان رستاخیز مردگان بکار می رود تصویری از بیدار شدن و قد برافراشتن به یاد می آورد. (egerein: بیدار کردن یا بلند کردن؛ anistanai: برخیزاندن). به این خاطر است که فعل یونانی egerein در ترجمه فعلی چون معادل فعل آرامی «قوم» آمده به «قیام کردن» ترجمه شده و نه «بیدار شدن».

k- نگهداری راز در چنین مواردی دشوار است (ر. ک آیه ۳۸) و این راز به خوبی نشان می دهد که آن را واقعاً نمی توانستند درک کنند مگر پس از رستاخیز عیسی از میان مردگان.

l- در این روایت عیسی با بی ایمانی هموطنان خود روبرو می شود و چنین بنظر می رسد که این قسمت در ورای بابهای ۴ و ۵ که در آن عیسی بخشی از راز پنهان خود را به شاگردانش آشکار می نماید با ۳: ۲۰-۳۵ ارتباط دارد.

m- ترجمه دیگر: «شنوندگان زیادی...»

n- ترجمه دیگر: «و چنان معجزه های بزرگی که به دستهای او انجام می شود». کلمه معجزه که از عربی وارد زبان فارسی شده ترجمه نه چندان دقیق کلمه یونانی dynamis به معنی قدرتهاست که عیسی در کلام خود بکار برده (مت ۷: ۲۲؛ ۱۱: ۲۱، ۲۳؛ مر ۹: ۳۹) یا در موارد بیشتر در سخن ناظران (مر ۶: ۲، ۱۴) یا توسط نویسندگان اناجیل بکار رفته است (مت ۱۱: ۲۰؛ ۱۳: ۵۸؛ مر ۶: ۵؛ یو ۱۹: ۳۷). در مورد کلمات نشانه و کرامات ر. ک یو ۱۱: توضیح Z.

o- در بسیاری از نسخه ها، این قسمت به مانند متی ۱۳: ۵۵ چنین است: «پسر آن نجار و مریم» کلمه ای که در یونانی آمده و «نجار» ترجمه شده ممکن است در مورد کارگری بکار برده شود که بر روی چوب، سنگ یا فلز کار می کند بنابراین می توان تصور کرد کسی است که خانه بنا می کند. ضمناً در اینجا صحبتی از پدر نشده و با توجه به آداب و رسوم یهودیان این نکته عجیب می نماید ولی باید توجه نمود در اینجا و نیز در ۳۱-۳۵، ۱۰: ۲۹-۳۰ مرقس کلمه پدر را حذف نموده زیرا استدلال وی این است که خدا پدر عیسی است (۸: ۳۸، ۱۳: ۳۲، ۱۴: ۳۶). خدا پدر شاگردان عیسی نیز می باشد (۱۱: ۲۳ و به احتمال قوی به این دلیل در ۱۰: ۲۹-۳۰ اشاره ای به پدر نشده است).

و برادر^P یعقوب و یوشا و یهوذا و شمعون نیست؟ و مگر خواهران^Q وی اینجا در بین ما نیستند؟» و آنان در باره وی دچار لغزش می شدند.^T و عیسی به آنان می گفت که به پیامبر بی احترامی نمی شود مگر در موطن خود و در میان خویشان خود و در خانه خود.^S و در آنجا نمی توانست هیچ معجزه ای انجام دهد^U غیر از اینکه با دست نهادن بر چند علیل آنان را شفا داد.^۶ و از بی ایمانی آنان در شگفت بود.

لو ۲۴:۴
یو ۴:۴

رسالت دوازده تن

(متی ۹:۳۵؛ ۱۰:۱-۵؛ ۱۴-۱۵؛ لوقا ۹:۱-۶)

و روستاهای اطراف را طی کرده آموزش می داد. و آن دوازده تن^U را به سوی خویش فرامی خواند و شروع به فرستادن

آنان دو به دو نمود و به ایشان قدرت بر ارواح ناپاک می داد.^۸ و به ایشان سفارش کرد برای راه هیچ برندارند مگر یک عصا^V، نه نان، نه خورجین و نه پول خرد در کمربند،^۹ بلکه چارق به پا کنند و «دو ردا بپوشند». ^{۱۰} و به آنان می گفت: «هر جا به خانه ای^W وارد شوید تا زمانی که از آنجا حرکت کنید، همان جا بمانید. ^{۱۱} اگر در جائی شما را پذیرا نشوند و به شما گوش ندهند، از آنجا بیرون شده خاکی را که زیر پاهایتان است^X به شهادتی علیه ایشان بتکانید^Y». ^{۱۲} و ایشان بیرون شده ندا دادند که توبه کنند.^Z ^{۱۳} و بسیاری از مت ۳:۲ شیاطین را می راندند و بسیاری از دردمندان را با روغن تدهین کرده^A آنان را شفا می دادند.

p- ر. ک مت ۴۶:۱۲.

q- اینجا تنها موردی است که از خواهران عیسی یاد شده است. البته به استثنای آیه ۳:۳۲ که در بعضی از مدارک مربوط به این متن ذکر گردیده است.

r- ر. ک مت ۵:۲۹؛ توضیح: ۳۱:۲۶ توضیح، زیرا خیال می کردند او را می شناسند در صورتی که بی ایمان می ماندند (آیه ۶) عیسی برای آنان سنگی در جلو راه بود که به آن برخورد می کردند.

s- ر. ک مت ۵۷:۱۳.

t- عدم امکان معجزه در این مورد مربوط به نبودن ایمان می باشد، آیه ۶. این ایمان ارتباطی روان شناختی نیست که گویا شفای فرد بیمار مشروط به اطمینان وی به مسیح باشد. چنان چه شخص بیمار ایمان نداشته باشد معجزه معنائی ندارد و نمی توان از معجزه سخن گفت بلکه جادوگری است. در مورد وجود ایمان در روایتهای مربوط به معجزه ها ر. ک d ۵:۲. بالاخره لازم به یادآوری است که قدرت ایمان به شفای بیماران محدود نمی شود (۲۲:۱۱-۲۴) ر. ک مت ۵۸:۱۳.

u- در قسمت اول انجیل مرقس در جاهای مختلف روایت هایی درباره دوازده رسول وجود دارد، ر. ک ۱۶:۱-۲۰:۳؛ ۱۳-۱۹. آیات ۷-۱۳ درباره مأموریت ایشان و آیه ۳۰ درباره مراجعت و گزارش آنان در خصوص فعالیتهای بشارتی باعث سلسله وقایعی خواهد شد که در آن مرقس نشان خواهد داد رسولان در تشخیص و دریافتن راز عیسی بی بصیرت هستند (۶:۳۰-۸:۲۱).

v- عصا و چارق (آیه ۹) در مت ۱۰:۱۰؛ لو ۹:۳، ۴:۱۰ وجود ندارد. سخنان عیسی با اوضاع و شرایط جدید زندگی مبشرین در خارج از فلسطین تطبیق داده شده است زیرا امکان داشت در مناطق مذکور عصا و چارق ضروری باشد بدون اینکه وضعیت فقر طبق تعلیم عیسی نقض شود.

w- منظور پذیرایی است که از مبشرین به عمل می آوردند (ر. ک ۲۴:۷).

x- ر. ک مت ۴:۱۰.

y- ر. ک ۴۴:۱.

z- منظور توبه ای است که با آمدن فرمانروائی خدا ضروری است، ر. ک ۱۵:۱.

a- تدهین که با روغن انجام می شود، در اینجا بعنوان دارویی پزشکی نیست. (ر. ک لو ۳۴:۱۰) بلکه عملی با نیروی معجزه آسا است چنان که لمس کردن یا دست گذاشتن بر روی کسی نیز چنین است.

هیرودیس و عیسی

(متی ۱۴:۱-۲؛ لوقا ۹:۷-۹)

^{۱۴} و هیرودیس^b پادشاه آن را شنید، زیرا نام وی مشهور شده بود^c و می گفتند: «این یحیی تعمیدگر است که از میان مردگان قیام کرده و برای همین است که از او معجزات به ظهور می رسد^d؛»^{۱۵} و دیگران می گفتند: «این الیاس^e است.» دیگران می گفتند: «این پیامبری بمانند دیگر پیامبران^f است.»^{۱۶} اما هیرودیس آن را شنیده می گفت: «آن که سرش را بریدم، یحیی، همان است که قیام کرده است!»

مرگ یحیی تعمید دهنده

(متی ۱۴:۳-۱۲؛ لوقا ۳:۱۹-۲۰)

^{۱۷} زیرا هیرودیس بود که فرستاده بود یحیی^g را دستگیر کنند و به خاطر هیرودیا، زن برادرش فیلیپس^h که به همسری گرفته بود او را در زندان به بند کشیده بود.^{۱۸} زیرا یحیی به هیرودیس می گفت: «برای تو مجاز نیست که زن برادرت را داشته باشیⁱ»^{۱۹} هیرودیا علیه او بود و می خواست او را به کشتن دهد ولی نمی توانست.^{۲۰} زیرا هیرودیس از یحیی می ترسید و او را مردی درستکار و مقدس می دانست و از او حمایت می کرد. و پس از شنیدن او واقعاً نمی دانست چه فکر

b- ر.ک لو ۱:۳. منظور هیرودیس آنتیپاس است که مرقس او را پادشاه می خواند در صورتی که عنوان رسمی او «تیتارک» بوده که در روم باستان، حکمران یک چهارم استان بوده است.

c- در مورد گنجاندن روایتهای مربوط به هیرودیس (آیات ۱۴-۲۹) در روایت مأموریت دوازده تن ر.ک ۳:۲۰. مرقس که نظریات مختلف درباره عیسی را برمی شمارد (آیات ۱۴-۱۶) موضوع مطالب مربوط به ۸:۲۷-۳۰ را آماده می کند و می خواهد جنبه منحصر به فرد شخصیت عیسی و رسالت او را نشان دهد همان گونه که در ۶:۳۱-۸:۳۰ آشکار خواهد شد.

d- تحت اللفظی: «بدین سبب قدرتها در او عمل می کنند».

e- ر.ک ۱۱:۹؛ مت ۱۳:۷.

f- یهودیان تصور می کردند از مدتها پیش دیگر «پیامبری» وجود نداشته است و از اقتدار عیسی (ر.ک ۱:۲۱-۲:۸؛ ر.ک مز ۷:۹) چنین استنباط می کردند که پیامبری همانند پیامبران قدیم یا شاید پیامبران زمان آخر یعنی موسای نوین ظهور کرده است (ر.ک تث ۱۸:۱۵-۱۸؛ یو ۶:۱۴؛ اع ۳:۲۲-۲۳). درک لو ۸:۹ این است که یکی از پیامبران کهن دوباره زنده شده است.

g- این روایت (آیات ۱۷-۲۹) در اینجا خیلی مفصل تر از روایت انجیل متی است و می توان آن را با گزارش مورخ یهودی فلاویوس ژوزف مقایسه کرد. بنا به گفته مورخ مذکور هیرودیس آنتیپاس، یحیی را که به خاطر مسائل سیاسی در قلعه ماکرونیت زندانی بود از بین برد. ضمناً هیرودیس که دختر سلطان نباطیه را طلاق داده و هیرودیا را به زنی اختیار کرده بود در جنگی که بدین سبب با سلطان نباطیه کرد شکست خورد و مردم این شکست را به سبب قتل یحیی و به عنوان کیفر الهی تعبیر می کردند. روایت مرقس بدون اینکه مستقیماً گزارش فلاویوس ژوزف را انکار کند از نظر شرح جزئیات مبهم است (همین آیه یادداشت h) ولی به موضوع مذهبی بیشتر توجه می کند. ضمناً این مورد تنها قسمتی از انجیل مرقس است که مربوط به عیسی نیست ولی با هدف و منظور کتاب مابینتی ندارد بدین معنی که با آمدن یحیی موضوع بازگشت الیاس به عنوان پیشگام مسیح موعود به تحقق پیوسته و سرنوشت او پیشاپیش اعلام سرنوشت عیسی است، ر.ک ۹:۱۱-۱۳.

h- بنا به گفته فلاویوس ژوزف، هیرودیا در ابتدا زوجه برادر ناتنی هیرودیس آنتیپاس بوده که او هم هیرودیس نام داشته و در رم می زیسته است، برادر ناتنی دیگر او به نام فیلیپس تیتارک ابطوریه و تراخونیتس بوده، ر.ک لو ۳:۱؛ مت ۱۴:۳. f. این شخص سالومه دختر هیرودیا را به زنی گرفته بود. ضمناً هیرودیا نواده هیرودیس کبیر و برادر زاده هیرودیس آنتیپاس بوده است.

i- ر.ک مت ۱۴:۴. c.

پادشاه دژخیمی را با فرمان آوردن سر [یحیی] فرستاد و او برای بریدن سر به زندان رفت،^{۲۸} سپس سرش را بر یک سینی آورده به دخترک داد و دخترک آن را به مادرش داد.^{۲۹} و شاگردانش آن را شنیده آمدند و جسدش را برداشتند و در قبری نهادند.

بازگشت رسولان. عیسی پنج هزار مرد را در بیابان خوراک می دهد (متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ لوقا ۹:۱۰-۱۷؛ یوحنا ۶:۱-۱۵)

^{۳۰} و رسولان^۱ نزد عیسی^m گرد آمده و از همه آنچه کرده و همه آنچه را آموزش داده بودندⁿ به وی نوید دادند.^{۳۱} و وی به ایشان گفت: «شما جدا به صحرا بیایید و اندکی بیاسائید.» زیرا افراد بیشماری می آمدند و می رفتند و آنان حتی وقت غذا ۲۰:۳ خوردن نداشتند.^{۳۲} و با قایق، جداگانه به صحرا رفتند.^{۳۳} و دیدند که آنان می روند

کنند^j و با وجود این با طیب خاطر او را می شنید.^{۳۱} فرصتی فرا رسید، وقتی هیرودیس به مناسبت سالگرد تولد خود ضیافتی برای بزرگان دربارش، افسران و معتمدان جلیل می داد.^{۳۲} و دختر همان هیرودیا^k وارد شده رقصید و هیرودیس و مهمانانش را خوش آمد و پادشاه به دخترک گفت: «هر چه می خواهی از من درخواست کن و من به تو خواهم داد.»^{۳۳} و برای او قسم خورد: «هر آنچه بخواهی، آن را به تو خواهم داد حتی اگر نصف مملکت من باشد.»^{۳۴} او بیرون شده به مادرش گفت: «چه باید درخواست کنم؟» او گفت: «سر یحیی تعمیدگر را.»^{۳۵} و همان دم شتابان نزد پادشاه وارد شده درخواست کرد: «می خواهم که هم اینک بر روی یک سینی سر یحیی تعمیددهنده را به من بدهی.»^{۳۶} و پادشاه بسیار غمگین شد اما به خاطر سوگندهایش و میهمانان، نخواست او را رد کند.^{۳۷} و همان دم

استر ۵:۳-۶،
۲:۷

j- در بعضی نسخ آمده: «کارهای زیادی می کرد» که شاید اصطلاحی در زبانهای سامی است و به معنی: «غالباً از او شنوایی داشت» می باشد یا ترجمه دیگری که کمتر متحمل است: «از او سؤالهای زیادی می کرد».

k- ترجمه دیگر: «دخترش هیرودیا».

l- دوازده تن به نام رسول خوانده می شوند (در انجیل مرقس فقط در اینجا و در بعضی نسخه ها در آیه ۱۴:۳). این افراد به عنوان فرستادگان عیسی نام برده شده اند و نتیجه رسالت خود را به او گزارش می کنند، ر.ک ۷:۱۳-۶؛ مت ۱۰:۱۰؛ لوقا ۹:۱۰-۶.

m- در این متن از انجیل مرقس (۶:۳۰-۸:۲۶) دو روایت ذکر شده که موضوع آنها غذا دادن عیسی به انبوه جمعیت می باشد (۶:۳۰-۴۴، ۸:۱-۹). در این دو روایت، وقایعی که پس از هر یک رخ می دهد مشابه هستند: عبور از دریاچه (۶:۴۵-۵۶؛ ۸:۱۰)، مجادله با فریسیان (۷:۱-۲۳؛ ۸:۱۱-۱۳)، بحث درباره نان (۷:۲۴-۳۰؛ ۸:۱۴-۲۱) و شفای بیمار (۷:۳۱-۳۷؛ ۲۲-۲۶). منبع این دو روایت هر چه باشد (چه مرقس و چه روایتی مقدم بر او، این مورد را با سلسله وقایعی که در باب ۶ انجیل یوحنا آمده مقایسه کنید: زیاد شدن نانها، عبور از دریاچه و راه رفتن روی آب، بحث درباره نان، بیان ایمان پطرس) از نظر الهیات مرقس می توان گفت به موضوع افشای راز مسیح به شاگردان توجه داشته و بیش از پیش درباره عدم بصیرت آنان تأکید کرده است. ضمناً به روابط با فریسیان و غیریهودیان توجه داشته است.

n- ارتباط قسمت بعدی مطالب (ر.ک توضیح قبلی) با تمرین آموزشی که رسولان برای رسالت آینده خود انجام داده اند نشان می دهد که عیسی به آنان خواهد گفت واقعاً چه وظیفه ای دارند و راز نهفته اقدامات و شخصیت خود را به آنان ابراز می نماید. به هرحال مرقس تأکید می کند که همبستگی رسولان با عیسی نسبت به سایر مردمان بیشتر است (آیات ۳۱-۳۳)، فعالانه در آموزش او همکاری می کنند (آیات ۳۰ و ۳۴) در غذا دادن به مردم شراکت دارند (آیات ۳۵-۴۴). در پرستش کلیسا نیز ابتدا آئین کلام خدا و سپس تقسیم نان اجرا می شود.

۳۷ در پاسخ به ایشان می گوید: «خودتان چیزی برای خوردن به آنان بدهید^s» و به او می گویند: «آیا باید برویم دویست دینار^t نان بخریم تا برای خوردن به آنان بدهیم؟»^{۳۸} به ایشان می گوید: «چند نان دارید؟ بروید بینید.» و چون مطمئن شدند می گویند: «پنج نان و دو ماهی.»^{۳۹} و به ایشان دستور داد همه را سفره به سفره^u بر سبزه زار بنشانند^v، و آنان در دسته های صد نفری و پنجاه نفری^w نشستند. و او پنج نان و دو ماهی را گرفته، به سوی

و بسیاری ایشان را باز شناختند و پیاده^o از همه شهرها به آنجا شتافتند و پیش روی ایشان رسیدند.^{۳۴} و هنگام پیاده شدن از قایق جمعیت کثیری را دید و بر آنان ترحم نمود زیرا چون گوسفندان بی شبان^p بودند، و شروع به آموزش بسیاری چیزها به آنان نمود^q.^{۳۵} و چون ساعت دیر وقت بود، شاگردانش نزد وی آمده می گفتند: «اینجا صحرا است و ساعت دیر وقت^r؛ آنان را روانه کن که به دهکده های اطراف و به روستاها رفته چیزی برای خوردن بخرند.»

o- ر.ک مت ۱۴:۱۳h.

p- «ترجمی» که به عیسی دست داده (ر.ک ۲:۸) به سبب بی سرپرست بودن مردم است و تشبیه آنان به گله بی شبان که تصویری از کتاب مقدس است نشانه شرم آور بی توجهی مسئولان می باشد (ر.ک مت ۲۳:۹n) این موضوع یادآوری می کند که عیسی همچون مسیح موعود در نقش شبان عمل می نماید (حزق ۳۴:۲۳، ۲۴:۳۷) یا به مانند موسی (اعد ۲۷:۱۵-۱۷؛ مز ۷۷:۲۱) یا داود (مز ۷۸:۷۰-۷۲) یا خدا که در صحرا شبان قوم خود بود (مز ۷۸:۵۲-۵۳؛ ۱:۲۳؛ ۱:۷۴؛ ۱:۸۰؛ حزق ۳۴:۱۵).

q- تنها مرقس تا به این اندازه آموزش عیسی را به عنوان ترحم و شبانی او نشان داده است (ر.ک مت ۱۴:۱۴j).

r- در آیات ۳۵-۴۴ موضوعاتی که با مطالب ۸:۱-۹ مشترک است فراوان می باشد (ر.ک ۸:۸n). وجود شش روایت مشابه در انجیل (دو روایت در متی، دو روایت در مرقس، یکی در لوقا و یکی در یوحنا) نشان می دهد که در نظر کلیسای اولیه این مطالب جالب توجه بوده و به طوری که از مقایسه آیه ۴۱ با ۱۴:۲۲ برمی آید این علاقه و توجه مخصوصاً در آئین سپاسگزاری ابراز می شده است (در مورد روایتی که منبع آن برگزاری نیایش می باشد ر.ک ۸:۱۶) از سوی دیگر تمثیل های آشکار، شاهد بر این است که در هنگام بازگویی این روایت معجزه ای از الیسع را به یاد می آورده اند (۲- پاد ۴۲-۴۴). همچنین مائده ای را که خدا برای قوم خود در صحرا فراهم ساخته بود (خروج ۱۶؛ تث ۸:۳، ۱۶؛ مز ۷۸:۲۴-۲۵؛ ۱۰۵:۴۰؛ حک ۱۶:۲۰-۲۶؛ ۱- قرن ۱۰:۳). بدینسان نشان می دادند که متن مذکور در عیسی تحقق پذیرفته است در صورتی که یهودیان آن عصر این نوشته ها را به عنوان اعلام کارهای بزرگ خدا و مسیح موعود در زمان آخر می خواندند. در ارتباط با تفسیر ضیافت مسیحائی ر.ک اش ۶:۲۵؛ ۸-۱۰:۵۵؛ ۲-۱۳:۶۵؛ ۱۴-۱۳:۶۲؛ ۱۴:۶۲؛ مت ۱۱:۸؛ ۱۰:۲۲-۱۴.

s- مرقس مخصوصاً ذکر می کند که چگونه عیسی شاگردانش را وادار به فعالیت کرده (آیات ۳۸، ۳۹، ۴۱) و آنان را برای همکاری در انجام رسالتش آماده می نماید، ر.ک ۳:۱۴-۱۵؛ ۷:۶؛ ۱۲-۱۳، ۳۰.

t- بنا بر آنچه متی در ۲۰:۲ آورده است دینار برابر مزد یک کارگر کشاورزی در یک روز می باشد. در میشنا ذکر شده که جیره روزانه نان یک نفر یک دوازدهم دینار ارزش داشته است. «میشنا عبارت از مجموعه قوانینی است که بزرگان قوم یهود پس از بازگشت از تبعید بابل به تدریج تهیه و تدوین نمودند و شامل قوانین کشاورزی، جشن ها، زنان و ازدواج، قوانین مدنی و جزایی، قوانین مذهبی و مقررات پاکی و طهارت است. تدوین این قوانین در قرن یکم پیش از میلاد آغاز شد و در قرن سوم میلادی پایان یافته و به صورت قطعی درآمد.»

u- فعلی که در اینجا «نشاندن» ترجمه شده در اصل «دراز کشیدن» است.

v- به احتمال قوی ذکر این نکته دقیق در ارتباط با طبیعت (ر.ک یو ۶:۱۰، ۱۲ توضیح h) نشان می دهد که مرقس می خواهد عیسی را نظیر شبانی که در مز ۲۳ ذکر شده قوم خود را به محلی سرسبز و کنار آبهای آرامش و آسایش هدایت می کند (آیه ۱؛ ر.ک مت ۳۱:۶) و در آنجا سفره ای برایش می گسترد (آیه ۵).

w- فعل «نشستند» به صورت تحت اللفظی «دراز کشیدن» است. ترتیباتی را که برای مردم داده شده بود با این اطلاعات نمی توان به خوبی مجسم نمود. ضمناً این ترتیبات که کاملاً برعکس وضعیت مردم در آیه ۳۴ می باشد تشکیلات قوم اسرائیل را در صحرای سینا به یاد می آورد (خروج ۲۱:۱۸، ۲۵؛ اعد ۳۱:۱۴؛ تث ۱:۱۵)، تشکیلاتی که به عنوان کمال مطلوب قوم خدا به شمار آمده است (۱- مک ۵:۵ و در نوشته های فرقه قبران؛ مقررات جامعه مذهبی ۲:۲۰-۲۱؛ مقررات انجمن پیران کلیسا ۱:۲۹-۲:۱ نوشته دمشق الف ۱:۱۳؛ کتاب جنگ ۴:۱-۵، ۱۶-۱۷؛ ر.ک خنوخ ۳:۶۹ درباره ترتیبات فرشتگان).

آسمان نگرسته [دعای] برکت خواند^x و نانها را پاره کرد و به شاگردان می داد تا با آنها از مردم پذیرائی کنند و همین طور دو ماهی را بین همه قسمت کرد.^{۴۲} و همه خوردند و سیر شدند،^{۴۳} و پاره ها را به اندازه دوازده سبد پر برداشتند^{۴۴}، هم چنین ماهی ها را.^{۴۴} و کسانی که نانها را خورده بودند پنج هزار مرد^z می بودند.

راه رفتن عیسی بر دریا

(متی ۱۴: ۲۲-۳۳؛ یوحنا ۶: ۱۶-۲۱)

^{۴۵} و همان دم شاگردان خود را وادار ساخت تا سوار قایق شده پیشاپیش وی به سوی دیگر به طرف بیت صیدا^a بروند در حالی که خودش جمعیت را مرخص می کرد.

x- منظور دعای سپاسگزاری است که در آن دوران جزو آداب مذهبی یهودیان در حین تکه کردن نان در سر سفره انجام می شده است. چنانکه در آداب مذهبی مسیحیان نیز معمول است ولی مفهوم جدیدی گرفته است. دعای برکت فرصتی به دست می دهد تا نعمت هایی را که خدا به قوم خود عطا فرموده یادآوری نمایند و در ضمن مفهوم تقسیم کردن نان بیان شود.

y- سبدهای محکمی که با ترکه های بید بافته شده و یهودیان در آنها آذوقه حمل می کردند. دوازده سبد اشاره به تعداد قوم برگزیده (دوازده قبیله در عهد عتیق و دوازده رسول در عهد جدید) است (آیه ۳۰؛ ر. ک ۸: ۶، توضیح r و s) که نقش فعال آنان در این روایت ذکر شده است. موضوع تکه های باقیمانده نشان دهنده وفور نعمت (خروج ۱۶: ۱۷-۱۸؛ اعدا ۱۱: ۳۱-۳۲؛ ۲-پاد ۴۳: ۴۴) بوده و جمع آوری آنها اشاره به آن است که برای شرکت کنندگان دیگر نیز به وسیله رسولان غذا فراهم خواهد بود.

z- این رقم با ترتیباتی که در آیه ۴۰ توصیف شده بود تطبیق می نماید و هم چنین به گونه ای یادآور اتحاد قوم اسرائیل می باشد. a- در بعضی از نسخه های خطی، عبارت «به سوی دیگر» تصریح نشده و بعضی از مفسرین معتقدند این نکته جزئی از مت ۲۲: ۱۴ اخذ گردیده است. اصولاً در این قسمت محل جغرافیایی وقوع رویدادها مبهم است و نمی توان مشخص نمود محل وقوع واقعه ای که قبلاً مرقس روایت کرده کجا است (ر. ک ۷: ۳۱، ۱: ۸ n) بیت صیدا در ساحل شرقی رود اردن، قبل از اینکه به دریاچه طبریه بریزد قرار دارد.

b- ر. ک یو ۱۵: ۶.

c- «نزدیک پاس چهارم شب» یعنی بین ساعت ۳ الی ۶ بعد از نیمه شب (ر. ک ۱۳: ۳۵).

d- «قدم گذاشتن بر بلندیه های دریا» (ایوب ۸: ۹؛ ر. ک مز ۷۷: ۲۰؛ بنسی ۵: ۲۴)، هم چنین تسلط بر دریا (مز ۸: ۶۵؛ ۱۷: ۷۷، ۱۰: ۸۹، ۱۰۷: ۲۹) مختص خدا است، ر. ک ۴۱: ۴ k.

e- فعل «گذشتن» در اینجا گذشتن جلال خدا را از مقابل موسی و الیاس به یاد می آورد (خروج ۳۳: ۱۹، ۲۲: ۳۴؛ ۶ یونانی؛ ۱- پاد ۱۱: ۱۹ یونانی) ولی ر. ک لو ۲۴: ۲۸.

f- «من هستم» کلام وحی الهی است (خروج ۳: ۱۴؛ تث ۳۲: ۳۹؛ اش ۴۱: ۴، ۴۳: ۱۰، ۱۳) و در یو ۸: ۲۴، ۲۸، ۵۸. عیسی آن را در مورد خود بکار می برد. مرقس بدون اینکه به این صراحت گفته باشد این روایت را به عنوان تجلی راز وجود عیسی، پسر خدا درک می نماید، بدین سبب در روایت الهام های مافوق طبیعی توصیه های: «نترسید»، «شجاعت داشته باشید» آمده است (که فقط در انجیل مرقس و در اینجا است، ر. ک یو ۱۶: ۳۳). این توصیه ها اثر حضور عیسی را در میان مخاطرات بیان می کنند و در اینجا مخاطرات به صورت دریا نشان داده شده است.

۳۹:۴ شگفتی کامل می بودند؛^{۵۲} زیرا از موضوع نانها^۵ هیچ نفهمیده بودند، چون قلبشان سخت می بود^h!

ردای^k وی را لمس کنند و همه کسانی که آن را لمس می کردند نجات می یافتند^l.

مباحثه با فریسیان

(متی ۱۵: ۱-۲۰)

شفاهای در جنیسارت

(متی ۱۴: ۳۴-۳۶)

^{۵۳} پس از عبور از [دریا] در جنیسارتⁱ به خشکی رسیدند و پهلوی گرفتند. ^{۵۴} و همین که از قایق بیرون شدند، همان دم مردم وی را باز شناخته^{۵۵} همه ناحیه را در نوردیدند و کسانی را که مریض بودند بر روی بسترشان به جایی که شنیده بودند در آنجا است می آوردند^{۵۶}. و به هر جایی که او وارد می شد، چه در روستاها و چه در شهرها یا در دهکده ها، بیماران را در میدانهای عمومی می گذاشتند و از وی درخواست می کردند حتی فقط حاشیه

^۷ و فریسیان و تنی چند از کاتبان از اورشلیم آمده نزد او جمع می شوند^m، و چون می بینند که برخی از شاگردانش نانⁿ خود را با دستهای آلوده یعنی ناشسته^o می خورند...^۳ در واقع لو ۱۱: ۳۸ فریسیان و همه یهودیان که به سنت مشایخ وابسته اند بدون آنکه دستها را با دقت^p شسته باشند غذا نمی خورند،^۴ و در باز گشت از بازار، بدون اینکه بر خود [آب] پاشیده باشند^q، غذا نمی خورند و چه بسا چیزهای دیگر هست که بنا به سنت بدانها وابسته اند: آب کشیدن^r پیاله ها، تنگها و

g- مرقس دو روایت قبلی را کاملاً به یکدیگر مربوط ساخته و آنها را نشانه هایی می داند که حاوی الهام الهی هستند ولی شاگردان هنوز آن را درک نمی کنند (۸: ۱۷-۲۱). در وجود عیسی قدرت خدا تجلی می کند که قوم خود را در صحرا سیر کرده و بر دریا تسلط دارد.

h- این ملامت خطاب به فریسیان خطاب است (۳: ۵؛ ر. ک ۴: ۱۳ توضیح ۸: ۱۷). دلی که به سبب تمایل ناپسند درونی سخت شده برای درک اعمال و اراده خدا مسدود می گردد، ر. ک روم ۱۱: ۲۵؛ اش ۶: ۹-۱۰.

i- جنیسارت جلگه ای حاصلخیز در جنوب غربی کفرناحوم می باشد. به دشواری می توان محل دقیق آن را با بیت صیدا که در آیه ۴۵ آمده تطبیق دارد. امکان دارد مرقس این مطالب را از منابع مختلفی گرفته باشد.

j- منظره عمومی شفا دادن بیماران توسط عیسی و شور و هیجان مردم را در دو مورد ۱: ۳۲-۳۴ و ۳: ۷-۱۲ مقایسه کنید.

k- ر. ک ۵: ۲۸ توضیح b. ذکر «حاشیه ردای او» که نکته ای جزیی است نشان می دهد عیسی قوانین یهود را رعایت می کرده است، ر. ک اعد ۱۵: ۳۸-۳۹؛ تث ۲۲: ۱۲.

l- ر. ک ۵: ۳۴.

m- بحث طولانی با فریسیان درباره سنتها و پاکی و ناپاکی (آیات ۱-۲۳) بر خلاف موفقیتی است که عیسی در برابر مردم داشته است (ر. ک همین اختلاف در ۲: ۱-۳؛ ۳: ۲۰-۳۵؛ ۶: ۱-۶) و بی دلیل نیست که این بحثها قبل از عزیمت عیسی از جلیل به سوی سرزمین غیریهودیان (ناپاک) انجام شده است، آیه ۲۴. ضمناً درک اراده الهی (آیات ۶-۱۳) و تشخیص پاکی (آیات ۱۴-۲۳) که ورای سنتهای یهود می باشد موجب گردید اتحاد یهودیان و غیریهودیان در کلیسا ممکن گردد (ر. ک غلا ۶: ۱۴).

n- در آن زمان گوشت غذای چوپانان و چادر نشینان بود (بنابراین بره اهمیت خاصی داشت) اما برای کشاورزان نان غذای اصلی محسوب می شد که با گذاشتن چیزی در نان (لقمه) آن را به عنوان غذای می خوردند. بنابراین نان در انجیل مرقس و اناجیل دیگر مخصوصاً در ارتباط با شام اهمیت بسزائی دارد (۳: ۲۰؛ ۵: ۲۷؛ ۶: ۳۷-۳۸، ۴۱، ۴۴؛ ۵۹؛ ۷: ۹؛ ۸: ۴، ۵، ۶، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹؛ ۲۲: ۱۴).

o- در اینجا جنبه بهداشتی مطرح نیست بلکه رعایت یکی از قوانین شرعی یهود است.

p- ترجمه این کلمه دشوار است. ترجمه های دیگر بدین صورت می باشد: «تا به آرنج»، «با مچ»

q- برابر بعضی نسخه ها به زبان یونانی: «بدون اینکه غسل کرده باشند» یا «بدون شستشوی خود».

مت ۲۵:۲۳؛ لو ۱۱:۳۹: سینی های مفرغین^s...^۵ پس فریسیان و کاتبان از او پرسیدند: «چرا شاگردان تو برابر سنت مشایخ^t رفتار نمی کنند، بلکه نان خود را با دستهای آلوده می خورند؟»^۶ به ایشان گفت: «اشعیاء در باره شما ای ریاکاران چه خوب پیامبری کرده است! چنان که نوشته شده است^u:

این قوم با لبها به من احترام می گذارد
اما قلبشان بسی از من دور است.

^vبیهوده مرا عبادت می کنند
زیرا به جای آموزش، آموزشی می دهند
که دستورات آدمیان است!

^۸شما فرمان خدا را کنار گذاشته به سنت آدمیان پای بند هستید.»^۹ و به آنان می گفت: «فرمان خدا را به کلی رد می کنید تا سنت خود را نگاه دارید.»^{۱۰} ادرواقع موسی گفته است: پدر و مادرت را احترام کن^v و هر که پدر و مادر خود را لعنت کند البته بمیرد^w! ^{۱۱}اما شما می گوید: هر کس به پدر یا مادرش بگوید هر بهره ای که تو می توانستی از من ببری

r- در زبان یونانی: «حمامها»، «تعمیدها» ر.ک ۱:۴. h.

s- تحت اللفظی: «وسایل مفرغی».

t- شامل دستورات و امور واجب بر طبق تورات موسی بود.

u- اش ۱۳:۲۹ ترجمه یونانی (هفتاد تنان).

v- خروج ۱۲:۲۰؛ تث ۱۶:۵؛ ر.ک مر ۱۰:۱۹؛ افس ۶:۲.

w- «لعنت کردن» ترجمه دیگر «ناسزا گفتن» خروج ۷:۲۱؛ ر.ک لاو ۲۰:۹.

x- کلمه «قربان» به زبان آرامی به معنی «تقدیمی» مخصوصاً به خدا است، ر.ک مت ۶:۱۵. اشخاص می توانستند از وظیفه و کمک به پدر و مادر خود معاف شوند هرگاه نذر می کردند آنچه برای کمک به آنان واجب بود به خزانه معبد تقدیم نمایند.

y- فریسیان و کاتبان به مانند حلقه های زنجیر سنتهایی هستند که آنها را دریافت کرده و به نوبه خود منتقل می سازند و مدعی هستند که از موسی سرچشمه گرفته اند.

z- در بعضی از نسخه های خطی: «اگر کسی گوش شنوا دارد بشنود».

a- واژه عبری mashal که در زبان یونانی به مفهوم «تمثیل» است ولی در عهد عتیق عبری این کلمه را می توان نکته مرموز و معما ترجمه نمود (ر.ک q ۱۱:۴، لو ۲۳:۴). مرقس در این کلمه معنایی نهفته می بیند (آیه ۱۴ ر.ک ۹:۴) که فقط به شاگردان عیسی مکشوف می شود (ر.ک ۴:۱۰-۱۲) و مربوط به رسالتی است که عیسی به خاطر آن فرستاده شده است (۳:۲۳-۲۷، ۴:۱۱) بدین معنی که فسخ ممنوعیت های غذایی را می توان با آمدن ملکوت خدا و پیروزی بر شیطان توجیه نمود (آیه ۱۹).

^{۲۶} این زن یونانی^d، سوری فنیقی زاده بود و از او تقاضا می کرد تا دیو را از دخترش بیرون براند.^{۲۷} و [عیسی] به او می گفت: «بگذار اوّل^e فرزندان سیر شوند زیرا خوب نیست نان فرزندان را گرفته پیش توله سگان اندازند.»^{۲۸} در پاسخ به او گفت: «آری^f خداوندا، ولی حتّی توله سگان^g، زیر میز از خرده نان کودکان می خورند.»^{۲۹} و به او گفت: «به خاطر این سخن برو. دیو از دخترت بیرون شده است.»^{۳۰} و او به خانه خود رفته، کودک را در بستر آرمیده و دیو را بیرون شده یافت.

شفای کر و لال

^{۳۱} و باز از سرزمین صور بیرون شده از صیدون^h به سوی دریای جلیل در میان سرزمین دیکاپولیس آمد.^{۳۲} و به نزد او کر را که به دشواری سخن می گفتⁱ می آوردندⁱ

شود.» بدینسان تمام غذاها را پاک^b [اعلام] می کرد.^{۲۰} و می گفت: «آنچه از انسان بیرون می آید همان است که انسان را آلوده می کند.^{۲۱} زیرا از درون، از قلب انسانها است که استدلال های بد بیرون می آید: روسپیگری ها، دزدی ها، قتل ها، زناها، حرص ها، هرزگی ها، مکرها، فسق و فجور، چشم بد، کفرگوئی، غرور و حماقت.^{۲۳} همه این چیزهای بد از درون بیرون می آید و انسان را آلوده می کند.»

ایمان زن سوری فنیقی (متی ۱۵: ۲۱-۲۸)

^{۲۴} از آنجا روانه شده به سرزمین صور^c و صیدون رفت و به خانه ای وارد شده می خواست تا کسی نداند و نتوانست نادیده بگذرد.^{۲۵} اما زنی که دخترکی با روح ناپاک داشت همان دم که سخنی درباره او شنید آمده به پایهای او افتاد.

b- تحت اللفظی: «با پاک ساختن غذاها» احتمالاً این نظریه را مرقس از گفتار عیسی درک نموده است. با فسخ ممنوعیتهای غذایی هر مانعی از میان برداشته می شد و مسیحیانی که قبلاً یهودی یا غیریهودی بودند می توانستند بر سر یک سفره غذا بخورند (ر. ک اع ۱۸: ۱۰-۱۱؛ غلا ۲: ۱۲) قسمتی از انجیل که درباره نان است به موضوع پذیرش غیریهودیان بر سر سفره مسیح ارتباط دارد (۲۷: ۷-۲۸: ۸؛ n).

c- این منطقه در حاشیه شمالی جلیل قرار داشته و در آن مردمان مختلفی می زیستند که بیشترشان غیریهودی بودند. مرقس انگیزه این مسافرت را ذکر نکرده و موضوع ناشناخته ماندن عیسی با هدف رسالت مغایر می باشد ولی مرقس روایتی را که پس از ۱: ۷-۲۳ آمده بعنوان نشانه اعلام قبلی بشارت رسولان به غیریهودیان (آیه ۲۶: ر. ک قبلا ۸: ۳، ۵: ۱-۲۰ و در عهد عتیق ۱- پاد ۸: ۱۷-۲۴) و پذیرش آنان بر سر شام آخر خداوند می داند (آیات ۲۷-۲۸) ضمناً به آیات ۶: ۴۱-۵۲، ۷: ۲، ۸: ۶، ۱۴-۲۱ تذکر درباره نان توجه نماید).

d- یونانی «یعنی یهودی نبوده است».

e- این کلمه در متی وجود ندارد و چنین می فهماند که انجیل از یهودیان به یونانیان منتقل خواهد شد (روم ۱: ۱۶).

f- کلمه «آری» در بعضی نسخه ها وجود ندارد.

g- عبارت «توله سگان» توهین آمیز نیست و اشاره به سگهای کوچک خانگی است که بچه ها با آنها بازی می کنند ولی کلمه «سگ» غالباً اهانت آمیز است (ر. ک مت ۷: ۶؛ فی ۳: ۲؛ مکا ۲۲: ۱۵).

h- ترجمه دیگر: «از صور و صیدا به سوی دریا برمی گردد». در این تذکر جغرافیایی منظور تعیین مسیر دقیق نیست بلکه یادآوری شده که وقایع دو روایت بعدی در سرزمین غیریهودیان رخ داده است.

حرف درمی آورد!»

عیسی چهار هزار نفر را غذا می دهد
(متی ۱۵: ۳۲-۳۹؛

ر.ک مرقس ۶: ۳۰-۴۴ و متون موازی)

۸ در آن روزهاⁿ، چون باز جمعیت
کثیری می بود و چیزی برای خوردن
نداشتند، شاگردان را به سوی خویش
می خواند و به آنان می گوید:^o «دلم برای
این جمعیت به رحم آمده زیرا اکنون سه روز
است نزد من مانده اند و چیزی برای خوردن
ندارند.^۳ و اگر آنان را روزه دار به
خانه هایشان بفرستم در راه ضعف خواهند
کرد و برخی از آنان از دور [آمده] اند!»

و از او درخواست می کنند که دست بر او
بگذارد.^k ۳۳ و او را از جمعیت بیرون
آورد، جدا، انگشتان خویش را در
گوشه های نهاد و آب دهان انداخته زبانش
را لمس کرد؛^{۳۴} و به سوی آسمان نگرسته
نالای برآورد و به او گفت: «افتح!» یعنی
«باز شو!»^{۳۵} و گوشه های باز شد و همان
دم بند از زبانش گشوده شد و درست حرف
می زد.^{۳۶} و [عیسی] به آنان سفارش کرد به
هیچکس چیزی نگویند، اما هر قدر بیشتر
به آنان سفارش می کرد بیشتر ندا
می دادند.^m ۳۷ و مردم بسیار حیرت زده
می گفتند: «همه چیزها را به خوبی انجام
داده است! کرها را به شنیدن و لاله ها را به

i- آیات ۳۲-۳۷ در چند مورد با آیات ۲۲: ۸-۲۶ شباهت دارند بدین معنی که هر دو روایت مختص به مرقس بوده و هر یک از
آنها در آخر یک رشته وقایع مربوط به تکثیر نانها ذکر شده است (ر.ک ۶: ۳۰ توضیح m). چنین به نظر می رسد که این دو
قسمت در انجیل مرقس اشاراتی برای تأیید آموزشهای مذهبی هستند که از متن اشعیا گرفته شده، اش ۳۵: ۵-۶ و در اینجا در
آیه ۳۷ نقل گردیده است. متن اشعیا (ر.ک مت ۵: ۱۱ //) نه تنها درباره شفای ناشنوایان و لاله ها می باشد که در روایت اولی
ذکر گردیده بلکه از شفای نابینایان نیز سخن گفته که در روایت دومی ارائه گردیده است (ر.ک ۸: ۲۲ d).

j- اصطلاح «به دشواری سخن گفتن» در عهد عتیق فقط در ترجمه یونانی اش ۳۵: ۵ بکار رفته است.

k- اصطلاح معمولی که در عهد جدید بکار می رود «گذاشتن دستها» است و «دست» به صورت مفرد فقط در اینجا و در
مت ۹: ۱۸ وجود دارد (خروج ۲۹: ۱۰ را با لاو ۴: ۱ مقایسه کنید).

l- ر.ک ۵: ۴۱ i. این کلمه بعدها در آئین قدیم راز تعمید بکار خواهد رفت.

m- ر.ک ۱: ۴۴ v. سر مسیح موعود می بایست آشکار گردد (۲۱: ۴-۲۲) جنبه موقتی بودن این سر مخصوصاً در مورد معجزه ها
پدیدار می شود که اعلام آنها از اعلام انجیل پیشی می گیرد (در هر دو مورد فعل «ندا دادن» است، ر.ک ۱: ۴۵ y) در اینجا
هم صدای دسته جمعی مردم (آیه ۳۷) از صدای جامعه مسیحیان پیشی می گیرد، مسیحیانی که عمل خدا را در مورد زمان آخر
که به وسیله عیسی انجام می شود اعتراف خواهند کرد.

n- این روایت (آیات ۱-۱۰) شامل همان موضوعها و ترکیب جمله هایی است که در ۶: ۳۴-۴۴ وجود دارد (ترجم به مردم،
گفتگو با شاگردان، صرف غذا با نان و ماهی در صحرا، سیر کردن، تکه های باقی مانده و تعداد) ولی این دو روایت در
جزئیات مطالب به صورتهای مختلفی هستند به طوری که به نظر بعضی از مفسران دو روایت مذکور مربوط به دو واقعه مختلف
می باشد ولی این اختلافات جزئی را می توان با توجه به اینکه روایت در جمعتهای مختلف مسیحی دچار تغییراتی شده باشند
توضیح داد. ضمناً هر دو متن با روایت برقراری راز سپاسگزاری ارتباط داده شده است، اولی در کلیساهای مسیحیانی که قبلاً
یهودی بوده اند (ر.ک ۶: ۳۵ r) و دومی در کلیساهای یونانی (ر.ک آیه ۶ r). در انجیل مرقس این دو روایت در دو رشته از
آموزه های مذهبی مشابه وارد می شوند (ر.ک ۶: ۳۰ m) و در آنها بر نشانه های رسالت و اقتدار عیسی، سخت دلی فریبیان و
عدم بصیرت شاگردان تأکید می شود. (ر.ک ۶: ۵۲ g: ۸: ۱۴ x: ۸: ۲۱ c). به علاوه با توجه به اینکه مرقس محل مربوط به
روایت دومی را در سرزمین امتهای تعیین نموده (ر.ک ۷: ۳۱ h) بدین وسیله گسترش رسالت و نجات عیسی را در میان
غریبه دیان تأیید می نماید.

o- در این روایت عیسی ابتکار را در دست دارد و نقش شاگردان فقط در آیات ۶-۷ ظاهر می شود (ر.ک ۶: ۳۷ s).

فریسیان در طلب نشانه‌ای آسمانی
(متی ۱۲: ۳۸-۳۹؛ ۱۶: ۱-۴؛

لوقا ۱۱: ۱۶-۲۹؛ ۱۲: ۵۴-۵۶)

^{۱۱} و فریسیان بیرون آمده با او شروع به
بحث کرده و نشانه‌ای از آسمان^۷ از او

درخواست می‌کردند: این برای تجربه
نمودن او می‌بود.^{۱۲} و او در روح خود

ناله‌ای عمیق برآورده گفت: «چرا این
نسل^{۱۳} نشانه‌ای درخواست می‌کند؟ آمین

به شما می‌گویم: به این نسل نشانه‌ای داده
نخواهد شد.»^{۱۴} و آنان را ترک کرده باز
سوار قایق شد و به سوی دیگر رفت.

بی‌فهمی شاگردان

(متی ۱۶: ۵-۱۲؛ لوقا ۱۲: ۱)

^{۱۴} و فراموش کردند با خود نان بردارند^x
و فقط یک نان در قایق با خود داشتند.

^۴ و شاگردانش به او پاسخ دادند: «چگونه
می‌توان اینجا در صحرا اینان را با نان^۹
سیر کرد؟»^۵ و از ایشان می‌پرسید: «چند
نان دارید؟» گفتند: «هفت»^۶ و او به
جمعیت سفارش کرد روی زمین دراز بکشند
و هفت نان را گرفته، شکرگزاری کرد^۷، آنها
را پاره نمود و به شاگردان خود می‌داد تا
پذیرائی کنند و ایشان با آنها از جمعیت
پذیرائی کردند.^۸ همچنین چند ماهی
کوچک نیز داشتند. با خواندن دعای برکت
داد تا با آنها نیز پذیرائی کنند.^۸ و ایشان
خوردند و سیر شدند و بقیه پاره‌ها را جمع
کردند: هفت سبد^۹! باری ایشان تقریباً
چهار هزار [نفر] می‌بودند و آنان را روانه
کرد.^{۱۰} و همان دم به قایق سوار شده با
شاگردان خود به ناحیه دلمانوته آمد^{۱۱}.

p- این کلمات، یوشع ۹: ۶، ۹ و اش ۴: ۶۰ را به یاد می‌آورند و در جمعیت‌هایی که غیریهودیان در شام خداوند پذیرفته می‌شدند
حتماً این مقایسه را احساس می‌کردند.

q- غذا دادن به جمعیت کثیر، غیرممکن به نظر می‌آید و ممکن است مرقس در اینجا به حالت قوم برگزیده در صحرای سینا و به
موهبت «منا» که از آسمان داده شده بود اشاره می‌کند (ر. ک خروج ۱۶: ۲-۳؛ مز ۷۸: ۱۸-۱۹؛ ۱۰۶: ۱۳-۱۵؛ اعد ۱۳: ۱۱)
اما در انجیل یوحنا در معجزه تکثیر نان اشاره به موضوع «منا» بسیار صریح می‌باشد (ر. ک یوحنا ۶: ۳۱-۳۳).

r- در اینجا هم همان دعای برکت خواندن مذکور در ۴: ۶ است و همان اختلاف لغات و کلمات بین مر ۱۴: ۲۲-۲۴ و
مت ۲۶: ۲۶-۲۸ از یک سو و ۱- قرن ۱۱: ۲۳-۳۵ و لو ۱۱: ۱۹-۲۰ از سوی دیگر وجود دارد. احتمالاً منبع متن اولی از
مسیحیانی است که قبلاً یهودی بوده‌اند در صورتی که متن دومی از روایات یونانی‌گرایان است.

s- عدد هفت (قبلاً در آیه ۵) ممکن است بدین سبب در اینجا آمده که عدد کامل است یا اینکه اشاره به گروه هفت نفری است
که بر طبق اع ۶: ۱-۶ بر خدمات خوان یونانی‌گرایان نظارت داشتند یا بالاخره اشاره به عدد هفتاد می‌باشد که بر طبق سنن
قدیمی معتقد بودند دنیای امته‌ها به هفتاد ملت تقسیم می‌شده است (ر. ک ۴۳: ۶ توضیح ۷: لو ۱۰: ۱).

t- محلی ناشناخته نظیر مجدل که از آن در مت ۳۹: ۱۵ نام برده شده است. کلمه دلمانوته به زبان آرامی یعنی «در ناحیه منزل او»
و احتمالاً در نزدیکی کفرناحوم بوده است.

u- فعل «تجربه کردن» در اینجا بیانگر سوء نیت می‌باشد.

v- ر. ک تث ۲۰: ۱۸-۲۲؛ اش ۷: ۱۰-۱۴. پس از «نشانه‌هایی» که عیسی انجام داده بود این تقاضا کوردلی فریسیان را نشان
می‌داد و به همین سبب عیسی آنجا را ترک کرده می‌رود که در آیه ۱۳ ذکر شده است.

w- کلمه «نسل» معمولاً در سخنانی که عیسی به منظور مردود شمردن یا محکوم کردن برخی افراد می‌گوید بکار برده شده است.
(مت ۱۶: ۱۲، ۳۹: ۱۶؛ لو ۱۱: ۲۹؛ اع ۴۰: ۲؛ فی ۱۵: ۲) و اشاره به متن‌هایی نظیر تث ۵: ۳۲؛ مز ۹۵: ۱۰ می‌باشد.
رفتار فریسیان نمونه‌ای از رفتار نسلی است که در صحرای سینا خدا را تجربه می‌کرد (آیه ۱۱) و برای اثبات قدرت او مرتباً
دلیل جدیدی درخواست می‌کرد (ر. ک اعد ۱۱: ۱۴، ۲۲).

x- پس از فریسیان ظاهراً نوبت به شاگردان رسیده که دچار کوردلی شوند (آیات ۱۴-۲۱) و به آنان نیز همان سرزنشها می‌شود
البته این عبارت سرزنش‌آمیز به صورت سؤالی است. آیات ۱۷-۱۸ از نوع همان سرزنش‌هایی خطاب به «آنان که در خارج از
گروه شاگردان هستند» (۲: ۱۴).

شفای يك نابینا

^{۲۲} و ایشان به بیت صیدا می آیند و کوری^d را نزد او آورده از وی درخواست می کنند او را لمس کند. ^{۲۳} و دست کور را گرفته او را به بیرون از روستا هدایت کرد و با انداختن آب دهان بر چشمانش و یو:۹:۶ گذاشتن دستها بر او از او می پرسید: «آیا چیزی می بینی؟» ^{۲۴} و او نگریسته^e می گفت: «انسانها را می بینم، مثل درختان هستند که می بینم راه می روند.» ^{۲۵} سپس، باز دستها را بر چشمان او گذاشت و آن مرد روشن نگریسته به حالت اول برگشت و همه چیز را به وضوح می دید. ^{۲۶} و او را به خانه اش فرستاده گفت: «حتی وارد روستا نشو.»

^{۱۵} و به ایشان چنین سفارش می کرد: لو:۱۲:۱ «ببینید! درباره خمیر مایه فریسیان و خمیر مایه هیروودیس^y مواظب باشید!» ^{۱۶} و ایشان با یکدیگر در باره اینکه نان نداشتند، استدلال می کردند. ^{۱۷} و چون آن را درک کرد به ایشان گفت: «چرا درباره اینکه نان ندارید استدلال می کنید؟ هنوز هم درک نکرده و نفهمیده اید^z! سنگدل شده اید^a! ^{۱۸} با اینکه چشم دارید، نگاه نمی کنید! و با اینکه گوش دارید، نمی شنوید^b! و به یاد نمی آورید که ^{۱۹} وقتی پنج نان را برای آن پنج هزار پاره کردم چند سبد پراز پاره ها جمع کردید؟» به او می گویند: «دوازده.» ^{۲۰} «و وقتی هفت [نان] برای آن چهار هزار، چند سبد پراز پاره ها جمع کردید؟» می گویند: «هفت.» ^{۲۱} و به ایشان می گفت: «هنوز هم نمی فهمید^c!»

y- خمیر مایه چون از نان کهنه و کپک زده تهیه می شد (خروج ۱۲:۱۵، ۱۹) بعنوان منبع ناپاکی و موجد فساد به شمار می رفت (۱- قرن ۵:۵-۸؛ غلا ۵:۹) و در نظر ربی های یهود نشانه تمایلات ناپسند انسان بوده است. به طوری که از طرز بیان و عبارات برمی آید در نظر مرقس خمیر مایه نمایانگر سوء نیت از سوی فریسیان (ر.ک ۲:۳-۶، ۷:۱۳-۱۱:۸، ۱۳-۱۱:۸) یا از جانب هیروودیس نسبت به عیسی می باشد (ر.ک ۶:۱۴-۲۹) و شاگردان هم اگر در برابر کوششهای عیسی برای آشکار کردن مفهوم صحیح رسالت وی و نیز رسالت خودشان مقاومت کنند در مخاطرات ناشی از این سوء نیت ها شریک هستند.

z- ر.ک ۴:۱۳، ۷:۱۸.

a- ر.ک ۳:۵، ۶:۵۲. h

b- ر.ک ار ۵:۲۱؛ حرق ۱۲:۲.

c- در اینجا سخنان عیسی توجه ما را به تمام آنچه درباره رسالت و شخصیت خود ابراز کرده است جلب می نماید زیرا در این قسمت انجیل نشانه های شگفت آور و درک ناشدنی خیلی زیاد شده است. هرگاه فرض کنیم منبع این دو روایت که در اینجا خلاصه شده فقط یک واقعه بوده است باید قبول کرد که مرقس خود خود را آزاد و مجاز دانسته که سخنان عیسی را به نوعی با آموزشهای مذهبی منطبق سازد، به همان گونه که تصور می رود گفتار واحدی از عیسی به صورتهای مختلفی در انجیل آمده است.

d- ر.ک ۷:۳۲. i. پس از سرزنشهایی که به شاگردان خطاب شده (آیات ۱۴-۲۱) و پیش از آنکه نخستین بار ایمان خود را بیان کنند (آیات ۲۷-۳۰) شفای مردی نابینا به دشواری و تدریجی انجام می شود و به نظر مرقس این واقعه قدرت روشنی بخش و کوششهای عیسی را برای باز کردن چشمان دلشاگردانش نشان می دهد. شفای نابینای دیگری در پایان آموزش او راجع به رسالتش در ۱۰:۴۶-۵۲ روی خواهد داد.

e- ترجمه های دیگری: «با بلند کردن چشمان خود»، «با باز یافتن بینایی خود».

عیسی رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می کند

(متی ۱۶: ۲۱-۲۳؛ لوقا ۹: ۲۲)

^{۳۱} و به آموزش ایشان پرداخت که پسر انسان^k باید زیاد رنج بکشد و بوسیله مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان^l طرد شده و کشته شود و پس از سه روز از مرگ برخیزد^m. ^{۳۲} و این چیزها را با صراحت می گفت و پطرس او را به کناری کشیده شروع به نهیب زدن او نمودⁿ. ^{۳۳} او روی برگردانده شاگردان خود را دید و پطرس را نهیب زد و گفت: «برو عقب من، ای شیطان^o! زیرا اندیشه هایت از خدا نیست بلکه از انسان است.»

پطرس، عیسی را مسیح می داند (متی ۱۶: ۱۳-۲۰؛ لوقا ۹: ۱۸-۲۱)

^{۲۷} و عیسی و همچنین شاگردانش^f به سوی روستاهای قیصریه فیلیپس^g بیرون شدند و در راه از شاگردان خود پرسیده به ایشان می گفت: «به گفته مردم من که هستم؟» ^{۲۸} به او گفتند: «یحیی تعمید دهنده، برای دیگران الیاس، برای دیگران تو یکی از پیامبران هستی.» ^{۲۹} و از ایشان می پرسید: «ولی برای شما من که هستم؟» پطرس شروع به سخن کرده به او گفت: «تو مسیح هستی^h» ^{۳۰} و آنان را نهیب زد از وی به کسی چیزی نگویندⁱ.

f- این روایت (آیات ۲۷-۳۰) که از آیات ۱۴: ۶-۱۶ آمده شده است (به توضیحات مراجعه شود) نشان می دهد چگونه شاگردان عیسی که ایمانشان به وسیله پطرس بیان شده به سؤالی که درباره فعالیت عیسی مطرح گردیده است از پاسخهای نارضا فراتر می روند بدین معنی که او نیامده تا آمدن کس دیگری را آماده سازد بلکه نجات دهنده قطعی و حتمی است.

g- ر. ک مت ۱۶: ۱۳. Z.

h- منظور مسیح موعودی است که پیامبران و از جمله یحیی تعمید دهنده اعلام نموده و راه او را آماده می کردند. در هنگامی که مرقس انجیل را می نوشت این عنوان بیانگر ایمان کلیسا به عیسی بود، ر. ک b. ۱: ۱.

i- بنظر مرقس واکنش عیسی در این مورد به هیچ وجه به معنی رد کردن عنوان «مسیح» نیست چنانکه در ۱۴: ۶۲ آن را می پذیرد. بلکه در مورد این عنوان دستور سکوت داده شده است به همان گونه که در مورد عنوان «پسر خدا» و عناوین دیگری که در بیان ایمان کلیسا وجود دارد (ر. ک ۱: ۳۴ p: ۷۴۴: ۱، X، W). به نظر مرقس تا وقتی که رسالت عیسی با مرگ و رستاخیز او به کمال نرسیده موقع اعلام این عناوین نرسیده است ر. ک ۴: ۲۲ W: ۹: ۹. برای اینکه اصرار مرقس را در مورد «سر عیسی» درک کنیم باید دانست عناوینی که یهودیان برای مسیح موعود بکار می بردند دو پهلوی بوده و برای توصیف رسالت عیسی نارضا بودند. ضمناً بایستی پیشرفت ایمان کلیسای اولیه را در نظر داشته و نیز توجه خاص مرقس به بازخوانی زندگی زمینی عیسی در نور مکاشفه رستاخیز وی را در نظر داشت.

j- از این پس آموزش عیسی معطوف به آن است که چگونه باید رسالت خود را انجام دهد (آیات ۳۱-۳۳: ۹: ۳۰-۳۲: ۱۰: ۳۴). این آموزش که فقط به شاگردان داده می شود تا آیه ۴۵: ۱۰ ادامه داشته و شکلی یکپارچه به این قسمت کتاب داده است. عیسی با این آموزش، مرحله دوم مکاشفه خود را به صورت روشن بیان می کند (آیه ۳۲) در صورتی که قبلاً با مثل ها و نشانه ها انجام می گردید.

k- ر. ک مت ۲۰: ۸. W.

l- منظور اعضای سانهدرین است که مجمعی متشکل از ۷۱ نفر بوده و بر قوم یهود حکومت می کرد. این مجمع از نمایندگان طبقه اشراف غیرمذهبی (مشایخ)، نمایندگان خانواده های بزرگ مذهبی (کاهنان اعظم) که از بین آنها کاهن اعظم انتخاب می شد و بالاخره کاتبان یا مفسران تورات (که غالباً فریسیان بودند) تشکیل می گردید. ضمناً کسی که شاغل مقام کاهن اعظم بود ریاست سانهدرین را بر عهده داشت (قیافا).

m- این عبارت نمونه خاص مرقس است (ر. ک ۱۰: ۳۴) و بیانگر سومین روز پس از اظهار آن سخن است، ر. ک مت ۲۱: ۱۶. j.

n- واکنش پطرس به خوبی نشان می دهد که به دشواری می توان عنوان مسیح (پسر داود پادشاه) را با منظره رنجها و صلیب عیسی ارتباط داد. شاید همین نکته سبب شده است که در انجیل مرقس این عنوان (و عنوانهای «قدوس» و «پسر خدا») پیش از قسمت مربوط به رنجها و مصائب عیسی کنار گذاشته شود.

o- وقتی که پطرس با موضوع رنجها و مصائب عیسی مخالفت می نماید نقش شیطان را بر عهده می گیرد که سعی دارد عیسی را از اطاعت خدا منحرف سازد. بنابراین جای خود را به عنوان شاگرد از دست می دهد و بایستی «پشت سر» عیسی راه برود (ر. ک ۱۷: ۱، ۲۰، ۳۴: ۸).

گناهکار شرمنده باشد، پسر انسان نیز
هنگامی که در شکوه پدر با فرشتگان
مقدس بیاید از او شرمنده خواهد بود.»

۹ و به ایشان می گفت: «آمین به
شما می گویم، در اینجا کسانی
حاضرند^۱ که پیش از دیدن فرمانروائی خدا ۳۰:۱۳
که با قدرت می آید^۲ مرگ را نخواهند
چشید.»

تجلی عیسی
(متی ۱۷:۱-۹؛ لوقا ۹:۲۸-۳۶؛
ر. ک ۲-۱۷:۱۸)
۲ و بعد از شش روز^۳ عیسی، پطرس و
یعقوب و یوحنا را با خود برداشت و ایشان

چگونه باید عیسی را پیروی کرد
(متی ۲۴:۱۶-۲۸؛ لوقا ۹:۲۳-۲۷)

۳۴ و جمعیت^p را با شاگردان نزد خود
فراخوانده به آنان گفت: «اگر کسی
بخواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار
کند و صلیب خود^۴ را گرفته مرا دنبال کند.
۳۵ زیرا کسی که می خواهد جان^r خود را
نجات دهد آن را از دست خواهد داد اما
کسی که جان خود را بخاطر من و انجیل^s از
دست دهد، آن را نجات خواهد داد. ۳۶ به
راستی چه فایده ای برای انسان هست که
همه جهان را به دست آورد و زندگی خود را
تباه سازد؟ ۳۷ به راستی انسان به عوض
جان خود چه می تواند بدهد؟ ۳۸ زیرا کسی
مت ۳۸:۱۰؛ لو ۲۷:۱۴ که از من و سخنان من در این نسل زناکار و

p- هر بار که موضوع رنجها اعلام می شود به دنبال آن سخنان عیسی می آید که برای شاگردانش پیامدهائی دارد، آیات ۳۴-۳۸؛
۳۸:۳۸-۴۱؛ ۳۵:۱۰-۴۵؛ ر. ک لو ۲۳:۷.

q- این سخن که بدین گونه بیان شده ایجاب می کند که زندگانی شاگرد واقعی بر مبنای زندگی عیسی باشد. پذیرفتن صلیب
عبارت از پیروی او در فداکاری و از خود گذشتگی است و طبق آیات ۳۵-۳۷ به معنای به خطر انداختن زندگی به خاطر
عیسی و انجیل است.

r- ر. ک مت ۲۸:۱۰.

s- «و انجیل»: این عبارت در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد ولی ر. ک ۲۹:۱۰ به عقیده مرقس اعمال عیسی با موعظه و
بشارت انجیل ادامه می یابد (ر. ک ۱:۱ a) و این امر ممکن است موجب شود که شاگرد عیسی زندگی خود را فدا نماید چنان
که رسالت عیسی او را به صلیب کشانید.

t- تحت اللفظی: «به عنوان فدی جان خود» و در اینجا به معنی باز یافتن زندگانی از دست رفته می باشد (ر. ک مز ۴۹:۸-۹).
u- عیسی با جمعیت سخن می گوید و در میان اینها تنها کسانی که فقط آنان به عیسی به عنوان مسیح موعود ایمان آورده و در ظهور
او بعد از رستاخیزش حضور دارند، افتتاح ملکوت خدا را خواهند دید.

v- عبارت «با قدرت» که در این آیه آمده ظهور پیروزمندانه فرمانروائی خدا را در برابر ابهام آغاز آن قرار می دهد. این قدرت از
هنگام رستاخیز مسیح به وی داده شده است (ر. ک روم ۱:۴ i). این سخن عیسی به صورتهای مختلفی روایت شده است،
ر. ک مت ۲۸:۱۶؛ لو ۲۹:۷ d. کلماتی که در اینجا یکبار رفته بیان می کند که از نسل معاصر عیسی و شاگردانش چند نفر از
آنان استقرار فرمانروائی خدا را خواهند دید و احتمالاً در هنگام آمدن پرجلال مسیح می باشد. این سخن که با بیان معمولی
پیامبرانه و مکاشفه ای گفته شده مراحل مختلفی را که در آینده پدیدار خواهد شد مشخص نمی نماید و منظور آنی این سخنان
شنوندگانی هستند که دعوت شده اند تا دیر نشده توبه نمایند (ر. ک ۳۸:۸). ضمناً با اینکه شامل اظهاراتی است که ظاهراً
به تحقق نرسیدند همان طور که می توانستند منتظر آن باشند. با این همه صحت، این روایت قابل توجه می باشد. تفسیرهای
مختلفی درباره عبارت «آمدن فرمانروائی» پیشنهاد شده است (صرف تصرف اورشلیم، پدیدار شدنهای مسیح قیام کرده،
تجلی مسیح) ولی هیچ یک از این تفسیرها مورد قبول عمومی قرار نگرفته است.

w- در انجیل این گونه دقت از نظر تعیین زمان ارزشی ندارد ولی ممکن است این نکته جزئی اشاره به برگزاری جشن خیمه های
یهودیان باشد که شادی برای توده مردم بوده است. این جشن شش روز پس از روز بزرگ کفاره آغاز می شد و هفت روز ادامه
داشت (لاو ۲۳:۳۴-۳۶). بنابراین بر طبق روایاتی که قبل از نگارش انجیل وجود داشته ممکن است این واقعه در نخستین
روز جشن روی داده که عیسی به دور از دیگران و با نزدیکان خود جشن را برگزار کرده یا اینکه در روز آخر جشن شادمانی
بزرگ برگزار می شد. درباره این واقعه ر. ک مت ۱۷:۱۱ s.

ابر در رسید: «این است پسر من، آن ۲- پطرا: ۱۷: محبوب. به او گوش فرادهید! f»^۸ و ناگهان گرداگرد خود نگریسته هیچ کس را دیگر ندیدند جز عیسی را تنها با خود. ۹ و هنگامی که از کوه پائین می آمدند، به ایشان سفارش کرد که آنچه را دیده بودند به هیچ کس بازگو نکنند مگر زمانی که پسر انسان از میان مردگان برخاسته باشد. g ۱۰ و ایشان این سخن را نگاه داشتند در حالی که بین خود پرس و جو می کردند که «از میان مردگان برخاستن h» چه معنی دارد؟

را تنها، جدا بر فراز کوهی x بلند برد و در نظر ایشان تجلی یافت، ۳ و رختهای وی درخشان گردید، بی نهایت سفید، طوری که گازی بر روی زمین نمی تواند آن چنان سفید گرداند. ۴ و الیاس z بر ایشان ظاهر گردید همراه با موسی و با عیسی گفتگو می کردند. ۵ و پطرس شروع به سخن کرده به عیسی گفت: «ربی a خوب است که اینجا باشیم b، پس سه خیمه c بر پا کنیم، یکی برای تو و یکی برای موسی و یکی برای الیاس.» ۶ در واقع نمی دانست چه جوابی بدهد d زیرا ترسیده بودند. ۷ و ابری رسیده ایشان را زیر سایه خود گرفت e و صدائی از

x- ر. ک مت ۱: ۱۷. t

y- تحت اللفظی «تغییر شکل یافت». در جاهای دیگر فعلی که در اینجا بکار رفته به مفهوم تغییر شکل روحانی است (روم ۱۲: ۲؛ ۱۸: ۳) و در اینجا تغییر شکل مشهود می باشد. متی و لوقا ذکر کرده اند چهره او نیز تغییر یافت و در سه انجیل نظیر آمده است که مشاهده کردند لباسهای او تغییر یافته است. «گازر» یعنی کسی که با لباسها را می شوید. این لباسهای نورانی و درخشان در کتابهای مکاشفه یهودیان نشانه های جلال آسمانی هستند که به مقدسان عطا می شود و به مانند فرشتگان می شوند (ر. ک مت ۲۸: ۳؛ مکا ۳: ۴، ۴: ۴). مفهوم این صحنه مرموز را فقط با توجه به رستاخیز پرجلال مسیح می تواند درک کرد بنابراین انجیل مرقس در این مورد پیشی گرفته است.

z- ر. ک مت ۳: ۱۷. ترتیب ذکر نامهای الیاس و موسی در انجیلهای متی و لوقا برعکس می باشد (موسی و الیاس).

a- در آن دوران عنوان «ربی» را که به معنی «خداوند من» است به علمای شریعت یهود و اشخاص مهم دیگر خطاب می کردند. این عنوان که به عیسی خطاب شده (۲۱: ۱۱، ۲۴: ۴۴-۴۵؛ ر. ک ۵۱: ۱۰) در انجیل یوحنا «استاد» (به یونانی didascale) ترجمه شده است (یو: ۳۸). پس از پایان قرن اول میلادی این کلمه دیگر در مورد خطاب بکار نرفته و فقط به معنی عالم تورات باقی مانده است.

b- ر. ک لو ۳۳: ۹. n

c- ر. ک مت ۴: ۱۷. x

d- همین عبارت در مر ۴۰: ۱۴.

e- ر. ک لو ۳۴: ۹. p

f- این اعلام نسبت پدر فرزندی از جانب پدر، اعلام دیگری را به یاد می آورد که در هنگام تعمید عیسی اظهار شده بود، ر. ک مت ۵: ۱۷. z

g- ر. ک مت ۱۷: ۹. a این دستور که در مورد «رازداری» داده شده دستورات مشابه دیگری را به یاد می آورد (مر ۳۴: ۱؛ ۴۴: ۱؛ ۴۳: ۵، ۳۶: ۷، ۳۰: ۸). مرقس که تصریح می کند افشای این سر فقط پس از رستاخیز عیسی مقدور خواهد بود می خواهد بگوید مفهوم این واقعه را نمی توان درک کرد مگر پس از اینکه جلال عیسی با برخاستن از مرگ آشکار گردد. ضمناً مرقس آنچه را موجب اشتغال خاطر جامعه مسیحیان بود منعکس می سازد یعنی اینکه چگونه پس از چنین تجلی ای، عیسی در زمان حیات خود به عنوان مسیح موعود شناخته نشد.

h- کلمات آخر این آیه تکرار اعلام قبلی است. در مر ۲۳: ۹ نیز ترکیب جملات به همین گونه است و «اگر می توانی» تکرار می شود. صورت دیگری از این جمله: «این چیست؟ وقتی از میان مردگان برخیزد». اصولاً آنچه موجب شگفتی شاگردان می شود تصور یا عمل رستاخیز نیست (بسیاری از یهودیان به این امر معتقد بودند) بلکه عیسی به گونه ای از آن سخن گفته که گویا در آینده نزدیک خواهد بود، در صورتی که در پایان روزگار انتظار آن را داشتند. به علاوه تصور اینکه پسر انسان با جلال باید از مرگ و رستاخیز بگذرد شگفت آور بود.

گفتگو درباره الیاس

(متی ۱۷: ۱۰-۱۳)

^{۱۱} و ایشان از وی پرسیده می گفتند:
 «چرا کاتبان می گویند که اول^۱، الیاس باید
 بیاید؟» ^{۱۲} به آنان گفت: «در واقع الیاس
 قبلاً آمده همه چیز را به حالت اول برخواهد
 گرداند. ^{۱۳} پس چگونه درباره پسر انسان
 نوشته شده است که باید زیاد رنج بکشد و
 منفور گردد؟ ^{۱۴} اما من به شما می گویم که
 هم الیاس آمده و هم هر چه خواستند با او
 کردند، برابر آنچه در باره او نوشته شده
 است.^۱»

شفای کودک دیورده

(متی ۱۷: ۱۴-۲۱؛ لوقا ۹: ۳۷-۴۳)

^{۱۴} و به نزد شاگردان آمده، جمعیت
 کثیری در اطراف ایشان دیدند و نیز کاتبان

که با ایشان پرس و جو می کردند. ^{۱۵} و
 همان دم، همه جمعیت، با دیدن وی متحیر
 شدند و دویده به او سلام می دادند. ^{۱۶} و
 از آنان پرسید: «درباره چه چیزی با ایشان
 پرس و جو می کنید؟» ^{۱۷} و کسی از میان
 جمعیت به او پاسخ داد: «ای استاد، پسر
 را به نزدت آورده ام که روحی لال دارد^m،
^{۱۸} و هر جا او را بگیرد او را پاره می کند و
 کف بر دهان می آورد و دندان ها را بر هم
 می فشارد و مثل چوب خشک می شود و به
 شاگردانت گفته ام او را برانند و ایشان
 نتوانستندⁿ.» ^{۱۹} و او در پاسخ به آنان
 گفت: «ای نسل بی ایمان تا به کی نزد شما
 باشم؟ تا به کی شما را تحمل کنم؟^o... او
 را نزد من آورید.» ^{۲۰} و او را نزد وی
 آوردند و روح چون او را دید، همان دم
 [کودک] را با خشونت بسیار تکان داد و

i- با استناد به ملا ۲۳:۳ می گفتند که «اول» الیاس خواهد آمد و در بسیاری از نوشته های ربیون یهود به این موضوع اشاره شده است. جامعه مذهبی قمران در انتظار آمدن یک پیامبر و چند مسیح موعود از نسل هارون و از میان اسرائیل بودند (مقررات قمران ۱۱:۱۱).

j- فعلی که در اینجا «به حالت اول برگرداندن» ترجمه شده همان فعل ملا ۲۴:۳ یونانی است که برای برگردان جمله عبری: قلب پدران را بسوی پسران «باز خواهد گرداند» بکار رفته است (ر. ک بنسی ۱۰:۴۸) بنابراین پیشگام مسیح بایستی در راه صلح و آشتی عمومی کار کند. عیسی این نظریه را رد نمی کند، با این همه به نظر او با رنجهای مسیح موعود که پس از الیاس می آید تناقض دارد. وانگهی الیاس هم اکنون در شخص یحیی تعمید دهنده آمده است (آیه ۱۳) (مت ۱۴:۱۱؛ ر. ک بالعکس یو ۲۱:۱). و بدون اینکه به هیچ وجه بتواند رسالت خود را در راه آشتی دادن انجام دهد خودش دچار رنج و مصیبت شده است.

k- این عبارت مختص مرقس است و در نوشته های مقدس چیز دیگری درباره رنجهای پسر انسان نمی توان یافت. شاید اشاره به رنجهای «خادمی» باشد که در اش ۵۲:۱۴؛ ۵۳:۴-۱۰ ذکر گردیده است ولی آن خادم عنوان پسر انسان را ندارد.

l- در اینجا نیز که به نوشته های مقدس رجوع شده مختص به مرقس است و نظریه ای که بر طبق آن الیاس پیشگام بایستی رنجهایی متحمل گردد در عهد عتیق وجود ندارد چنانکه در ادبیات یهود نیز به صراحت ذکر نشده است. آنچه در اینجا بایستی مورد توجه قرار گیرد بیش از اشاره احتمالی به رنجهای الیاس در دوران حیات خود، نظریه بدیع و بی سابقه مرقس می باشد. بنظر او شباهت زیادی بین الیاس و پسر انسان وجود دارد بدین معنی که هر دو بایستی گرفتار رنج شوند و سرنوشت یحیی تعمید دهنده (ر. ک ۶:۱۷-۲۹) پیش نمودی از سرنوشت مسیح است و این موضوع به اندازه ای در نظر مرقس حائز اهمیت است که موجب مراجعه به شهادت نوشته های مقدس می شود.

m- این بیماری در آیه ۲۵ نیز ذکر گردیده بدون اینکه بتوان ارتباط آن را با بیماری که در آیات ۲۲-۲۶ تشریح شده است تشخیص داد. در این قسمت انجیل ملاحظه می شود که مت (۲۲:۱۲) شفای مردی نابینا و لال را روایت کرده و لوقا (۱۴:۱۱) شفای مردی لال را ذکر نموده است در صورتی که مرقس آن دو را ذکر نکرده است. ضمناً صحنه وقایعی که مشروحاً در آیات ۲۱-۲۶ آمده است مختص به انجیل مرقس می باشد.

n- شاید اشاره به مر ۳:۲۷ (مرد نیرومند) می باشد.

o- ر. ک مت ۱۷:۱۷. c

دومین خبر از رنج و مرگ و رستاخیز عیسی

(متی ۱۷: ۲۲-۲۳؛ لوقا ۹: ۴۳-۴۵)

^{۳۰} و از آنجا بیرون آمده از جلیل عبور می کردند و او نمی خواست که این را بدانند. ^{۳۱} زیرا به شاگردان خود آموزش می داد و به ایشان می گفت: «پسرانسان به دست انسانها تسلیم خواهد شد و او را خواهند کشت و چون کشته شود، سه روز بعد رستاخیز خواهد کرد.» ^{۳۲} اما این سخنان را درک نمی کردند و می ترسیدند از او سؤال کنند.

چه کسی بزرگتر است؟

(متی ۱۸: ۱-۵؛ لوقا ۹: ۴۶-۴۸)

^{۳۳} و به کفرناحوم آمدند و چون وارد منزل شد، از آنان می پرسید: «در راه درباره چه استدلال می کردید؟» ^{۳۴} ایشان سکوت می کردند زیرا در راه بین خود گفتگو کرده بودند که چه کسی بزرگتر ^{لوقا ۲۴: ۲۲} است. ^{۳۵} و نشسته، آن دوازده را فراخواند و به ایشان گفت: «اگر کسی می خواهد نخستین باشد، بایستی آخرین همه و خادم ^{متی ۲۶: ۲۰} همه باشد.» ^{۳۶} و کودکی را گرفته در میان ایشان قرار داد و او را در آغوش کشیده به ایشان گفت: ^{۳۷} «هر که به نام من یکی از این کودکان را بپذیرد^t، مرا می پذیرد و هر ^{متی ۴۰: ۱۰؛ لوقا ۱۰: ۱۶؛ یوحنا ۱۳: ۲۰}

او بر زمین افتاد و در حالی که کف بر دهان آورده بود می غلطید. ^{۳۱} و [عیسی] از پدر او پرسید: «چند وقت است که این چنین به او می رسد؟» او گفت: «از کودکی» ^{۳۲} و اغلب او را در آتش یا در آب افکنده تا او را از بین ببرد. ^p ولی تو اگر می توانی، بر ما ترحم نموده به کمک ما بشتاب!» ^{۳۳} عیسی به او گفت: «آه! اگر می توانی! ... برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است.» ^{۳۴} همان دم، پدر کودک فریاد کشیده می گفت: «ایمان دارم. ^{لوقا ۱۷: ۵} بی ایمانی مرا امداد نما.» ^{۳۵} چون دید که

جمعیت به پیش می دود، عیسی، روح ناپاک را نهیب زده به او گفت: «ای روح کر و لال، من هستم که به تو فرمان می دهم از این [کودک] بیرون شو و دیگر به درون او وارد نشو!» ^{۳۶} و او با فریاد کردن و تکان دادن [کودک] با خشونت بسیار بیرون شد و [کودک] چون مرده گردید به طوری که اغلب می گفتند: «مرده است!» ^{۳۷} عیسی دست او را گرفته او را قائم گردانید و او برخاست. ^{۳۸} و چون به خانه خویش وارد شد، شاگردانش جدا از او می پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم او را برانیم؟» ^{۳۹} و به ایشان گفت: «این نوع خارج نمی شود مگر به دعا.» ^s

p- ر. ک مت ۱۵: ۱۷ d.

q- قدرت ایمان دار همان اقتدار خدا است که آن را توسط ایمان می پذیرد (ر. ک ۳۶: ۵؛ ۲۷: ۱۰؛ ۲۴: ۱۱ z).

r- دو فعلی که در اینجا آمده و «قائم گردانید» (egerein) و «برخاست» (anistanai) ترجمه شده در جاهای دیگر در مورد رستاخیز بکار برده می شود (ر. ک ۴۱: ۵ j). مرقس با این گونه طرز بیان به احتمال قوی می خواهد بین وقایعی که روایت شده و رستاخیز عیسی رابطه ای برقرار سازد. بدین گونه مفهوم رستاخیز در سرتاسر انجیل زمینه سازی می شود (ر. ک ۳۱: ۱، ۳۱: ۸، ۲: ۹، ۷، ۹-۱۰، ۱۰: ۳۴).

s- صورت دیگری از این عبارت: «مگر به دعا و روزه» (ر. ک مت ۲۱: ۱۷ g).

t- ر. ک مت ۱۸: ۳ m.

هشدار

(متی ۱۸: ۶-۱۱؛ لوقا ۱۷: ۱-۲)

^{۴۲} و هر کس یکی از این کوچکان را که ایمان دارند لغزش دهد^x، برای او بهتر می بود که سنگ آسیابی^y به گردنش بسته به دریا افکنده شود.^{۴۳} و اگر دست تو را می لغزاند، آن را قطع کن، بهتر است که ناقص به زندگی وارد شوی^z تا اینکه با دو دست در جهنم به آتشی که خاموشی ندارد بروی.^{۴۴} [a...] و اگر پایت است که تو را می لغزاند، آن را قطع کن، بهتر است که لنگ به زندگی وارد شوی تا اینکه با دو پا به جهنم افکنده شوی.^{۴۶} [a...] و اگر چشمت است که تو را می لغزاند، چشمت را درآور، بهتر است که تنها با یک چشم به ملکوت خدا وارد شوی تا اینکه با دو چشم خود به جهنم افکنده شوی،^{۴۸} در جایی که کرم نمی میرد^b و آتش خاموش نمی شود.^{۴۹} چرا که هر کس به آتش نمکین گردد^c.^{۵۰} نمک چیز خوبی است،

که مرا بپذیرد مرا نپذیرفته بلکه آن کس که مرا فرستاده است.»

هر که علیه ما نیست با ماست

(لوقا ۹: ۴۹-۵۰)

^{۳۸} یوحنا به او گفت: «ای استاد، کسی را دیده ایم که به دنبال ما نمی آمد. او داشت دیو را به نام تو می راند و می خواستیم مانع او شویم^u زیرا به دنبال ما نمی آمد.»^{۳۹} عیسی گفت: «مانع او نشوید زیرا کسی نیست که معجزه ای به نام من بکند و بتواند فوراً درباره من بدگوئی نماید؛^{۴۰} زیرا کسی که علیه ما نیست با ماست. آری، هر که به خاطر اینکه شما از آن مسیح هستید جام آبی برای نوشیدن به شما بدهد^w. آمین به شما می گویم که او اجرش را از دست نخواهد داد.

مت ۱۲: ۳۰؛
لوقا ۱۱: ۲۳

u- در آن زمان یهودیان نیز با دعا دیوها را اخراج می کردند هر چند به اسم عیسی نبود.

v- به طوری که لوقا تصریح کرده یعنی اینکه جزو شاگردان نبوده است.

w- مت ۱۰: ۴۲ همین نکته را با اصطلاح دیگری بیان کرده است.

x- ر.ک مت ۵: ۲۹. «کوچکانی که ایمان دارند» یعنی افتادگان و ساده دلان جمعیت مسیحی (ر.ک ۱-قرن ۸: ۱۰-۱۲؛ ۲۲: ۹؛ روم ۱۴: ۲).

y- تحت اللفظی: «سنگ آسیاب الاغ» یعنی سنگ آسیاب بزرگی که الاغی آن را می گرداند، در برابر سنگ آسیابی که می توان با دست چرخاند.

z- منظور از «زندگی» در اینجا زندگانی جاودان است.

a- «در جایی که کرم نمی میرد و جایی که آتش خاموش نمی شود» این کلمات که در بعضی متون خطی نامطمئن می باشند در چاپهای بررسی شده منظور نمی گردد و احتمالاً تکرار مثالهای مختلف (دست، پا و چشم) موجب تکرار این عبارت شده است و فقط در آیه ۴۸ تأیید شده است.

b- تحت اللفظی: «کرمهایشان» که نقل قول آزاد از اش ۲۴: ۶۶ است.

c- گاهی «برای آتش» یا «به وسیله آتش» ترجمه می کنند. در نسخه های دیگری: «و هر قربانی به نمک نمکین خواهد شد». این گفتار فقط در انجیل مرقس آمده و درک آن دشوار است. می دانیم یکی از عادات اهالی فلسطین این است که در تنورهای خود برای تسریع عمل آتش نمک می ریزند ولی نمک پس از چند سال که خواص شیمیایی خود را از دست داد آن را بدور می ریزند زیرا «بی نمک» شده است (آیه ۵۰). بعضی از مفسران با توجه به این نکته آیه ۴۹ را توضیح داده اند بدین معنی که «هر کس باید به مانند نمک برای آتش باشد» ولی در متون مختلفه انجیلیهای نظیر که سخن درباره نمک است آن را نشانه

اما اگر نمک، بی نمک گردد، آن را با چه چیزی چاشنی خواهید زد؟^d در خود نمک داشته باشید و با یکدیگر در آرامش بسر برید.^e

ازدواج و طلاق

(متی ۱۹:۱-۹؛ لوقا ۱۶:۱۸)

۱۰^۱ و از آنجا رفته، به نواحی یهودیه و ماوراء اردن^f می آید. و باز جماعتی به سوی او به راه می افتند و همان گونه که عادت او می بود باز به آنان آموزش می داد. ^۲ و فریسیان پیش آمده از او می پرسیدند آیا جایز است مردی زنش را طلاق دهد: این برای تجربه نمودن او می بود.^g ^۳ در پاسخ به آنان گفت: «موسی چه فرمانی به شما داده است؟» گفتند: «موسی اجازه

داده که طلاق نامه نوشته و طلاق دهند.^h ^۵ عیسی به آنان گفت: «به خاطر سنگدلیⁱ شما است که این فرمان را برایتان نوشته، ^۶ اما از همان آغاز آفرینش آنان را نر و ماده آفرید؛^j برای همین است که مرد پدر و مادرش را ترک خواهد کرد^k و هر دو یک تن خواهند شد^۱، به طوری که دیگر دو نیستند بلکه یک تن^m. ^۹ پس آنچه خدا پیوند داده، انسان آن را جدا نکند.» ^{۱۰} و چون به خانه رسیدند دوباره شاگردان درباره آن از او سؤال می کردند. ^{۱۱} و به ایشان گفت: «هر که زنش را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، نسبت به او^۱ مرتکب زنا شده است؛ ^{۱۲} و اگر آن [زن] پس از طلاق دادن شوهرش، با دیگری ازدواج نماید، مرتکب زنا می شود.»

مت ۲۳:۵؛
لوقا ۱۶:۱۸؛
قرن ۱۰:۷-۱۱

از خود گذشتگی شمرده اند که بدون آن شاگرد نمی تواند شاگرد واقعی باشد چنانکه در آیات ۴۲-۴۸ به روشنی نشان داده شده است. هرگاه آتش تصویری از تجربه، شکنجه یا آتش جاودانی باشد (آیه ۴۸). در این صورت چنین درک می شود: «هر کسی باید فداکاری را بپذیرد تا بتواند از تجربه بگذرد».

d- ر.ک مت ۱۳:۵.

e- این گفتار هم نظیر آیه ۴۹ فقط در انجیل مرقس آمده است. بنظر بعضی از مفسران «نمک داشتن» به مفهوم در آرامش زندگی کردن است ولی در این صورت نشانه ای که نمک علامت آن است وجود ندارد. بهتر است معنی این جمله را چنین درک کنیم: «در خودتات روح فداکاری داشته باشید» (در برابر دنیا و مردم) و «در آرامش باشید» (بین خودتان). ضمناً ملاحظه می شود که در پایان این قسمت موضوعی که مطرح گردیده و انگیزه اظهار این مطالب بوده است یعنی ادعاهای رسولان بر اینکه مقام اول را حائز باشند به نتیجه رسیده است.

f- منطقه پره که در فلسطین در مشرق نهر اردن قرار دارد.

g- ر.ک مر ۸:۱۱؛ ۱۲:۱۳-۱۵.

h- تث ۲۴:۱. مشاهده می شود که فریسیان از اجازه سخن می گویند (آیات ۲، ۴) در صورتی که عیسی از آنان می پرسد آیا فرمانی وجود دارد که مسلماً فریسیان برای یافتن چنین فرمانی در قوانین یهود دچار اشکال می شوند. در مت ۷:۹-۹ برعکس فریسیان از فرمان موسی سخن می گویند و عیسی به آنان پاسخ می دهد که اجازه ای بیش نیست. عیسی سخنی را که اجازه طلاق می دهد با سخنی که مبنای ازدواج است پاسخ می دهد زیرا معافیت، قانون مبنای را لغو نمی نماید.

i- این سنگدلی به علت عدم حساسیت نیست بلکه به سبب عدم ادراک اراده خدا است.

j- پید ۱:۲۷.

k- در بعضی نسخ خطی عبارت «و به زنش خواهد پیوست» اضافه شده است.

l- پید ۲:۲۴.

m- یعنی: «تنها یک موجود» (ر.ک روم ۳:۱ g).

عیسی و کودکان

(متی ۱۹: ۱۳-۱۵؛ لوقا ۱۸: ۱۵-۱۷)

۱۳ و کودکانⁿ را نزد او می‌آوردند تا آنان را لمس کند و شاگردان ایشان را نهیب زدند.^o عیسی [این را] دیده برآشفته و به ایشان گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند، آنان را مانع نشوید، زیرا ملکوت خدا به مانند اینان تعلق دارد. ۱۵ آمین به شما می‌گویم: هر کس ملکوت خدا را چون کودک^p نپذیرد داخل آن نخواهد شد.» ۱۶ و با درآغوش کشیدن و نهادن دست بر آنان، ایشان را برکت می‌داد.^q

دعوت شخص ثروتمند

(متی ۱۹: ۱۶-۳۰؛ لوقا ۱۸: ۱۸-۳۰)

۱۷ و چون به راه می‌افتاد کسی با شتاب آمد و زانو زده از او می‌پرسید: «ای استاد نیکو چه باید بکنم تا وارث زندگانی جاودان شوم؟» ۱۸ عیسی به او گفت: «چرا مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ کس نیکو نیست مگر تنها خدا. ۱۹ تو فرمان‌ها را می‌دانی:

n- ر. ک مت ۳: ۱۸

o- در بعضی از نسخه‌های دست‌نوشته اضافه و تصریح شده است: «کسانی که آنان را می‌آوردند» که البته معنی همین است.

p- «چون کودکی» ممکن است مربوط به فاعل این جمله (هر کس) باشد و یا به مفعول صریح (ملکوت خدا) نسبت داده شود. یا باید مثل کودک شود که ملکوت را بپذیرد یا باید ملکوت را پذیرا شود همان‌طور که کودک را می‌پذیرد، ولی با توجه به کلمات (به مانند اینان) که در آیه ۱۴ آمده معلوم است مرقس معنی اولی را در نظر داشته یعنی بایستی «چون کودک» بود. در مت ۳: ۱۸ نیز به همین معنی تصریح گردیده در صورتی که در لو ۱۸: ۱۷ عبارت به صورت انجیل مرقس حفظ شده است. کودکان و کسانی که به مانند کودکان هستند در وضعیت وابستگی کامل قرار دارند و در حقیقت در جامعه آن دوران وضع کودکان چنین بوده است. ضمناً کودکان مظهر بی‌گناهی نبوده بلکه نمونه فرمانبرداری و آماده به خدمت بودن به شمار می‌رود و کسی که مژده ملکوت خدا را در چنین شرایطی بپذیرا می‌شود (آیه ۱۵) بی‌چون و چرا، بلافاصله در ملکوت خدا وارد می‌گردد (آیه ۱۴).

q- تنها مرقس این دعای برکت را ذکر کرده که منحصر به یک کلمه یا یک حرکت نبوده بلکه به مفهوم اعطای ملکوت می‌باشد.

r- خروج ۲۰: ۱۲-۱۶؛ تث ۵: ۱۶، ۲۰ «به هیچ کس خطا مکن» جمله‌ای اضافه برده فرمان است و در متی و لوقا وجود ندارد.

s- در بعضی نسخه‌ها چنین است: «چه دشوار است برای آنان که به ثروتها اعتماد می‌کنند».

t- ر. ک مت ۱۶: ۲۴.

قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ نده، به هیچ کس بدی مکن و به پدر و مادر احترام بگذار.^t ۲۰ آن کس به او گفت: «ای استاد همه اینها را از آغاز جوانیم با دقت مراعات کرده‌ام.» ۲۱ عیسی در او نگریسته او را محبت کرد و به او گفت: «چیزی کم داری، برو آنچه داری، بفروش و بهای آن را به درماندگان بده و گنجی در آسمان خواهی داشت و آمده به ۲۲ و او از این سخن، مکدر شده اندوهگین برفت زیرا دارائی بسیار داشت. ۲۳ و عیسی به اطراف نگریسته به شاگردان خود گفت: «آنان که

مت ۲۰: ۲۰؛
لو ۳۳: ۱۲

ثروت دارند، با چه سختی وارد ملکوت ۱۹: ۴ مر
خدا خواهند شد! ۲۴ شاگردان از این سخنان متحیر شدند، عیسی پاسخ داده به ایشان گفت: «ای فرزندان ورود به ملکوت خدا چه دشوار است! ۲۵ برای شتر آسانتر است که از سوراخ سوزن بگذرد^u تا اینکه ثروتمندی به ملکوت خدا وارد گردد!» ۲۶ ایشان بیشتر بهت زده شده، در بین خود می‌گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات

می ترسیدند و باز آن دوازده را با خود برداشته شروع به گفتن به آنان کرد که چه بر او خواهد گذشت^{۳۳} «اینک به اورشلیم فراز می آیم و پسر انسان به کاهنان اعظم و کاتبان تسلیم خواهد شد و آنان او را به مرگ محکوم کرده او را به ملت ها تسلیم خواهند کرد،^{۳۴} و او را تمسخر خواهند کرد و بر وی آب دهان خواهند انداخت و او را تازیانه خواهند زد و او را خواهند کشت و سه روز بعد رستاخیز خواهد کرد.»

درخواست یعقوب و یوحنا

(متی ۲۰: ۲۰-۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۵-۲۷)

^{۳۵} و یعقوب و یوحنا، پسران زبدی، به سوی او متوجه شده به او می گویند: «ای استاد می خواهیم آنچه را که از تو درخواست خواهیم کرد، برای ما انجام دهی.»^{۳۶} به ایشان گفت: «چه می خواهید ۱۵:۱۰

که برای شما انجام دهم؟»^{۳۷} به او گفتند: در شکوه خود به ما عطا فرما تا یکی به راست تو و دیگری به چپ تو بنشینیم.^a «عیسی به ایشان گفت: «شما نمی دانید چه می خواهید. آیا می توانید جامی^b را که من می نوشم، بنوشید یا به تعمیدی که من ۵۰:۱۲

یابد؟»^{۳۷} عیسی در آنان نگریسته گفت: «برای انسانها غیرممکن است، اما نه برای خدا، زیرا همه چیز برای خدا ممکن است.»^{۳۸} پطرس شروع به سخن گفتن به او نمود: «اینک ما همه چیز را ترک گفته و به دنبال تو آمده ایم!»^{۳۹} عیسی فرمود: «آمین به شما می گویم: هیچ کس، خانه یا برادران یا خواهران یا مادر یا پدر یا فرزندان یا کشتزارها را به خاطر من و به خاطر انجیل ترک نکرده باشد^u،^{۴۰} مگر اینکه هم اکنون در این عصر همراه با شکنجه ها^v، خانه ها، برادران و خواهران و مادران و فرزندان و کشتزارها به صد برابر در یافت نمایند و در دورانی که فرامی رسد^w زندگانی جاودان را.^{۴۱} چه بسا اولین ها که آخرین خواهند شد و آخرین ها، اولین.^x مت ۲۰: ۱۶؛ لوقا ۳۰: ۱۳

سومین خبر از رنج و مرگ و رستاخیز عیسی

(متی ۲۰: ۱۷-۱۹؛ لوقا ۱۸: ۳۱-۳۴)

^{۴۲} در راه فراز آمدن به اورشلیم بودند و عیسی پیشاپیش آنان راه می پیمود^l و ایشان متحیر بودند و آنانی که به دنبال او بودند

u- «به خاطر انجیل» نکته ای است که فقط در انجیل مرقس ذکر شده است ر.ک ۳۵: S.

v- باز هم نکته ای که خاص انجیل مرقس است یعنی به دنبال عیسی رفتن همیشه مستلزم در جفا بودن مانند «استاد» می باشد.

w- ر.ک لوقا ۱۸: ۳۰. y.

x- ر.ک مت ۱۹: ۳۰. z.

y- این نکته فقط تذکر جزئی نیست که از نظر روایی آمده باشد بلکه به نظر مرقس رفتار عیسی که با اطمینان به رسالت خود در جلو راه می رود کاملاً برخلاف تردید و ترس شاگردان است زیرا ایشان نمی دانند چه وقایعی در اورشلیم بر آنها خواهد گذشت (ر.ک یو ۱۱: ۷-۱۶).

z- ر.ک مر ۸: ۳۱-۳۲، ۳۲-۳۱: ۹ در مورد دقت این سومین اعلام ر.ک مت ۱۹: ۲۰. c. عیسی هیچ وقت به صراحت اعلام نمی کند که یهودا او را تسلیم خواهد کرد.

a- ر.ک مت ۲۰: ۲۱. e.

b- در عهد عتیق «جام» در اغلب موارد نشانه درد و رنج است (مز ۷۵: ۹؛ اش ۵۱: ۱۷-۲۲؛ ار ۲۵: ۱۵؛ حزق ۳۱: ۲۳-۳۴) ر.ک مر ۱۴: ۳۶. مرقس به تصویر «جام» تصویر «تعمید» (به معنی غوطه ور شدن) را می افزاید. زیرا رنجهایی را نشان می دهد که بطور کلی انسان گرفتار و مصیبت زده را غوطه ور می سازد و مخصوصاً در مرگ شهادت غرق می کند.

شفای بارتیمائوس کور

(متی ۲۰:۲۹-۳۴؛ لوقا ۱۸:۳۵-۴۳)

^{۴۶} و آنان به اریحا می آیند و چون او همراه با شاگردانش و جمعیت کثیری از اریحا خارج می شد بارتیمائوس، پسر تیمائوس، گدائی کور در کنار راه نشسته می بود.^{۴۷} و چون دانست که عیسی ناصری^h است، شروع به فریاد زدن و گفتن

کرد: «ای پسر داود^۱، ای عیسی، بر من رحم کن!»^{۴۸} و بسیاری او را نهیب می زدند که خاموش شود، اما برعکس او بیشتر فریاد می زد: «ای پسر داود، بر من رحم کن!»^{۴۹}

و عیسی ایستاده گفت: «او را صدا کنید» و کور را صدا کرده به او گفتند: «اعتماد! قیام کن! تو را صدا می کند!»^{۵۰}

او ردایش را انداخته برجست و به سوی عیسی آمد.^{۵۱} و عیسی خطاب به او گفت: «چه می خواهی برای انجام دهم؟» کور به وی گفت: «ربّونی^j بینائی را باز یابم.»^{۵۲}

و عیسی به او گفت: «برو، ایمانت تورا نجات داده است!» و همان دم بینائی را باز یافت و در راه به دنبال وی می آمد.

مت ۲۷:۹
مر ۳۴:۵
لو ۵۰:۷
۱۹:۱۷

ع ۲:۱۲ تعمید می یابم، تعمید بیابید؟»^{۳۹} به او گفتند: «می توانیم.» عیسی به ایشان گفت: «جامی را که من می نوشم آن را خواهید نوشید و به آن تعمیدی که من تعمید می یابم تعمید خواهید یافت.^{۴۰} اما نشستن به راست یا چپ من، اعطایش از آن من نیست: این از آن کسانی است^c که برایشان فراهم گردیده باشد.^d»^{۴۱} و با شنیدن این، آن ده تن [دیگر] شروع به برآشفتن بر یعقوب و یوحنا کردند.^{۴۲} و عیسی آنان را نزد خود فراخوانده به ایشان گفت: «می دانید کسانی که حکام ملت ها شمرده می شوند^e سلطه خود را بر آنان اعمال می کنند و نیز اینکه بزرگانشان قدرت خود را بر آنان اعمال می کنند.^{۴۳} باری در میان شما این چنین نیست، بلکه هر که می خواهد در میان شما بزرگ گردد خادم شما خواهد بود،^{۴۴} و هر که در میان شما می خواهد اولین گردد برده همه خواهد بود.^{۴۵} زیرا پسر انسان نیامده تا مخدوم شود، بلکه خدمت کند و زندگانی خود را برای بسیاری فدی دهد.^f»

۱- تیمو ۵:۶-۵ خود را برای بسیاری فدی دهد.^f»

c- ر. ک مت ۲۳:۲۰. g.

d- این فعل به صورت مجهول آمده و عمل خدا را بیان می کند. بایستی آن را به این صورت درک نماییم: «به وسیله خدا فراهم گردیده باشد» چنان که در مت ۲۳:۲۰ تصریح شده است.

e- اصطلاح «شمرده می شوند» با حالتی تمسخرآمیز به معنی «تصور می کنند» ر. ک غلا ۶:۲۱.

f- کلمه «بسیاری» معنی وسیعی دارد: عیسی به خاطر و به جای (برای) توده مردمان می میرد چنان که در اشعیا خادم خدا برای مجموعه قوم جان خود را می دهد، ر. ک اش ۵۳:۱۱-۱۲؛ مر ۲۴:۱۴.

g- برابر برخی نسخ خطی: «گدائی کور» و پسر تیمائوس ذکر نشده است.

h- «ناصری» که صورت معمولی در انجیل مرقس است، ر. ک لو ۳۷:۱۸. f.

i- پسر داود عنوان رایج مسیح موعود بوده است، ر. ک ۱۱:۱۰، ۳۵:۱۲؛ مت ۲۷:۹. j- در آیه ۴۹ اعتماد، تحت اللفظی: شجاعت

j- «ربّونی» نظیر «ربی» عنوان احترام آمیز است (ر. ک ۵:۹ a) و علاقه بیشتری را نشان می دهد. متی و لوقا این کلمه را به «خداوند» برگردانده اند.

ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم
(متی ۲۱:۱-۱۱؛ لوقا ۱۹:۲۸-۴۰؛
یوحنا ۱۲:۱۲-۱۶)

۱ و چون به اورشلیم نزدیک
می‌شوند در حدود بیت فاجی و
بیت عنیا^k نزدیک کوه زیتون دو تن از
شاگردان خود را می‌فرستد،^۲ و به ایشان
گفت: «به روستائی که در برابر شما است
بروید، همان دم با ورود به آنجا کره الاغی^۱
بسته خواهید یافت که تا کنون هیچ کس بر
آن سوار نشده است، آن را باز کنید و
بیاورید. ۳ و اگر کسی به شما گوید: چکار
دارید می‌کنید؟ بگوئید: خداوند^m آن را
لازم دارد و به زودی آن را به اینجا پس
می‌فرستد. ۴»ⁿ و ایشان رفتند و کره الاغ را
نزدیک دری، بیرون، در کوچه بسته یافتند
و آن را باز می‌کنند^۵ و برخی از کسانی که
آنجا می‌بودند به ایشان می‌گفتند: «چه
شده که کره الاغ را باز می‌کنید؟...»^۶ و
آنان آن چنان که عیسی گفته بود گفتند و
ایشان را گذاشتند که آن را انجام دهند. ۷

زک ۱۴:۴؛
مر ۱۳:۳؛
لوقا ۲۶:۱۴؛
یوحنا ۳۷:۲۱؛
اغ ۱۲:۱۲

کره الاغ را نزد عیسی می‌آورند و ردهای
خود را بر آن می‌اندازند و او بر آن سوار
شد. ۸ و بسیاری از مردم ردهای خود را بر
سر راه گسترده و دیگران شاخه‌های
پر برگ را که از کشتزارها بریده بودند^۹ و
کسانی که در پس و پیش او بودند فریاد
برمی‌آوردند: «هوشیعا! مبارک باد آن
که به نام خداوند می‌آید! ۱۰ P مبارک باد
فرمانروائی که می‌آید و از آن پدرمان داود
است! ۱۱ هوشیعا بر فراز [آسمان‌ها]! ۱۱ و
در اورشلیم به معبد وارد شد و پس از آنکه
نگاه خود را بر همه چیز گردانید^r، چون
ساعت دیر بود، با آن دوازده به سوی
بیت عنیا بیرون شد.

درخت انجیر بی ثمر (متی ۲۱:۱۸-۱۹)

۱۲ و روز بعد هنگامی که از بیت عنیا
بیرون می‌رفتند گرسنه شد. ۱۳ و چون
درخت انجیری از دور مشاهده کرد که برگ
داشت، رفت تا ببیند در آنجا چیزی خواهد

k- نام دو روستا در نزدیکی اورشلیم، ر.ک مت ۲۱:۱؛ توضیح m: لو ۱۹:۲۹؛ توضیح h و i).

l- اشاره به پیشگویی در زک ۹:۹؛ می‌باشد.

m- این متن تنها جایی است که در انجیل مرقس و انجیل متی اصطلاح «خداوند» در مورد عیسی بکار رفته است. مسیحیان اولیه عیسای قیام کرده را با این عنوان می‌نامیدند (در صورتی که در عهد عتیق این عنوان مختص خدا یا مسیح موعود - پادشاه می‌باشد. در بعضی ترجمه‌ها «خداوندش» (به معنی صاحبش) آمده است.

n- ترجمه دیگر: «و او (یعنی کسی که اعتراض می‌کند) بلافاصله آن را به اینجا می‌فرستد.»

o- ر.ک مت ۲۱:۹؛ توضیح t. ر.ک اعد ۱۹:۹: «گاو سرخ رنگ که یوغ بر گردنش نیامده باشد» یعنی هیچ وقت از آن برای کارهای معمولی استفاده نکرده باشند (ر.ک تث ۲۱:۳: ۱- سمو ۷:۶).

p- مز ۱۱۸:۲۵-۲۶.

q- «فرمانروائی» به معنی «ملکوت». این نوع هلهله که فقط در انجیل مرقس به این صورت آمده به روشنی مربوط به مسیح موعود - پادشاه می‌باشد و در مت ۲۱:۹ (هوشیعا پسر داود) و در لو ۳۸:۱۹ (مبارک باد پادشاه) آمده است. به احتمال قوی این فریادها جنبه سیاسی داشته و آنان در انتظار رهائی از سلطه رومیان بودند (ر.ک یوح ۱۵:۶؛ ۱۳:۱۲؛ اغ ۳۶-۳۷).

r- این نکته جزیی، مقدمه صحنه بیرون راندن فروشندگان را از معبد است (آیات ۱۵-۱۹). ضمناً موضوع مربوط به مجموعه مکان مقدس با میدانها و محوطه‌های اطراف آن است و نه به درون ساختمانی که مرکز معبد بوده و فقط کاهنان مجاز به ورود به آن بودند (ر.ک ۵۸:۱۴، ۲۹:۳۸).

می بودند که چگونه وی را از بین ببرند.
زیرا از او می ترسیدند، درحقیقت تمام
جمعیت از آموزش او بهت زده می بودند. ۶:۳
۱:۱۴ // ۱۹:۲۰

انجیر خشکیده: ایمان و دعا (متی ۲۱: ۱۸-۱۹)

^{۱۹} و چون دیروقت شد از شهر خارج شدند^x. ^{۲۰} و بامدادان چون عبور می کردند درخت انجیر از ریشه خشکیده را دیدند.
^{۲۱} و پطرس به یاد آورده به او گفت: «ربی بنگر، درخت انجیری را که لعنت کردی خشکیده است!» ^{۲۲} و عیسی در پاسخ به آنان گفت: «به خدا ایمان داشته باشید. ^{۲۳} آمین به شما می گویم: اگر کسی به این کوه بگوید بلند شو و خود را به دریا انداز و اگر در قلبش تردید نکند بلکه ایمان داشته باشد که آنچه می گوید انجام خواهد شد، آن را به دست خواهد آورد^y. ^{۲۴} برای همین است^z که به شما می گویم آنچه را در نیایش درخواست کنید ایمان داشته باشید

یافت، اما چون به آنجا رفت، چیزی جز برگ نیافت، زیرا فصل انجیر نبود^s. ^{۱۴} و سخن آغاز کرده به آن گفت: «دیگر هرگز کسی از میوه تو نخورد!» و شاگردان او می شنیدند.

فروشندگان رانده شده از معبد (متی ۲۱: ۱-۱۷؛ لوقا ۱۹: ۴۵-۴۸؛ یوحنا ۲: ۱۳-۱۶)

^{۱۵} و به اورشلیم می آیند و با ورود به معبد به راندن کسانی که در معبد^t خرید و فروش می کردند پرداخت و دخل صرافان و جایگاه کسانی را که کیوتر می فروختند واژگون کرد. ^{۱۶} و نمی گذاشت هیچ کس باری از میان معبد حمل کند^u. ^{۱۷} و آنان را آموزش داده به آنان می گفت: «مگر نوشته نشده است که خانه من برای همه ملت^vها خانه نیایش نامیده خواهد شد اما شما آن را غار دزدان کرده اید!» ^{۱۸} و کاهنان اعظم^w و کاتبان شنیدند و در پی آن

s- این نکته که در روایت متی وجود ندارد در انجیل مرقس تأکید می نماید که این اتفاق مفهوم نمادین دارد. بین دو واقعه ای که در معبد روی می دهد ممکن است درخت انجیر نشانه معبد باشد که مسیح موعود در آن هیچ ثمری نمی یابد (ر. ک ارا ۱۳: ۹؛ هو ۱۶: ۹-۱۷؛ یو ۷: ۱؛ میک ۱: ۷). از سوی دیگر تأثیر سخن عیسی در آیه ۱۴ قدرت ایمان و نیایش را ثابت می کند (آیات ۲۰-۲۵).

t- یعنی در میدان جلو معبد که محوطه امتها نامیده می شد، ر. ک مت ۲۱: ۱۲ توضیح x. رفتار عیسی پیشگوئی زک ۱۴: ۲۱ را تحقق می بخشد.

u- به احتمال قوی محوطه امتها راه میانبری بین شهر و کوه زیتون بوده و مردم بدون توجه به اینکه ممکن است اختلال و بی نظمی ایجاد شود از این راه کوتاهتر استفاده می کردند.

v- اش ۵۶: ۷ فقط مرقس این بخش از عبارت اشعیا را نقل نموده است: «برای همه ملت^vها». به این ترتیب تطهیر معبد ابعاد جهانی می گیرد و محوطه امتها (ر. ک آیه ۱۵ توضیح t) به همان اندازه محوطه اسرئیل مقدس می باشد.

vv- از ۱۱: ۷ در این فصل ارمیا اعلام می کند آمدن اهالی یهودا به معبد و انجام پرستش فایده ای ندارد مگر اینکه قبلاً رفتارشان برابر عدالت و احترام به قانون یهود باشد.

w- اعضای خانواده های بزرگ کاهنان که از میانشان کاهن اعظم انتخاب می شد.

x- ترجمه دیگر: «هنگامی که شب می رسید عیسی و شاگردان از شهر خارج می شدند.» طبق این ترجمه این عمل فقط یک بار انجام نشده بلکه به صورت عادت بوده است.

y- ر. ک مت ۲۰: ۱۷ توضیح f. در حالی که انجیل متی برای قدرت شخص ایماندار اهمیت قائل می شود (۲۱: ۲۱؛ ۲۰: ۱۷) عبارتی که در انجیل مرقس آمده بیانگر قدرت خدا در پاسخ به ایمان است (ر. ک ۲۳: ۹ توضیح q).

z- گفتار درباره قدرت ایمان (آیه ۲۳) در اینجا در مورد قدرت نیایش بکار برده شده است (ر. ک مت ۱۸: ۱۹).

از انسانها؟...» از جمعیت می ترسیدند^f زیرا همه یحیی را پیامبری راستین می دانستند.^{۳۳} و در پاسخ به عیسی می گویند: «نمی دانیم» و عیسی به آنان گفت: «من نیز هرگز به شما نمی گویم با چه اقتداری این را انجام می دهم.

که دریافت کرده اید و آن را به دست خواهید آورد.^{۲۵} و چون برای نیایش می ایستید، اگر چیزی برضد کسی دارید، ببخشید تا پدر شما که در آسمانها است^a خطاهای شما را نیز ببخشد.^{۲۶} [...]b»

افس:۴:۳۲؛
کول:۱۳:۳

تردید در مورد اقتدار عیسی

(متی: ۲۱-۲۳-۲۷؛ لوقا: ۲۰:۱-۸)

و باز به اورشلیم می آیند و چون در معبد می گشت، کاهنان اعظم، کاتبان و مشایخ بسوی او می آیند.^c و به او می گفتند: «این را با چه اقتداری انجام می دهی^d یا چه کسی اقتدار انجام این را به تو داده است؟»^e عیسی به آنان گفت: «فقط یک چیز از شما سؤال می کنم: پس به من پاسخ دهید و به شما خواهم گفت با چه اقتداری این را انجام می دهم.^{۳۰} آیا تعمید یحیی از آسمان می بود یا از انسانها؟ به من پاسخ دهید.»^{۳۱} و آنان بین خود چنین استدلال می کردند: «اگر بگوئیم: از آسمان^e، خواهد گفت: پس چرا به وی ایمان نیاورده اید؟^{۳۲} اما آیا بگوئیم:

مت:۱۴:۵؛
لوقا:۳۰:۷

مثل باغبانان آدمکش

(متی: ۲۱-۳۳-۴۶؛ لوقا: ۲۰:۹-۱۹)

^۱و با آنان شروع به سخن گفتن با مثل ها کرد: «مردی تاکستانی کاشت و آن را محصور کرده چرخشتی کند و برجی بنا کرده^۲ سپس آن را به باغبانان اجاره داد و به مسافرت رفت.^۲ و چون وقتش رسید، برده ای نزد باغبانان فرستاد تا از باغبانان سهمی از میوه های تاکستان بگیرد.^۳ و او را گرفته زدند و دست خالی باز گردانند.^۴ و باز برده دیگری نزد آنان فرستاد و بر سر این یکی زدند و با بی احترامی با او رفتار کردند.^۵ باز یکی دیگر فرستاد و آنان این یکی را کشتند. [سپس] بسیاری دیگر که بعضی را زدند و

a- ترجمه تحت اللفظی: «پدري که در آسمانها (است)» (ر.ک مت ۹:۶ w) این جمله که در انجیل مرقس غیرعادی است تأیید می کند که مرقس از مجموعه ای از سخنان عیسی استفاده کرده است.

b- آیه ۲۶ در تمام مدارک گواهی نشده و چنین است: «ولی اگر شما نمی بخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد ببخشد» (ر.ک مت ۱۵:۶).

c- ر.ک لوقا ۲۰:۱۱ f.

d- بنا به نوشته مرقس این سؤال مربوط به پاک کردن معبد است زیرا به نظر می آید که هیچ کدام از کارهای دیگر عیسی چنین سؤال بر نمی انگیزد. مت ۲۳:۲۱ تصریح می کند که عیسی آموزش می داد و لوقا ۱۰:۲۰ نوشته است نوید را اعلام می کرد، بنابراین به نظر آنان ممکن است سؤال درباره اقتدار مربوط به تعلیم باشد.

e- یعنی «از خدا» ر.ک لوقا ۱۶:۷.

f- ر.ک مر ۱۲:۱۲، ۱۲:۱۴؛ لوقا ۱۹:۲۰ u.

g- اش ۵:۲. در این گفتار که از اشعیا نقل شده منظور از تاکستان، اسرائیل است و متهم است میوه هایی را که خدا انتظار داشته به بار نیاورده است. در اینجا اتهام بر باغبانان وارد شده که به نظر مرقس کاهنان اعظم، کاتبان و مشایخ هستند (آیه ۱۲؛ ر.ک ۲۷:۱۱؛ ۲۷:۱۴؛ ۴۳:۵۳).

مثل را درباره آنان گفته است. و او را ترک کرده رفتند.

پرداخت مالیات به قیصر
(متی ۲۲: ۱۵-۲۲؛ لوقا ۲۰: ۲۰-۲۶)
۱۳ و ایشان تنی چند از فریسیان و هیرودیان^m را می فرستند^l تا او را با یک حرف در تله بیندازند. ۱۴ و آنان آمده به او گفتند: «ای استاد می دانیم که تو بر حق هستی و در بند کسی نیستی زیرا به شخص انسان نمی نگری بلکه به راستی راه خدا را آموزش می دهیⁿ. آیا دادن مالیات^o به قیصر مجاز است یا خیر؟ آیا باید پیردازیم یا نپیردازیم؟» ۱۵ اما او که به ربای آنان پی برده بود به آنان گفت: «چرا مرا تجربه می کنید^p؟ یک دینار^q برای من بیاورید تا ببینم.» ۱۶ آنان آوردند و به آنان گفت:

بعضی دیگر را کشتند. ۱۷ و هنوز کسی را داشت، پسری محبوب^h. آخر او را نزد آنان فرستاد چون به خود می گفت: پسر مرا حرمت خواهند گذاشت. ۱۸ اما این باغبانان بین خود گفتند: «اینک وارث، بیایید او را بکشیم و میراث از آن ما خواهد بود. ۱۹ و او را گرفته کشتند و به بیرون از تاکستان انداختندⁱ. ۲۰ خداوند تاکستان چه خواهد کرد؟ آمده باغبانان را هلاک خواهد کرد و تاکستان را به دیگران خواهد داد. ۲۱ مگر این نوشته [مقدس] را نخوانده اید: سنگی را که معماران رد کرده بودند همان است که سر زاویه گردید^j. ۲۲ این از جانب خداوند انجام شده و به چشمان ما، شگفت انگیز است^k! ۲۳ و در صدد دستگیری او می بودند و از جمعیت ترسیدند، زیرا فهمیده بودند که

۱۱:۴ع
۷:۲-۱

h - صفت «محبوب» (ر.ک لو ۱۳:۲۰) که مخصوصاً در اینجا بکار برده شده صدای آسمانی را به یاد می رود که عیسی را در صحنه های تعمید و تجلی معرفی می کرد (ر.ک مت ۱۷: ۳ // ۵: ۱۷). ضمناً به طور سربسته نکته ای که در این مثل درباره مسیح موعود وجود دارد یادآوری می نماید.

i - کلمات «گرفتن، کشتن، به بیرون انداختن» طرز بیان مرقس را نشان می دهد متی و لوقا ترتیب این کلمات را برعکس کرده اند: «بیرون انداختن، کشتن» (ر.ک مت ۲۱: ۳۹ توضیح ۷).

j - این طرز بیان در زبان یونانی عیناً از ترکیب جمله عبری اقتباس شده است (معماران و بنایان که در ساختن بنا از سنگ استفاده می کنند، سنگهایی را که شکل هندسی منظمی ندارند دور می اندازند و بالعکس سنگهای منظم تر را که دو طرف صاف و مسطح داشته باشند در گوشه و نیش ساختمان بکار می برند). طبق تعمق پدران کلیسا، تراشیده شدن در اثر روزه و ریاضت باعث می شود که فرد، شخص مؤثر و مفیدی در کلیسا شود.

k - مز ۱۱۸: ۲۲-۲۳. ر.ک اش ۲۸: ۱۶؛ ۱۱: ۴ع؛ روم ۹: ۳۳؛ ۱-۱ پط ۶: ۲-۸.

l - آیات ۱۳-۳۴ (ر.ک مت ۱۵: ۲۲-۴۰؛ لو ۲۰: ۲۰-۴۰؛ ۲۵: ۱۰-۲۸) شامل یک رشته مجادلاتی است که عیسی از آنها پیروز بیرون می آید و به طوری که در پایان این مجادلات گفته شده مخالفانش از اینکه او را با سؤالهای خود در تله بیندازند صرف نظر می کنند: «و دیگر کسی جرأت نمی کرد از او سؤال کند» (آیه //). در آخرین سؤالی که درباره آن بحث شده بود (موضوع مسیح موعود، پسر داود) مشاهده می شود که عیسی به حمله متقابل پرداخته است. مرقس برخلاف متی و لوقا این واقعه را به صورت مباحثه غیرمستقیم ارائه نموده است بدین معنی که عیسی مطالب خود را دیگر به مخالفانش خطاب نمی کند بلکه با کسانی که به او گوش می دهند سخن می گوید.

m - ر.ک مر ۳: ۶ توضیح g.

n - ر.ک لو ۲۱: ۲۰ توضیح a. شخص انسان یعنی مقام و موقعیت او.

o - ر.ک مت ۱۷: ۱۲ توضیح d.

p - اولین بار نیست که دشمنان می خواهند او را گیر بیندازند. ر.ک مر ۸: ۱۱، ۱۰: ۲ //.

q - تر.ک ۳۷: ۶ توضیح t.

«این صورت و نوشته از کیست؟» به او گفتند: «از قیصر.»^{۱۷} عیسی به آنان گفت: روم ۷:۱۳ آنچه از آن قیصر است به قیصر و آنچه از آن خداست به خدا باز دهید^{۱۸} و آنان درباره وی از حیرت بیرون نمی آمدند.

رستاخیز مردگان

(متی ۲۲: ۲۲-۲۳؛ لوقا ۲۰: ۲۷-۳۸)

^{۱۸} و صدوقیان^{۱۹}، آنانی که می گویند رستاخیز وجود ندارد، نزد او می آیند و از وی سؤال کرده می گفتند: ^{۱۹} «ای استاد، موسی برای ما چنین نوشته است: اگر برادر کسی بمیرد و پس از خود زنی باقی گذارد و فرزندی باقی نگذارد، برادرش باید زن را گرفته و تباری برای برادر^{۲۰} خود ایجاد کند. ^{۲۰} هفت برادر بودند. و اولی زنی گرفته چون مرد تباری از خود باقی نگذاشت ^{۲۱} و دومی او را گرفته و بدون اینکه تباری از خود باقی گذارد مرد و

سومی به هم چنین ^{۲۲} هیچ یک از آن هفت، تباری باقی نگذاشتند. بعد از همه آنها، زن نیز مرد. ^{۲۳} در رستاخیز چون آنها برخوانند خاست زن از آن کدامین خواهد بود؟ زیرا هر یک از آن هفت او را چون زن خود داشته اند.» ^{۲۴} عیسی به آنان فرمود: «اگر گمراه می شوید آیا به سبب نشناختن نوشته های [مقدس] و قدرت خدا نیست؟^{۲۵} در واقع چون از میان مردگان برمی خیزند، ازدواج نمی کنند و به ازدواج داده نمی شوند^{۲۶} بلکه چون فرشتگان در آسمان ها هستند^{۲۷}. ^{۲۶} و درباره مردگانی که قیام می کنند مگر در کتاب موسی در قطعه بوته نخوانده اید که خدا چگونه با او سخن گفته است: من هستم، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب^{۲۸}. ^{۲۷} او خدای مردگان نیست، بلکه زندگان^{۲۹}. شما بسیار گمراه هستید.»

f- همین امر که مخاطبان عیسی این سکه را بکار می برند که نشانه سلطه رومیان است ثابت می کند که آنان حاضرند از نظام سیاسی معینی استفاده نمایند و در صورتی که می خواهند مالیات نپردازند بایستی اصولاً هر نوع نشانه ای از حضور رومیان را نپذیرند و حال آنکه چنین کاری نمی کنند ولی مخصوصاً مسائل را با یکدیگر اشتباه می کنند: موضوع وظیفه نسبت به خدا با وظیفه نسبت به قیصر تفاوت دارد. مالیاتی که باید به قیصر پرداخت جنبه قطعی نظیر اطاعت از خدا ندارد. در واقع سؤال فریسیان در آیه ۱۴ به این معنی است که آیا طبق شریعت جایز است... (ر. ک ۲: ۲۴، ۲۶؛ ۳: ۴؛ ۶: ۱۸؛ ۱۰: ۲). به علاوه پرداخت مالیات، قانونی انسانی و سیاسی است و از این رو غیوران و انقلابیون اجازه نمی دادند که به قیصر مالیات داده شود. s- ر. ک لو ۲۷: ۲۰ توضیح c.

t- تث ۵: ۱۰-۲۵؛ ر. ک مت ۲۴: ۲۲ توضیح g.

u- در مقابل ایرادی که با استفاده از یک نکته حقوقی در شریعت موسی می شود عیسی به نوشته های مقدس استناد می نماید که رستاخیز را تأیید می کنند (آیه ۲۶ توضیح x). ضمناً «قدرت خدا» را یادآوری می نماید که ایرادگیرندگان نادیده گرفته اند و تصور اشتباهی از وضع رستاخیز کنندگان دارند.

v- ترجمه دیگر: «نه زن می گیرند و نه شوهر می کنند» (ر. ک ۱- قرن ۱۵: ۳۵-۵۳؛ لو ۲۰: ۳۴-۳۶).

w- ر. ک مت ۲۲: ۳۰ توضیح j، ر. ک اع ۲۳: ۸.

x- خروج ۳: ۶، عیسی قسمتی از شریعت را نقل می کند که فقط صدوقیان آن را به عنوان کتب مقدس قبول داشتند. ضمناً اصطلاح «خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب» یادآور انتخاب الهی و وفاداری خدا نسبت به برگزیدگان است و مرگ نمی تواند پایان آن باشد.

y- ر. ک مت ۲۲: ۳۲ توضیح k.

اولین فرمان

(متی ۲۲:۳۴-۴۰؛ لوقا ۱۰:۲۵-۲۸؛

(۴۰-۳۹:۲۰)

^{۲۸} و یکی از کاتبان که بحث آنان را شنیده بود، چون می دانست به آنان نیکو پاسخ داده است نزدیک شده از او پرسید: «از همه فرمان ها اولین کدام است؟»
^{۲۹} عیسی پاسخ داد: «اول این است: بشنو ای اسرائیل! خداوند خدای ما خداوند یگانه است،^{۳۰} پس خداوند، خدای خود را با تمام قلب و با تمام جان و با تمام اندیشه و با تمام قدرت خود محبت خواهی کرد.^a دوم این است: همسایه ات را چون خودت محبت خواهی کرد.^b فرمان دیگری بالاتر از اینها نیست.»^{۳۲} و کاتب

به او گفت: «بسیار خوب، ای استاد! تو راست گفتی: او آن یگانه است و جز او نیست؛^{۳۳} و محبت کردن او با تمام قلب و با تمام فهم^c و تمام قدرت و همسایه را چون خود محبت کردن، بیش از قربانیهای سوختنی و [دیگر] قربانی ها است.^d»
^{۳۴} و عیسی چون دید خردمندانه پاسخ داده است به او گفت: «تو از ملکوت خدا دور نیستی.^e» و دیگر کسی جرأت نمی کرد از او سؤال کند.

مسیح و داود

(متی ۲۲:۴۱-۴۶؛ لوقا ۲۰:۴۱-۴۴)

^{۳۵} و عیسی چون در معبد آموزش می داد شروع به سخن کرده می گفت:^f «چگونه

z- تث ۴:۶، تحت اللفظی: «خداوند، خدای ما، یگانه یهوه است». یهودیان نام قدوس یهوه را تلفظ نمی کردند و به جای آن از واژه عبری «ادونای» (یونانی kyrios) به معنی «خداوند» استفاده می کردند. بنابر تفسیری که از متن عبری تشبیه می توان کرد برای این عبارت ترجمه های مختلفی پذیرفته شده است («تنها یک خداوند هست» یا «آن یگانه یهوه»). ترجمه ای که در اینجا پذیرفته شده با توجه به مطالب آیه ۳۲ می باشد.

a- تث ۵:۶.

b- لاو ۱۹:۱۸.

c- کلمات «با تمام فهم» با آنچه در آیه ۳۰ ذکر شده تفاوت دارد و چنین به نظر می رسد که منظور «با تمام فکر» می باشد. در ترجمه یونانی تث ۵:۶ «قلب» یا «فکر» آمده است، ر. ک ۲- پاد ۲۳:۲۵.

d- ر. ک ۱- سمو ۲۲:۱۵.

e- این تنها موردی در اناجیل نظیر است که عیسی کاتبی را تحسین می کند. به نظر مرقس کاتب مذکور دارای حسن نیت بوده و منظور سوئی نداشته است (بر عکس مت ۳۵:۲۲؛ لو ۱۰:۲۵). البته باید به یاد داشت که سؤال کاتب که «از همه فرمانها اولین کدام است؟» چندان آسان نبود و گروههای مختلف یهودیان آن زمان درباره چگونگی ترتیب و اولویت بندی ۶۱۳ فرمان یهود نظر واحدی نداشتند. بنا به نوشته متی عیسی به هیچ وجه نتوانست موافقت حتی یک کاتب را جلب نماید ولی برابر انجیل لوقا (۳۹:۲۰) کاتبان جواب عیسی درباره رستائیز را تحسین می کنند، در صورتی در این متن انجیل مرقس کاتب مزبور تقریباً اهمیت و رفتاری نظیر شاگرد علاقمندی را دارد و عیسی او را تحسین می نماید. بدین گونه یک دسته سه تایی مباحثه که در انجیل مرقس ذکر شده با نکته مثبتی به پایان می رسد که کاملاً با سخنان سخت و تندی که بعداً می آید تفاوت دارد (آیات ۳۸-۴۰).

f- در این قسمت اکنون عیسی است که سؤال می کند. مخاطبان او در سه انجیل نظیر یکی نیستند. بدین معنی که در انجیل متی فریسیان مخاطب عیسی می باشند و در انجیل لوقا همان کاتبانی هستند که در مباحثه قبلی پاسخ عیسی به صدوقیان را در مورد رستائیز تحسین نمودند. بالاخره در انجیل مرقس عیسی به عده زیادی از مردمان که نامعلوم هستند سخن می گوید و سخنان او را با علاقمندی گوش می کنند (آیه ۳۷) به نظر مرقس رویارویی مستقیم و آشکار با عقب نشینی مخالفان خاتمه یافته است (آیه ۳۴). و این آیات فاصله ای بین برخورد مذکور و اعلام خطر بر ضد کاتبان می باشد.

در سه انجیل نظیر عیسی طوری نشان داده شده که به مانند کاهنان درباره نکته ای از تفسیر کتب مقدس جروبحث می کند و نشان می دهند که عنوان مسیح موعود را نباید با فرزندی داود اشتباه کرد زیرا بالاتر و برتر از آن است. می دانیم که بر طبق عهد جدید عیسی در عین حال پسر داود و خداوند است (ر. ک روم ۱:۳).

کاتبان می گویند که مسیح^g پسر داود است؟^{۳۶} داود خود توسط روح القدس گفت:

خداوند به خداوند من گفته است:

به راست من بنشین

تا آنکه دشمنانت را

به زیر پاهایت اندازم.^h

^{۳۷} داود خود او را خداوند می گوید: پس

از کجا پسر او است؟» و جمعیت زیادی، با شادمانی به او گوش می داد.^{لو ۱۹: ۴۸؛ ۳۸: ۲۱}

داوری عیسی درباره کاتبان

(متی ۲۳: ۱-۱۲؛ لوقا ۲۰: ۴۵-۴۷)

^{۳۸} و در آموزش خود می گفت: «درباره کاتبان مواظب باشید که خواستار گشتن با ردهای بلند و [شنیدن] سلامها در میدانهای عمومی،^{۳۹} اشغال نخستین جایگاهها در کنیسه ها و نخستین جایها در ضیافتها هستند،^{۴۰} آنان که اموال بیوه زنان را می بلعند در حالی که با تظاهر نماز خود را طول می دهند.ⁱ اینان محکومیتی جدی تر خواهند یافت!»

پشیز بیوه زن فقیر

(لوقا ۲۱: ۱-۴)

^{۴۱} و در مقابل خزانة نشسته مشاهده می کرد که چگونه جمعیت پول خرد^j در

g- یا «کریستوس».

h- مز ۱: ۱۱۰؛ ر. ک. اع ۳۴: ۲؛ عبر ۱۳: ۱۳.

i- یعنی برای توجیه رفتارشان نماز خود را طول می دهند.

j- تحت اللفظی: «مسی» ر. ک. مر ۸: ۶.

k- «کادران» که کوچکترین سکه رایج آن زمان بود (به وزن ۱۰، ۳ گرم) و این کلمه به خاطر خوانندگان یونانی و رومی نوشته و تصریح شده است. برابری صحیح آن را نمی توان تعیین نمود ولی به هر صورت پول مختصر و ناچیزی می باشد.

l- ر. ک. مت ۱: ۲۴ توضیح q.

m- این شاگردان نخستین کسانی هستند که فراخوانده شده اند (ر. ک. ۱۶: ۱-۲۰). بنا به نوشته مرقس تمام این تعلیمات به این چهار شاگرد ممتاز داده شده است.

n- این سؤال فقط درباره تاریخ وقوع و علایم فرا رسیدن زمان آخر است (ر. ک. لو ۷: ۲۱). بدون اینکه اشاره ای به ظهور مسیح باشد، چنان که در مت ۲۴: در مورد آن صحبت شده است.

صندوق می انداختند و بسیاری از ثروتمندان در آن بسیار می انداختند.^{۴۲} و بیوه زن درمانده ای آمد که دو پشیز^k انداخت، یعنی یک چهارم فلس.^{۴۳} و شاگردان خود را نزد خویش فراخوانده به ایشان گفت: «آمین به شما می گویم این بیوه زن که درمانده است، بیش از هر کس که در خزانة می اندازد، انداخته است.^{۴۴} زیرا همه از مازاد خود انداختند اما او از فقر خود، او هر چه داشت انداخت، همه هستی خود را.»

عیسی ویرانی معبد را از پیش

اعلام می کند

(متی ۲۴: ۱-۳؛ لوقا ۲۱: ۵-۷)

^{۱۳} و چون از معبد خارج می شد، یکی از شاگردانش به او گفت:

«ای استاد، بنگر: چه سنگها و چه بناهایی!»^۱ و عیسی به او گفت: «این بناهای بزرگ را می نگری؟ در اینجا

سنگی بر سنگی نخواهد ماند که نابود

نشود.»^۳ و چون بر کوه زیتون در مقابل^{۱۱}

معبد نشسته بود، پطرس، درکناری از او

می پرسید و هم چنین یعقوب، یوحنا^m و

اندریاس:^۴ «به ما بگو این چه وقت روی

خواهد داد و وقتی همه اینها به پایان

می رسد نشانه چه خواهد بودⁿ؟»

شروع رنج‌ها

(متی ۲۴:۱-۳؛ لوقا ۲۱:۵-۷)

عیسی شروع به گفتن به آنان کرد: «مواظب باشید شما را گمراه نکنند».^۵ چه بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: «من هستیم» و ایشان بسیاری را همراه خواهند کرد.^۶ چون بشنوید از جنگها و هیاهوی جنگها حرف می‌زنند، هراسان نشوید. این باید فرا رسد اما هنوز پایان نیست.^۷ در واقع ملتی بر ملتی و مملکتی بر مملکتی قیام خواهد کرد. در جاهائی زلزله‌ها خواهد شد، قحطی‌ها خواهد شد. این آغاز دردهای زایمان است.^۸ مواظب خود باشید! شما را به سانه‌درین‌ها^۹ تسلیم خواهند کرد و در کنیسه‌ها مضروب خواهید شد و به خاطر من برای شهادت در برابر^{۱۰} حاکمان و پادشاهان حضور خواهید یافت. و قبلاً باید که انجیل به همه ملتهای نوید داده شده باشد.^{۱۱} و چون شما را ببرند تا

اشی ۲:۱۹؛
توا ۱۵:۶

تسلیم کنند، از پیش در اندیشه آن نباشید که چه باید بگوئید، بلکه آنچه در این ساعت به شما داده خواهد شد، آن را بگوئید، زیرا شما نیستید که حرف خواهید زد، بلکه روح القدس^{۱۲} و برادر، برادر میک:۷:۶ خود را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر، فرزند خود را و فرزندان برضد والدین خود برخوانند خاست و آنان را به مرگ خواهند سپرد،^{۱۳} و به خاطر نام من منفور همه خواهید بود. اما آن که تا به آخر^{۱۴} پایدار^{۱۵} بماند، نجات خواهد یافت.

مصیبت بزرگ

(متی ۲۴:۱۵-۲۵؛ لوقا ۲۱:۲۰-۲۴؛

۱۷:۲۳؛ ۲۱:۸)

^{۱۴} چون ببینید کراهِت ویرانگر مستقر شده است در جائی که نباید^{۱۵} -خود^{۱۶} خواننده دریابد!^{۱۷} -در آن وقت کسانی که در یهودیه باشند، به کوهستان فرار کنند^{۱۸}

o- ر. ک ۴:۲۴ توضیح t. درباره مسیح‌های دروغین که در قرن اول زیاد بودند ر. ک ا ع ۵:۳۷-۳۰؛ ۳۸:۲۱ و نیز درباره پیامبران دروغین که ادعا دارند به اسم عیسی سخن می‌گویند ر. ک ۱- تیمو ۲:۷، ۲- تیمو ۲:۱۶-۱۷؛ ۳- تیمو ۲:۱۶-۱۷؛ ۴- تیمو ۲:۱۶-۱۷. p- دان ۲:۲۸. درباره جنگها، زلزله‌ها و قحطی‌ها در ارتباط با آخر زمان ر. ک اش ۲۴:۲۴؛ حج ۶:۷-۷؛ زک ۱۴:۳-۴؛ مکا ۶:۸، ۱۲، ۱۳؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۳:۱۱؛ ۱۶:۱۶؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۸.

q- ر. ک مت ۸:۲۴ توضیح w.

r- سانه‌درین، شورای عالی شرع یهود و مرکب از بیست و سه نفر از بزرگان کنیسه بوده است، ر. ک ۱۷:۱۰ توضیح c.

s- در مورد شهادت «در برابر» یا «علیه» یا «نزد» ایشان ر. ک مر ۴۴:۱ توضیح x: ۱۱:۶.

t- این سخن که جنبه جهانی دارد (ر. ک مت ۱۸:۱۰) فرق بین یهودیان و مشرکان را که در آیه قبلی حدس زده می‌شد تصریح می‌نماید. به نظر مرقس این سخنان رسالت مسیحیان اولیه را پیشاپیش اعلام می‌کند، ر. ک لو ۲۴:۲۱؛ روم ۱۱:۲۵.

u- ر. ک لو ۱۲:۱۲ توضیح i.

v- مت ۱۴:۲۴ توضیح b.

w- اشاره ضمنی به دان ۲۷:۹. این اصطلاح که قبلاً «مکروه ویرانی» ترجمه می‌شد احتمالاً به نظر مرقس شخصی است که با اشغال محلی آن را پلید می‌سازد. (فعل «مستقر شدن» در زبان یونانی به صورت مذکر است.) لحن این گفتار تعمداً مرموز و مبهم است و نمونه‌ای از ادبیات مکاشفه‌ای می‌باشد که در آنها روشن شدن معما به درایت خواننده واگذار می‌شود. در خواندن این آیه نبایستی در پی دقت و صراحت برآییم و مثلاً آن را به تسخیر اورشلیم در سال ۷۰ میلادی منسوب نماییم. فقط می‌توان گفت ایمانداران در وضعیت وخیمی نظیر آنچه در باب ۹ کتاب دانیال اعلام شده قرار خواهند گرفت.

x- این کلمات اعم از اینکه جمله معترضه‌ای از مرقس یا تفسیر و توضیحی بعداً افزوده شده باشد بدین معنی است: «خوب ببینید به چه چیزی اشاره می‌کنم، به پیشگویی دانیال» که صراحتاً نقل نشده است. عبارت مشابهی در انجیل متی آمده ولی مفهوم دیگری دارد. مت ۱۵:۲۴ توضیح d.

y- ر. ک لو ۳۱:۱۷ توضیح r.

۲۴ اما در این روزها، پس از این
مصیبت، خورشید تار خواهد شد و ماه
فروغ خود را نخواهد داد،^{۲۵} و ستارگان از
آسمان شروع به افتادن خواهند کرد و
قدرتهائی که در آسمانها هستند^d متزلزل
خواهند شد. ^{۲۶} و آنگاه پسر انسان را
خواهند دید که با قدرت و شکوهی عظیم
در ابرها می آید. ^{۲۷} و آنگاه فرشتگان را
خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از
بادهای چهارگانه، از کرانه های زمین تا
کرانه های آسمان^f گرد خواهد آورد.

۲۸ از درخت انجیر این مثل را یاد بگیرد. همین که شاخه اش ترد شود و برگهایش بروید، می فهمید که تابستان نزدیک است. ۲۹ هم چنین شما: وقتی ببینید که اینها فرامی رسد، بفهمید که او نزدیک، بر دروازه ها است. ۳۰ امین به شما می گویم که این نسل نگذرد پیش از آنکه این همه فراسیده باشد. ۳۱ آسمان

۱۵ آن که بر بام باشد پائین نیاید و داخل نشود تا چیزی از خانه بر دارد،^{۱۶} و آن که در کشتزار باشد باز نگردد تا ردایش را برگیرد.^{۱۷} در این روزها وای به حال زنانی که باردار باشند و آنانی که شیر دهند!^{۱۸} نیایش کنید که این در زمستان فرا نرسد.^{۱۹} زیرا این روزها آن چنان مصیبت خواهند بود که از آغاز آفرینش که خدا آفریده تاکنون نظیر نداشته^{۲۰} و دیگر فرا نخواهد رسید.^{۲۱} و اگر خداوند این روزها را کوتاه نمی کرد، هیچ آفریده ای^a نجات نمی یافت، اما به خاطر برگزیدگانی که برگزیده، این روزها را کوتاه کرده است.^b ^{۲۱} و آنگاه اگر کسی به شما بگوید: بنگر، مسیح اینجا است! بنگر، وی آنجا است، باور نکنید.^{۲۲} زیرا مسیح های دروغین^c و پیامبران قیام خواهند کرد که نشانه ها و کرامات خواهند نمود تا اگر ممکن باشد برگزیدگان را گمراه کنند.^{۲۳} پس شما مواظب باشید؛ همه را از پیش برایتان گفته ام.

h- عبارت «این همه» لزوماً مربوط به واقعه تاریخی معینی نظیر ویرانی معبد نمی باشد، بلکه گستره وسیع تری را شامل می شود. در آن دوران چندین نسل از یهودیان در انتظار پایان قریب الوقوع دنیا زندگی کرده بودند. هنگامی که عیسی در مورد این انتظار سخن می گوید (ر.ک. ۹: ۱-۶ توضیح ۷) افکار خود را به سبب نبوتی و مکاشفه ای آن دوران بیان می کند که در آن، مراحل مختلف جریانهای تاریخی معین نیستند. و اینجا نیز با وجود اینکه این اظهارات مسئله ای ایجاد می کند در روایات عیناً حفظ شده اند و حتی، در آیه ۳۱ تشدید گردیده و با اظهارات دیگری که متناقض به نظر می رسند تأیید شده است (آیه ۳۲).

آمد: دیر وقت، یا نیمه شب، یا به بانگ خروس، یا بامداد.^{۳۶} مبادا ناگهان سر برسد و شما را خفته یابد! ^{۳۷} آنچه به شما می گویم، به همه می گویم: بیدار باشید!^۱»

مت ۱۸:۵ و زمین خواهند گذشت، ولی سخنان من
لو ۱۶:۱۷ نخواهند گذشت. ^{۳۲} اما در باره این روز یا
این ساعت هیچ کس آن را نمی داند، نه
فرشتگان در آسمان، و نه پسر، مگر پدر^۱.

بیدار باشید

(متی ۲۴:۴۲؛ ۲۵:۱۳-۱۵؛
۱۲:۳۶-۳۸؛ ۱۹:۱۲-۱۳)

^{۳۳} مواظب و هوشیار باشید زیرا
نمی دانید آن لحظه کی خواهد بود.
^{۳۴} مانند مردی است که به سفر رفت. چون
خانه خود را ترک می کرد، بردگانش، هر
یک را مطابق کارش قدرت داد و به دربان
دستور داد بیدار باشد ^{۳۵} پس بیدار باشید
زیرا نمی دانید خداوند خانه کی خواهد

توطئه علیه عیسی

(متی ۲۶:۱-۵؛ لوقا ۲۲:۱-۲؛
یوحنا ۱۱:۴۷، ۴۹، ۵۳)

^۱ دو روز به جشن گذر و فطیر^k
۱۴ مانده بود و کاهنان اعظم^۱ و کاتبان
در صدد می بودند که چگونه وی را به حيله
دستگیر کرده بکشند. ^۲ زیرا می گفتند: «نه
به هنگام جشن، و الا ممکن است آشوبی از
سوی قوم در گیرد.^m»

i- کلمه «پسر» که به صورت مطلق در مورد عیسی و در برابر «پدر» بکار برده شده در اناجیل نظیر فقط در اینجا و در
مت ۲۷:۱۱ (ر.ک مت ۲۴:۳۶؛ لو ۲۲:۱۰) آمده است. این موضوع را می توان با موردی که عیسی به خدا «ابا» خطاب کرده
و یاری می طلبید مقایسه کرد (مر ۱۴:۳۶ توضیح s) یا در مثل باغبانان آدمکش که خدمتگزاران از فرزند مالک متمایز
می باشند (مر ۱۲:۶-۷ و متون موازی). اما درباره اظهاراتی که در آیه ۳۲ آمده و از محدودیت علم عیسی صحبت می کند،
آن هم در مسئله ای که در آن دوران اهمیت داشته مشکل بتوان این اظهارات را منسوب به جمعیت مسیحیان دانست که خواسته
باشند سخنانی را که در آیه ۳۰ آمده تصحیح نمایند. از دیدگاه ادبیات مکاشفه ای یهودیان آن دوران نیز تنها خدا تاریخ
آخرت را معین می کند. عیسی در این باره و نیز درباره حقایق دیگر به روشنی بر اقتدار خاص خدا تأکید می کند (ر.ک
مر ۱۰:۱۸، ۲۷، ۴۰؛ اع ۱:۷).

j- به نظر مرقس این آموزش که فقط به چند نفر از شاگردان داده شده برای تمام جامعه مسیحیان اهمیت دارد مخصوصاً دستوری
که گفته شده دائماً بیدار و هوشیار باشند.

k- کلمه «گذر» ترجمه واژه عبری «پسختا» است که در زبان عربی «فصح» گفته می شود و معنی آن «جشن گرفتن، پایکوبی
کردن و گذر کردن» است. منشأ عید گذر از مردمان گله دار بود که غذای اصلی شان گوشت (بره) بود اما عید فطیر از
کشاورزان نشأت گرفته که غذای اصلی شان نان بود. این دو عید چنان با هم ارتباط داشتند که درواقع یکی شده بودند (ر.ک
تث ۱۶:۸-۱۷). بر طبق رسوم متداول در اورشلیم در بعد از ظهر روز چهاردهم ماه نیشان (اولین ماه تقویم یهودیان که تقریباً در
حدود ماه فروردین است) یعنی پس از اعتدال بهاری در شب بد کامل ماه یهودیان بره ها را در معبد ذبح می کردند و شب آنها
را در داخل شهر در میان خانواده یا در گروه های ده الی بیست نفری صرف می نمودند (خروج ۱۲:۱-۱۴). ضمناً از همان شب
چهاردهم ماه هر گونه خمیر مایه ای را از خانه ها دور می کردند و در مدت هفت روز نان فطیر می خوردند (خروج ۱۲:۱۵-
۲۰). قوم اسرائیل بدین وسیله خروج از مصر و آزادی خود را در ایام گذر بزرگ جشن می گرفت و از نعمت های خدا یاد
می کرد و در ضمن در انتظار نجات بود که مسیح موعود بایستی بیاورد انتظار می کشید. این جشن بزرگترین جشن سال بشمار
می آمد و به مانند جشن پنجاهه و جشن خیمه ها تعداد زیادی از زائران را به اورشلیم جلب می کرد.
l- ر.ک مت ۳:۶ توضیح a.

m- ترجمه دیگر: «مبادا در مدت جشن آشوبی در میان قوم پدید آید.»

تدهین در بیت عنیا

(متی ۲۶: ۶-۱۳؛ یوحنا ۱۲: ۱-۸؛

ر. ک. لوقا ۷: ۳۶-۳۸)

^۳ و هنگامی که در بیت عنیا در خانه شمعون جذامیⁿ می بود، چون بر سر سفره

بود^o، زنی با شیشه عطر سنبلی ناب بسیار گرانها^p آمد و شیشه عطر را شکسته آن را

بر سر او ریخت.^۴ در میان ایشان کسانی بودند که برآشفتنند: «چرا این عطر تلف

شد؟ زیرا می شد این عطر را بیش از سیصد دینار^q فروخت و به درماندگان

داد.» و با او تندی می کردند.^۶ عیسی گفت: «او را واگذارید. چرا ناراحتش

می کنید؟ کار نیکی^r بر من انجام داده است. ۱۱: ۱۵

خود دارید و هر وقت بخواهید می توانید به آنان نیکی کنید، اما همیشه مرا ندارید^s!

^۸ او آنچه را می توانست، انجام داده است:

از پیش بدن مرا برای تدفین معطر کرده

است.^t آمین به شما می گویم: هر جا در

سراسر جهان^u انجیل ندا داده شود، آنچه مت ۱۴: ۲۴

این زن کرده است نیز به یاد او، بازگو خواهد شد.»

خیانت یهودا

(متی ۲۶: ۱۴-۱۶؛ لوقا ۲۲: ۳-۶)

^{۱۰} و یهودای اسخریوطی^v، یکی از آن دوازه، نزد کاهنان اعظم رفت تا او را به

ایشان تسلیم کند.^{۱۱} آنان با شادی او را شنیدند و وعده کردند به او پولی بدهند. و

او در صدد می بود که چگونه در وقت مناسب وی را تسلیم کند.

تهیه سفره جشن گذر

(متی ۲۶: ۱۷-۱۹؛ لوقا ۲۲: ۷-۱۳)

^{۱۲} و اولین روز فطیر وقتی [بره جشن] گذر^w را ذبح می کردند شاگردانش به وی

n- ر. ک. مت ۶: ۲۶ توضیح q. شمعون جذامی ممکن است قبلاً جذام داشته و پس از بهبودی این لقب بر او مانده باشد.

o- تحت اللفظی: «بر سر سفره دراز کشیده بود.» (در مهمانیهای رسمی مهمانان به رسم و عادت کهن به پهلو دراز می کشیدند).

p- روغن معطری که از برگهای سنبلی کوهی می گرفتند که در دامنه کوههای هیمالیا می روید. در مورد شیشه عطر ر. ک. لوقا ۳۷: ۷ توضیح b.

q- «دینار» که گاهی به «سکه نقره» ترجمه می شود و این مبلغ برابر مزد سیصد روز یک کارگر کشاورزی بوده است (ر. ک. مت ۳۷: ۶ توضیح t).

توضیح t. چون این عطر بسیار گرانها بود در آن را با درپوش نیسته بود، بلکه آن را جوش زده بودند و از این رو

است که می بینیم آن زن شیشه عطر را می شکند و همه آن را می ریزد. طبق معمول آن زمان، این گنج گرانها را برای وقت نیاز نگهداری می کردند.

r- ر. ک. مت ۱۰: ۲۶ توضیح s. عیسی در برابر صدقه دادن، کار نیک دیگری قرار می دهد که در دین یهود توصیه می شود و

عبارت از خاکسپاری مردگان است (ر. ک. ۱: ۱۶).

s- در متن یونانی، این افعال در زمان حال می باشند که در ضمن ممکن است معنی زمان آینده را داشته باشند، به این ترتیب

همواره ارزش کنونی سخنان عیسی را بیان می نمایند (ر. ک. آیه ۹؛ مر ۲: ۲۰).

t- عیسی عمل آن زن را با فاجعه ای که در پیش از ارتباط می دهد و مسلماً مرقس به همین سبب این قسمت را در آغاز روایت های

مربوط به رنج و مرگ عیسی آورده است. آن زن فقط می خواسته به عیسی ادای احترام کند (ر. ک. لوقا ۷: ۴۴-۴۶) و مرقس

تأکید می نماید که مفهوم این تدهین با رنج و مرگ و رستائیز عیسی روشن می شود. ر. ک. یو ۱: ۷.

u- ر. ک. مر ۱: ۱ توضیح a: ۳۵: ۸ توضیح s: ۲۹: ۱۰ توضیح u. در اینجا علاقه مرقس به ندا دادن انجیل به خوبی تشخیص داده

می شود و هدف از این ندا شناساندن عمل نجات بخش عیسی مسیح به ایمان افراد می باشد. ضمناً نظر به اینکه رفتار این زن

به رنج و مرگ و رستائیز عیسی مربوط می شود بنابراین جزو بشارت انجیل بشمار می آید.

v- ر. ک. مر ۱۹: ۳ توضیح w.

w- روزی که یهودیان بره ها را ذبح می کردند و هر نوع خیمه مایه را از خانه بیرون می انداختند، اولین روز جشن به شمار می آمد

و اگر این طور محاسبه شود که در مدارک دیگر هم تأیید شده جشن مدت هشت روز طول می کشید و روز ۱۴ نپسان روز تهیه

و تدارک به حساب می آید، ر. ک. مر ۱: ۱۴ توضیح k.

خائن بر سر سفره
(متی ۲۶:۲۰-۲۵؛ لوقا ۲۲:۱۴؛
یوحنا ۱۳:۲۱-۳۰)

^{۱۷} و شامگاه فرا رسید و با آن دوازده می‌آید. ^{۱۸} و چون بر سر سفره بودند و می‌خوردند، عیسی گفت: «آمین به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد، آن که با من [غذا] می‌خورد. ^b» ^{۱۹} ایشان اندوهگین شده و یکی پس از دیگری شروع به گفتن به او کردند: «آیا من باشم؟» ^{۲۰} به ایشان گفت: «یکی از دوازده [تن] آن که [لقمه] را با من در سینی خیس می‌کند. ^c ^{۲۱} البته پسر انسان، همان طور که در باره وی نوشته شده است ^d می‌رود، اما وای بر انسانی که پسر انسان به وسیله او تسلیم می‌شود! برای چنین انسانی بهتر بود که زاده نمی‌شد!

گفتند: «کجا می‌خواهی تدارک ببینیم تا [بره جشن] گذر را بخوری؟» ^x ^{۱۳} و دو تن از شاگردان خود را فرستاده به ایشان می‌گوید: «به شهر بروید و مردی که حامل کوزه آب است ^y در برابر تان پدیدار خواهد شد. به دنبال او بروید ^{۱۴} و به هر جا که او وارد شود، به صاحب‌خانه بگوئید: استاد می‌گوید اتاق من ^z کجاست که در آنجا [بره جشن] گذر را با شاگردانم بخورم؟» ^{۱۵} و او در بالاخانه ^a اطاقی بزرگ مفروش کاملاً آماده به شما نشان خواهد داد، در آنجا برای ما تدارک ببینید. ^{۱۶} و شاگردان رفتند و به شهر آمده آنچه به ایشان گفته شده بود، همان گونه یافتند و [جشن] گذر را تدارک دیدند.

x- طرز خطاب شاگردان به عیسی طوری است که گویی رئیس خانواده یا رئیس گروهی می‌باشد که ضیافت شام جشن گذر را برگزار می‌نماید. زائران می‌بایست تالاری در شهر پیدا کنند، از این رو مرقس تصور می‌کند که آخرین شام عیسی همان شام جشن گذر بوده ولی اشاره‌ای به خوردن سبزیجات تلخ و بره که از مختصات این شام می‌باشد نکرده است. اما بنابه نوشته یوحنا یهودیان اورشلیم در آن سال شام جشن گذر را در شب مرگ عیسی صرف کرده بودند (یو ۱۸:۲۸؛ ۱۹:۱۴، ۳۱-۴۲)، به این ترتیب امکان دارد وقایع مذکور به چند صورت روی داده باشد:

۱- عیسی برگزاری مراسم یهودیان را یک روز زودتر انجام داده ولی چون چنین چیزی مرسوم نبوده مشکل بتوان این فرض را تأیید نمود. ۲- به سبب اختلاف تقویم مذهبی (که مثلاً در مدارک مکشوفه در مفران تأیید شده است) عیسی جشن گذر را در تاریخی غیر از یهودیان اورشلیم برگزار کرده ولی نمی‌توان گفت رسوم فرقه قمران در بین یهودیان و در اورشلیم تا چه حد رواج داشته است. ۳- آخرین شام عیسی در انتظار مرگی که به وسیله آن مفهوم واقعی عید گذر یهودیان در زمان خروج به تحقق می‌پیوست (یو ۱۹:۳۶؛ ۱- قرن ۵:۷). در نتیجه شکل و شمایل شام جشن گذر را گرفته است. به هر صورت هر کدام از فريضه‌ها پذیرفته شود این شام مانند غذای زائران بوده و در شرایط و محیطی جشن برگزار شده است که یادآور آزاد شدن یهودیان از مصر و عهد خداوند بر کوه سینا بوده و انتظار آمدن مسیح موعود را زنده می‌کرده است (ر.ک آیات ۲۴-۲۵).

y- می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا این موضوع علامتی از پیش تعیین شده بود؟ زیرا معمولاً زنان برای بردن آب می‌رفتند.

z- می‌توان گفت: «اتاقی که از آن من است» یا به احتمال بیشتر: «اتاقی که من احتیاج دارم».

a- ر.ک لو ۲۲:۱۲؛ اع ۱۳:۹؛ ۳۷:۳۹؛ ۲۰:۸.

b- مز ۴۱:۱۰.

c- این عبارت نیز یادآور مزمور ۴۱ است. هر یک از مهمانان با دست غذای خود را از ظرف مشترک بر می‌داشت.

d- درباره خیانت نسبت به پسر انسان نمی‌توان مستقیماً به هیچ یک از متون عهد عتیق استناد کرد. شاید اشاره به نوشته‌های مقدس به طور کلی مربوط به مزمور ۴۱ است که قبلاً ذکر شد (ر.ک لو ۲۲:۲۲ «برابر آنچه مقرر است») و به وسیله یو ۱۸:۱۳ به یهودا منسوب گردیده است.

برپائی آئین سپاسگزاری

(متی ۲۶:۲۶-۲۹؛ لوقا ۲۲:۱۵-۲۰؛

اول قرن‌تیا ۱۱:۲۳-۲۶)

^{۲۲} و چون غذا می‌خوردند، نان را گرفته برکت داده آن را پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «بگیرید، این تن من است.»^{۲۳} و جامی گرفته، شکرگزاری کرده آن را به ایشان داد و همه از آن نوشیدند.^{۲۴} و به آنان گفت: «این خون من است، [خون] پیمان^f که برای بسیاری ریخته می‌شود.^g»^{۱۱:۹؛ ۲۰:۹}
^{۲۵} آئین به شما می‌گویم، دیگر از محصول تاک نخواهم نوشید تا روزی^h که آن را در ملکوت خدا تازه بنوشم.»

گفت: «همه شما دچار لغزش خواهید شد^k، زیرا نوشته شده است: شبان را خواهم زد و گوسفندان پراکنده خواهند شد^l؛^{۲۸} اما پس از آنکه قیام کردم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.^m»^{۲۹} پطرس به او گفت: «حتی اگر همه دچار لغزش شوند، لااقل من نخواهم شد»^{۳۰} و عیسی به او گفت: «آمین به تو می‌گویم، تو امروز، امشب پیش از آنکه خروس دو بار بانگ زندⁿ سه بار مرا انکار خواهی کرد.»^{۳۱} اما او به تأکید می‌گفت: «حتی اگر باید با تو بمیرم، خیر یو ۱۶:۱۱ تو را انکار نخواهم کرد» و همه همین را می‌گفتند.

اعلام انکار پطرس

(متی ۲۶:۳۰-۳۵؛ لوقا ۲۲:۳۳-۳۴؛

یوحنا ۱۳:۳۷-۳۸)

^{۲۶} و پس از خواندن سرود^۱ به سوی کوه زیتون بیرون رفتند.^{۲۷} و عیسی به ایشان

در جتسیمانی

(متی ۲۶:۳۶-۴۶؛ لوقا ۲۲:۴۰-۴۶)

^{۳۲} و به ملکی به نام جتسیمانی^o می‌آیند و به شاگردان خود می‌گوید: «در مدتی که نیایش می‌کنم اینجا بنشینید.»^{۳۳} و پطرس

e- ر.ک مت ۲۶:۲۶ توضیح h و i.

f- اصطلاح «خون پیمان» مربوط به خروج ۸:۲۴ می‌باشد.

g- ر.ک مت ۴۵:۱۰ توضیح f؛ مت ۲۸:۲۶ توضیح j.

h- یعنی روز آخر.

i- در اینجا ملکوت خدا به وسیله ضیافت مسیحائی نشان داده شده است (ر.ک اش ۶:۲۵؛ لو ۲۸:۱۳؛ توضیح y؛ مکا ۹:۱۹). به خاطر اینکه بعضی از اثرات شراب بر انسان (خوشحالی، صمیمیت، راستی، گشاده‌روئی...) با ثمرات روح القدس در قلب ایمانداران شباهت دارد، در اینجا می‌توان این‌طور تصور نمود که اشاره‌ای به روح القدس دارد.

j- منظور مزامیر ۱۱۵-۱۱۸ است که به عنوان شکرگزاری در پایان شام جشن‌گذر با آواز می‌خواندند. این مزامیر بخش دوم از مجموعه مزامیری به نام «هلل» هستند که با هلولیا یعنی «خداوند را ستایش کنید» آغاز می‌شود.

k- در مورد اصطلاح «لغزش» ر.ک مت ۲۹:۵؛ توضیح c؛ ۳۱:۲۶ توضیح n.

l- ر.ک زک ۱۳:۷.

m- ترجمه دیگر: «شما را به جلیل راهنمایی خواهم کرد» این سخنان امید بخش که با اعلام بی‌وفائی شاگردان متناقض است نشان می‌دهد که بار دیگر به دور هم جمع خواهند شد. بنابه نوشته مرقس، عیسی ابتدا در جلیل ظاهر شده بود (ر.ک مرا ۱۴:۱) و هم در آنجا است که پس از برخاستن از مرگ ظاهر خواهد شد (مر ۱۶:۷؛ ر.ک مت ۲۶:۳۲؛ ۲۸:۷، ۱۰، ۱۶؛ یو ۲۱).

n- این جمله را می‌توان به معنی تحت اللفظی تعبیر نمود: «پیش از آنکه خروس وقت داشته باشد دو بار بخواند (یعنی خیلی سریع)» یا اینکه ضرب‌المثلی به معنی «پیش از سپیده‌صبح» باشد.

o- این نام به معنی «چرخش روغن‌گیری» است.

۴۰ و باز آمده، ایشان را خفته یافت زیرا چشم‌انشان سنگین شده بود و نمی‌دانستند چه جوابی به او دهند. ۴۱ و برای بار سوم آمده به ایشان گفت: «باز هم می‌خواهید و استراحت می‌کنید؟» کافی است. ۴۲ ساعت رسیده است. اینک پسرانسان به دست گناهکاران تسلیم می‌شود. ۴۳ قیام کنید! برویم! اینک آن که مرا تسلیم می‌کند بسیار نزدیک است.»

دستگیری عیسی

(متی ۲۶: ۴۷-۵۶؛ لوقا ۲۲: ۴۷-۵۳؛

یوحنا ۱۸: ۲-۱۱)

۴۳ و همان دم، هنگامی که هنوز سخن می‌گفت یهودا یکی از دوازده [تن] پیش می‌آمد و با او جمعیتی با دشنه‌ها و

و یعقوب و یوحنا^p را با خود برداشته و احساس حیرت و اضطراب در او آغاز شد. یوحنا ۱۲: ۳۴ و به آنان گفت: «جانم تا به حد مرگ غمگین است^q، اینجا بمانید و بیدار باشید.» ۳۵ و اندکی پیش رفته، به خاک افتاد و نیایش می‌کرد تا اگر ممکن باشد این ساعت^r از وی بگذرد. ۳۶ و می‌گفت: «آبا! پدر! همه چیز برای تو ممکن است، این جام^s را از من دور کن! اما نه آنچه من می‌خواهم، بلکه آنچه تو [می‌خواهی].» ۳۷ و آمده آنان را خفته یافت و به پطرس گفت: «شمعون^t، خواب هستی! نتوانستی یک ساعت بیدار بمانی! ۳۸ بیدار باشید و نیایش کنید تا در وسوسه وارد نشوید^v: روح راغب است اما تن ضعیف^w.» ۳۹ و باز رفته نیایش کرد، همان سخن را گفت.

مت ۱۰: ۱۰؛
یوحنا ۵: ۳۰؛
۳۸: ۶

p- در اینجا هم این سه شاگرد عیسی به عنوان شاهدان معرفی شده‌اند (ر. ک ۳۷: ۵؛ ۲: ۹؛ ۱۳: ۳). به این ترتیب مرقس نشان می‌دهد که این صحنه پایانی اهمیت خاصی دارد، صحنه‌ای که در آن استاد و اطرافیانش مجدداً جمع شده‌اند ولی اختلاف بین وضعیت و رفتار عیسی و شاگردان آشکار می‌شود.

q- ر. ک مر ۴۲: ۶؛ «روح من» یعنی «خود من و تمامی وجود من.» در مورد «تا به حد مرگ» ر. ک یون ۴: ۹ یونانی.

r- این کلمه فقط برای تعیین زمان نیست بلکه محتوای آن «ساعت» را می‌رساند که نزدیک می‌شود و ساعت رنجها و صلیب است. همین معنی برای کلمه: «جام» در آیه ۳۶ (ر. ک یو ۱۲: ۲۷؛ ۱۳: ۱؛ ۱۷: ۱) ساعت به تحقق پیوستن مشیت خدا است. s- در زبان آرامی این کلمه در مورد پدر کسی است که سخن می‌گوید یا درباره او حرف می‌زند و هرگز در نیایش یهودیان این کلمه به معنی خدا بکار برده نمی‌شود. مسیحیان به پیروی از عیسی و مانند او به همین گونه به خدا خطاب می‌کنند (ر. ک لو ۱۱: ۲ توضیح Z: روم ۸: ۱۵ توضیح Z: غلا ۴: ۶).

t- ر. ک مر ۱۰: ۳۸ توضیح a.

u- در اینجا معلوم است عمداً نام شمعون بکار برده شده در صورتی که پطرس پیش از آنکه شاگرد عیسی شود چنین نامیده می‌شد زیرا نتوانسته به خاطر مسیح که در آستانه مرگ است بیدار بماند و این امر در شأن شاگردی چون پطرس نیست.

v- ر. ک مت ۱۳: ۶ توضیح d: لو ۱۱: ۴.

w- تقابل روح و تن را نباید به مفهومی که پولس نوشته درک کرد (مخصوصاً انسان جسمانی در برابر روح خدا، ر. ک روم ۱: ۳ توضیح g: ۹: ۱ توضیح o) یا چنان که یونانیان تصور می‌کردند (یعنی جسم را در مقابل روح می‌گرفتند) بلکه به مفهومی که در بعضی از متون یهودی آن دوره تشریح شده است بدین معنی که خدا در وجود آدمی روحی نهاده است که متوجه به سوی نیکی است ولی در عین حال انسان کاملاً تن است زیرا از گناه تبعیت می‌نماید. ضمناً انسان به دو قسمت تقسیم نشده که یکی خوب و دیگری بد باشد بلکه تمام وجود انسان در کشاکش بین این دو نیرو قرار دارد.

x- این دستور ممکن است بدین مفهوم بوده: «دیگر لازم نیست بیدار بمانید» ولی احتمالاً تا اندازه‌ای جنبه سخریه دارد. ترجمه دیگر: «شما الان می‌خواهید و استراحت می‌کنید» یا اینکه: «آیا می‌خواهید و استراحت می‌کنید؟»

y- ترجمه دیگر: «پایان فوری است» فعلی که در زبان یونانی در اینجا بکار رفته با توجه به مدارک غیر مذهبی که از آن دوران وجود دارد (بر روی کاغذ پاپیروس) چنین معنی می‌دهد: تسویه شده، پرداخت شده (البته در صورتی که در مورد صورت حسابی باشد). بعضی از مترجمان این جمله را «بس است» ترجمه کرده‌اند. ولی این عبارت را با توجه به «ساعتی» که خدا

دنبال می کرد درحالی که ملافه ای بر بدن برهنه خود انداخته بود. و او را دستگیر می کنند. ^{۵۲} اما او ملافه را رها کرده، برهنه گریخت.^c

عیسی در برابر سانهدرین
(متی ۲۶: ۵۷-۶۸؛ لوقا ۲۲: ۵۴-۵۵، ۶۳-۷۱؛ یوحنا ۱۸: ۱۲-۱۸)

^{۵۳} و عیسی را نزد کاهن اعظم بردند و همه یعنی کاهنان اعظم، مشایخ و کاتبان گرد می آیند.^d ^{۵۴} و پطرس از دور وی را تا درون، تا حیاط [خانه] کاهن اعظم دنبال کرده بود و او با محافظان نشسته در کنار آتش^e خود را گرم می کرد. ^{۵۵} کاهنان اعظم و همه سانهدرین در پی شهادتی علیه عیسی برای کشتن او می بودند و نمی یافتند.^f ^{۵۶} زیرا بسیاری به دروغ علیه وی شهادت می دادند و شهادتها با هم تطبیق نمی کردند.^g ^{۵۷} و برخی برخاسته علیه وی شهادت دروغ^h

چماق ها که از سوی کاهنان اعظم و کاتبان و مشایخ^z می آمدند. ^{۴۴} آن کس که او را تسلیم می کرد به آنان علامتی داده گفته بود: «هر که را بوسه ای زنم^a همان است: او را دستگیر کنید و با اطمینان او را ببرید.» ^{۴۵} و همان دم که رسید، به سوی وی نزدیک شده گفت: «ربی!» و او را بوسه ای طولانی زد. ^{۴۶} آنان دست بر او دراز کرده دستگیرش کردند. ^{۴۷} کسانی که آنجا ایستاده بودند، یکی دشنه را کشیده به برده کاهن اعظم زد و لاله گوشش را برید. ^{۴۸} و عیسی شروع به سخن کرده به آنان گفت: «همچون بر ضد یک راهن^b برای گرفتن من با دشنه ها و چماق ها آمده اید! ^{۴۹} من هر روزه در معبد نزد شما بودم، آموزش می دادم و شما مرا دستگیر نکردید اما این برای آن است که نوشته های [مقدس] به تحقق رسد.» ^{۵۰} و همه او را ترک کرده گریختند. ^{۵۱} و مرد جوانی وی را

لوقا ۱۹: ۴۷؛
متی ۲۶: ۳۷

زک ۱۳: ۷؛
یو ۱۶: ۳۲

مقرر کرده بهتر می توان توضیح داد. عیسی خود را به اراده پدرش تسلیم نموده و می داند ساعت به معنی شروع زمان آخر فرارسیده است (آیات ۴۱، ۵۳).

z- سه طبقه از کسانی که در سانهدرین نمایندگی داشتند (ر. ک ۸: ۳۱ توضیح l).

a- این عمل نوعی سلام معمول بین شاگرد و استاد بوده است.

b- ر. ک مت ۲۶: ۵۵ y

c- تنها مرقس این واقعه را ذکر کرده است. بسیاری تصور می کنند این حادثه جزئی که ظاهراً به صورت شرح حال خود نوشته شده مربوط به شخص انجیل نگار می باشد که مادرش در اورشلیم خانه داشت (اع ۱۲: ۱۲). به هر صورت این شخصیت ناشناس شاید تصویری از شاگردی باوفا است که سعی می کند به دنبال استاد برود.

d- یعنی اعضای دادگاه عالی یهود (سانهدرین) (ر. ک آیات ۴۳ و ۵۵).

e- تحت اللفظی: «در روشنایی» یعنی شعله آتش. در اینجا اشتباه ممکن است در ترجمه از عبری باشد بدین معنی که در نوشته های عبری، حروف صدا دار نوشته نمی شود و بنابراین می توان این کلمه را یا «ار» تلفظ کرد که به معنی روشنایی است یا «اور» که به معنی آتش است.

f- مرقس این اجتماع را به عنوان جلسه رسمی دادگاه عالی یهود ارائه می نماید که تصمیم گرفته است موضوع را با محکوم کردن به مرگ خاتمه دهد ضمناً از احضار شهود چنین بر می آید که می خواهند مقررات قضایی در این دادرسی رعایت گردد.

g- تحت اللفظی: «برابر نمی بودند» بدین معنی که یا شهادت ها با یکدیگر تطبیق نمی کردند (ر. ک دان ۱۳: ۴۸-۶۱) یا اینکه با واقعیت تطبیق نداشتند.

h- مرقس در مورد شهود دروغین اصرار می نماید (ر. ک آیه ۵۹). ممکن است ریشه این اتهام سخنی نظیر آنچه در مر ۱۳: ۲ آمده است باشد و دوباره به هنگام مصلوب شدن عیسی طنین انداز خواهد شد (ر. ک ۲۹: ۱۵؛ اع ۱۴: ۶؛ یو ۱۹: ۲، ۲۰ این سخن را به جسم مسیح که قیام کرده است منسوب می نماید). ر. ک مت ۲۶: ۶۱ توضیح b.

به نظرتان چه می‌رسد؟» همه اظهار کردند
 که وی مستوجب مرگ است.^۲ ۶۵ و برخی
 شروع به آب دهان انداختن بر او کردند،
 چهره او را پوشانده سیلی زده بگویند:
 «پیامبری کن!» و محافظان ضربات زیادی
 بر او وارد می‌کردند.

انکار پطرس

(متی ۲۶: ۶۹-۸۵؛ لوقا ۲۲: ۵۶-۶۲؛
 یوحنا ۱۸: ۱۷، ۵۵-۵۷)

۶۶ و هنگامی که پطرس پائین، در حیات
 بود، یکی از کنیزان کاهن اعظم می‌آید.
 ۶۷ و چون پطرس را دید که خود را گرم
 می‌کرد، در او نگریسته گفت: «تو نیز با
 این ناصری، عیسی می‌بودی.» ۶۸ ولی او
 انکار کرده گفت: «نمی‌دانم و نمی‌فهمم
 چه می‌گوئی» و به سوی دهلیز بیرون آمد و

داده می‌گفتند: ۵۸ «ما خود شنیده‌ایم که
 گفته است: من این قدس ساخته^۱ را
 نابود خواهم کرد و در سه روز یکی دیگر
 خواهم ساخت که ساخته دست نباشد.»
 ۵۹ و حتی این چنین، شهادت آنها با هم
 تطبیق نمی‌کرد. ۶۰ و کاهن اعظم در میان
 بر خاسته از عیسی پرسید: «هیچ پاسخی
 نمی‌دهی؟ چیست آنچه این اشخاص علیه
 تو شهادت می‌دهند؟^k» ۶۱ وی خاموش
 می‌بود و هیچ پاسخ نداد. ۱ باز کاهن اعظم از
 او می‌پرسید و به او گفت: «آیا تو مسیح
 پسر آن متبارک هستی^m؟» ۶۲ عیسی گفت:
 «من هستمⁿ و شما پسرانسان را نشسته به
 راست قدرت خواهید دید چون با ابرهای
 آسمان می‌آید.^o» ۶۳ کاهن اعظم جامه‌های
 خود را دریده^p گفت: «دیگر چه احتیاجی
 به شهود داریم! ۶۴ شما کفر^q را شنیدید.

i- «این قدس» بنایی که فقط مختص به کاهنان بوده و مقدس‌ترین محل معبد بشمار می‌رفته است. مرقس برخلاف مت ۶۱: ۲۶

اختلاف بین معبد قدیمی و معبد جدید را تأیید کرده است (ر. ک اع ۴۸: ۷-۵۰؛ ۲۴: ۱۷)

j- تحت اللفظی: «شهادت آنان برابر نمی‌بود» ر. ک آیه ۵۶ توضیح g.

k- ترجمه دیگر: «به شهادتهای این اشخاص علیه خود هیچ پاسخی نمی‌دهی؟»

l- سکوت عیسی را به گونه‌های مختلفی تفسیر کرده‌اند و سکوت خادم رنج‌دیده در اش ۵۰: ۶-۸؛ ۵۳: ۷ را به یاد می‌آورد نیز
 ر. ک مز ۳۹: ۳، ۱۰.

m- می‌دانیم که یهودیان نمی‌بایست نام خدا را بر زبان آورند، ر. ک لو ۸: ۶۸؛ روم ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۲-قرن ۱: ۳؛ ۱۱: ۳۱؛
 افس ۱: ۳؛ ۱-پطرا ۳.

n- این اعلام، عبارت نمونه‌ای برای مکاشفه می‌باشد و به نظر مرقس عیسی تصدیق می‌کند که مسیح موعود و پسر خدا است به
 همان گونه که در آغاز کتاب اعلام شده است (۱: ۱). طبق مت ۲۶: ۶۴ و لو ۲۲: ۶۷ عیسی با رعایت احتیاط بیان کرده به
 طوری که مخاطبان در برابر سؤال خودشان تنها مانده‌اند.

o- مز ۱۱۰: ۱؛ دان ۱۳: ۷. کلمه «قدرت» صفت خدا است و با بکار بردن آن می‌توانستند بدون بر زبان آوردن نام خدا از او
 سخن گویند. «با ابرها» اصطلاحی برابر متن عبری و بعضی نسخه‌های دست نوشته یونانی دانیال است. در بعضی نسخه‌های
 دست نوشته دیگر یونانی اصطلاح «بر ابرها» آمده است (ر. ک مت ۲۶: ۶۴) ر. ک مر ۱۳: ۲۶ توضیح e؛ ۱-تسا ۱۷.

p- این عمل نشانه اندوه، تنفر و انزجار است و کاهن اعظم با انجام این عمل بر طبق آداب و رسومی که در روایات آمده است
 رفتار می‌کند.

q- ر. ک مر ۲۸: ۳ توضیح c. خود را مسیح موعود یا پسر خدا خواندن (به مفهومی که در متون کهن یهود وجود دارد) کفر گفتن به
 شمار نمی‌آمد ولی موقعی که از «نشستن به سمت راست خدا» و «آمدن (از آسمان) با ابرها» سخن می‌گوید (ر. ک ۲۶: ۱۳)

توضیح e) عیسی ادعای مقام خدایی دارد و ممکن است به اهانت به مقام خدا متهم گردد.

r- به نظر رأی محکومیت شرعی داده شده است (مت ۲۶: ۶۶ صراحت کمتری دارد و لو ۲۲: ۷۱ از صدور رأی چیزی
 نمی‌گوید). عبارتی که در اینجا بکار رفته با آنچه در ۳۳: ۱۰ آمده است اختلاف دارد و نمی‌توان گفت آیا منظور محکومیت
 به مرگ است یا تصمیم به تسلیم کردن عیسی به پیلطس و تقاضای مرگ او (ر. ک مت ۲۷: ۱ توضیح k).

خروسی بانگ زد.^{s ۶۹} و کنیز با دیدن او باز به کسانی که در آنجا ایستاده بودند، گفت: «این یکی از ایشان است!»^{۷۰} اما باز او انکار می کرد. و اندکی بعد باز کسانی که آنجا ایستاده بودند به پطرس می گفتند: «به راستی تو یکی از ایشانی، وانگهی تو جلیلی هستی.»^{t ۷۱} اما او با نفرین شروع به قسم خوردن کرد: «من مردی را که از او حرف می زنید نمی شناسم.»^{۷۲} و همان دم برای بار دوم خروسی بانگ زد و پطرس سخنی را که عیسی به او گفته بود به یاد آورد: «پیش از آنکه خروس دو بار بانگ بردارد سه بار مرا انکار خواهی کرد» و به گریه افتاد.^u

عیسی در برابر پیلطس

(متی ۲۷: ۱-۲، ۱۱-۲۶؛ لوقا ۲۳: ۱-۵،

۱۳-۲۵؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۱۹-۱۶)

^۱ و همان دم، بامدادان، کاهنان اعظم پس از تشکیل شورا^v با

۱۵

مشایخ و کاتبان یعنی همه [اعضای] سانهدرین و پس از بستن عیسی، او را بردند و به پیلطس تسلیم کردند.^۲ و پیلطس از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» در پاسخ به او گفت: «تو این را می گویی.»^{w ۳} و کاهنان اعظم او را به بسیاری چیزها متهم می کردند.^{x ۴} و پیلطس از او می پرسید: «هیچ پاسخ نمی دهی! نگاه کن تو را به این همه متهم می کنند!»^{y ۵} اما عیسی دیگر پاسخی نداد.^{۶۱: ۱۴} چنان که پیلطس متعجب می شد.^{۶۲: ۸} او در هر جشن یک زندانی را که در خواست می کردند آزاد می کرد.^۷ باری در زندان، بارابا نامی بود که همراه توطئه گران در شورش مرتکب قتل شده بود.^۷ و چون جمعیت بالا آمد، شروع به درخواست آنچه برای آنان انجام می داد نمود.^{z ۹} پیلطس به آنان پاسخ داد: «آیا می خواهید که پادشاه یهودیان را برایتان آزاد کنم؟»^{۱۰} زیرا می دانست که کاهنان اعظم از

S- در بعضی نسخ عبارت «و خروسی خواند» وجود ندارد و ممکن است وجود این کلمات نشانه آن باشد که روایات متعددی در روایت فعلی ادغام شده است.

t- متی تصریح کرده که پطرس را از لهجه اش شناختند.

u- این فعل را به صورتهای مختلف درک کرده اند، در ترجمه های دیگر: «و شروع کرد به»، «فکر کرد به»، «پوشانید (سرش را)»، «اشک فراوان ریخت».

v- مت ۱: ۲۷ توضیح k. در بعضی نسخ: «شورائی تشکیل دادند». مرقس در محاکمه در برابر پیلطس ابتکار را به کاهنان اعظم داده است. (ر. ک آیات ۳، ۱۱).

w- ر. ک مت ۱۱: ۲۷ توضیح p. در سرتاسر این صحنه مرقس بیشتر از متی و لوقا تأکید می نماید که موضوع بحث درباره پادشاهی عیسی است (ر. ک آیات ۹، ۱۲) و پاسخ عیسی با احتیاط کامل بیان می شود (ر. ک مت ۲۶: ۲۵)، وانگهی طرز رفتار پیلطس طوری نیست که نشان دهد عیسی اعتراف نموده است.

x- چون شکایت هایی که علیه عیسی شده مبهم هستند (لو ۲۳: ۳، ۵، ۱۴ تعدادی از آنها را نقل کرده است) لذا موضوع پادشاهی عیسی اهمیت یافته و نمایان می شود.

y- این نکته خاص بیانگر اتفاق مشخصی است و نشان می دهد که بارابا یک دزد معمولی نیست بلکه رهبر توطئه بر ضد نیروی اشغالگر رومی بوده است، همان اتهامی که یهودیان متوجه عیسی کرده بودند، ر. ک مت ۱۶: ۲۷ توضیح t.

z- در بعضی نسخ: «و جمعیت فریاد کشیده شروع به». در مورد این مقررات مرسوم ر. ک مت ۱۵: ۲۷ توضیح s. در اینجا نخستین باری است که در روایت رنج و مرگ مسیح مرقس از «توده مردم» سخن می گوید. این مردمان که در جریان مباحثات عیسی با مقامات مذهبی اورشلیم با عیسی موافق بودند (۱۲: ۳۷-۱۲) اکنون دخالت می کنند تا پیلطس را ملزم نمایند مقررات مرسوم را رعایت نماید، بدون اینکه دشمنی نسبت به عیسی ابراز کنند. [فعل «بالا آمد» بیانگر این است که مقرر پیلطس در قصر قدیمی هیروودیس کبیر بوده که بر روی تپه ای بنا شده بود.]

فرامی خوانند^{۱۷} و آنان به او [خرقه] ارغوانی می پوشانند و تاجی از خار که بافته بودند، بر سر وی می نهند^f.^{۱۸} و شروع به سلام دادن به او کردند: «سلام، ای پادشاه یهودیان!»^{۱۹} و با شاخه^g نی^{۲۰} بر سر او می زدند و بروی آب دهان می انداختند و زانو زده او را پرستش می کردند.^{۲۰} و پس از آنکه او را مسخره^h کردند، [خرقه] ارغوانی را از تنش درآورده لباسهای خودش را پوشانیدند.

تصلیب

(متی ۲۷: ۳۴-۴۴؛ لوقا ۲۳: ۳۶-۴۳؛ یوحنا ۱۹: ۱۶-۲۴)

و از آنجا او را برای مصلوب کردن بردند.^{۲۱} و عابری که از کشتزار برمی گشت، شخصی به نام شمعون قیروانیⁱ، پدر اسکندر و روفوس را

حسادت وی را تسلیم کرده اند.^{۱۱} اما کاهنان اعظم جمعیت^a را تحریک کردند تا ترجیحاً بارابا را برایشان آزاد کنند.^{۱۲} پپلاطس شروع به سخن کرده به آنان می گفت: «پس با آن کس که او را پادشاه یهودیان می نامید چه کنم؟»^b «آنان باز فریاد کشیدند: «مصلوبش کن!»^c «پپلاطس به آنان می گفت: «پس چه بدی کرده است؟» آنان بلندتر فریاد کشیدند: «مصلوبش کن!»^d پپلاطس چون می خواست مردم را راضی کند بارابا را آزاد کرد و عیسی را تسلیم نمود تا پس از تازیانه زدن^d مصلوب کنند.

تاج خار

(متی ۲۷: ۲۷-۳۱؛ یوحنا ۱۹: ۲-۳)
^{۱۶} سربازان او را به درون حیاط یعنی به دیوانخانه بردند و همه دسته^e را

- a- در اینجا توده مردم بازیچه کاهنان اعظم هستند.
b- در بعضی نسخ: «چه می خواهید بکنم؟» مرقس این گفتگو را روایت کرده تا نشان دهد که یهودیان عیسی را به عنوان پادشاه یهود رد کردند (آیه ۱۳) و در عین حال پپلاطس بیهوده کوشش می کند او را بی گناه اعلام نماید (آیه ۱۴).
c- به صلیب کشیدن شکنجه ای است که منشأ ایرانی دارد. سپس اهالی کارتاژ آن را اقتباس کردند و در نزد رومیان بی رحمانه ترین و ننگین ترین کیفر بشمار می رفت که برای مجازات دزدی، قتل، خیانت و شورش اعمال می شد ولی اهالی روم از این نوع مجازات معاف بودند. در فلسطین دو هزار نفر که شورش کرده بودند به دستور واروس، حکمران رومی که پس از هیروдіس کبیر به این مقام منصوب شده بود به صلیب کشیده شدند. در سال ۷ میلادی شخصی به نام یهودای جلیلی به خاطر شورشی که علیه رومیان به راه انداخته بود به صلیب کشیده شد (ر.ک اع ۳۷: ۵). قابل توجه آن است که توده مردم برای عیسی کیفری تقاضا می کند که مختص شورشیان بوده و برای بارابا که شورشی است تقاضای آزادی می نماید.
d- بنا به رسوم معمول رومیان، محکومان را قبل از مصلوب کردن شلاق می زدند. ر.ک لو ۲۳: ۱۶-۲۲؛ یو ۱۹: ۱؛ اع ۴۰: ۵.
e- «دیوانخانه» در اینجا مثل سربازخانه ای است و دسته سربازان عبارت از یک دهم لژیون و شامل ششصد نفر بوده است ولی شاید نبایستی مفهوم فنی این کلمه را بگیریم و منظور مرقس آن است تمام سربازانی را که در قصر پپلاطس بودند فراخوانند.
f- خرقة ارغوانی (که به جای آن پارچه ای قرمز بوده)، تاج و تعظیم و زانو زدن مختص پادشاهان بوده است. در این صحنه تمسخرآمیز، مرقس همچنان موضوع پادشاهی عیسی و مسیح موعود مصلوب را دنبال می کند.
g- ر.ک میک ۱۴: ۴.
h- ر.ک مت ۲۷: ۲۹ توضیح d.

i- مت ۲۷: ۳۲ توضیح e. محکوم بایستی خودش وسیله مجازات و لااقل چوب افقی صلیب را حمل نماید. مسلماً تحلیل قوای عیسی موجب شد عابری را وادار کنند تا صلیب را حمل کند. نشانه ای دال بر این وجود ندارد که شمعون از کار در مزرعه خود برگشته باشد. توجه به اینکه نام او را تصریح کنند نشان می دهد که در کلیسای اولیه پسران او را می شناخته اند (روم ۱۳: ۱۶) نامی از روفوس برده ولی باید گفت که این نام بسیار رایج بوده است.

را نجات بده!»^{۳۱} همچنین کاهنان اعظم نیز بین خود با کاتبان او را مسخره کرده می گفتند: «کسانی دیگر را نجات داده است، خودش را نمی تواند نجات دهد!»^{۳۲} مسیح! شاه اسرائیل! حال از صلیب پائین بیاید تا ببینیم و ایمان آوریم» و آنان که با او مصلوب شده بودند به او توهین می کردند.

مرگ عیسی

(متی ۲۷: ۴۵-۵۶؛ لوقا ۲۳: ۴۴-۴۹؛

یوحنا ۱۹: ۲۸-۳۰)

^{۳۳} و ساعت ششم^۱ رسیده، تا ساعت نهم، سراسر زمین تاریک شد.^{۳۴} و در ساعت نهم عیسی با صدائی بلند فریاد زد: «الوئی^۱، الوئی^۲ لِمَا سَبَقْتَنِي^۳؟» یعنی

و اداری کردند صلیب او را بگیرد،^{۲۲} و او را به محل «جلجتا» که به معنای «محل جمجمه^۱» است بردند.^{۲۳} و در آنجا به او شراب آمیخته به مَر^k می دادند اما آن را نگرفت.^{۲۴} و او را مصلوب می کنند و لباسهای او را تقسیم می کنند، بر آنها قرعه می اندازند^۱ [تا بدانند] هر کس چه بگیرد.^{۲۵} و وقتی وی را مصلوب کردند ساعت سوم^m بود.^{۲۶} و نوشته سبب [محکومیت] او چنین نوشته شده بود: پادشاه یهودیانⁿ.^{۲۷} و با او دو راهزن^o را مصلوب می کنند، یکی به راست و یکی به چپ.^{۲۸} P[...]^{۲۹} و عابران سر تکان داده^۱ به او توهین می کردند و می گفتند: «ای تو که قدس را نابود می کنی و سه روزه می سازی،^r از صلیب پائین بیا و خودت

j- ر. ک مت ۲۷: ۳۳ توضیح q.

k- یکی از رسوم یهودیان که در تلمود آمده و بر مبنای امت ۳۱: ۶ می باشد دادن نوشیدنی مسکن و خواب آور به محکومان است (ر. ک مت ۲۷: ۳۴ g).

l- مز ۱۹: ۲۲؛ ر. ک یو ۱۹: ۲۴. چنین به نظر می رسد که با توجه به مطالب مز مور ۲۲ در اینجا موضوع تقسیم لباسها بیشتر از به صلیب کشیدن مورد توجه قرار گرفته است زیرا باقی مانده محکومان معمولاً حق سربازان بوده ولی بنظر انجیل نگار این موضوع بیش از آنکه جنبه روائی داشته باشد از نظر الهیات حائز اهمیت است.

m- «ساعت سوم» یعنی ساعت ۹ صبح. این تعیین ساعت که مختص مرقس می باشد ظاهراً جنبه مذهبی دارد. مرقس روایت تصلیب عیسی را با اشاره به سه زمان مخصوص دعای یهودیان (ساعت ۳، ۶، ۹) مشخص می سازد (۳۳-۳۴) ر. ک یو ۱۹: ۱۴.

n- ر. ک مت ۲۷: ۳۷ توضیح i.

o- ر. ک مت ۲۶: ۵۵ توضیح y.

p- در بعضی نسخه ها چنین آمده است: «و نوشته مقدس به تحقق پیوست که می گوید: «و او به شمار بی قانونان گذاشته شد» که نقل قول از اش ۱۲: ۵۳ است (ر. ک لو ۳۷: ۲۲). این طرز نقل قول با رویه ای که معمولاً مرقس از عهد عتیق استفاده می کند تطبیق نمی نماید. ضمناً قابل توجه است که در روایت رنج و مرگ مسیح هیچ گونه اشاره روشنی به تصویر خدمتگزار یهوه که در اش ۵۳ آمده نشده است.

q- این اصطلاح مز ۸: ۲۲ را به یاد می آورد. در اینجا تکان دادن سر حرکتی تحقیر آمیز است (مز ۱۰۹: ۲۵؛ ایوب ۱۶: ۴؛ بنسی ۱۸: ۱۸؛ ار ۱۶: ۱۸). ضمناً کلمه ای که در یونانی آمده و توهین کردن ترجمه شده است به معنای کفر گفتن نیز می باشد.

r- ر. ک ۵۸: ۱۴ توضیح i.

s- ر. ک مت ۲۶: ۶۱ توضیح b.

t- تحت اللفظی: «در ساعت ششم... تا ساعت نهم» یعنی از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۳ بعد از ظهر. ذکر این ظلمات در عین ظاهر شاید یادآور ماتم پسر یگانه طبق عا ۸: ۹-۱۰ می باشد. ر. ک خروج ۲۲: ۱۰ «تمام زمین» یا «تمام کشور».

u- «الوئی» در زبان آرامی یعنی «الهی» و به احتمال زیاد به خاطر کلمه عبری «الوهیم» است. در انجیل متی «ایلی» نوشته شده که طبق متن اصلی مز امیر و به سبک عبری است. نوشته متی بهتر ایهام بین «ایلی» (خدا) و «ایلیا» ی نبی را نشان می دهد.

v- این جمله به زبان آرامی و از مز ۲۲: ۱۲ است.

مریم [مادر] یعقوب کوچک و یوشا^c، و سالومه^{۴۱} که وقتی در جلیل می بودند به دنبال او بودند و او را خدمت می کردند و چه بسیاری دیگر که با او به اورشلیم فراز آمده بودند.

خاکسپاری

(متی ۲۷: ۵۷-۶۱؛ لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶؛ یوحنا ۱۹: ۳۸-۴۲)

^{۴۲} و شامگاه قبلاً فرا رسیده بود چون تدارک [عید] می بود یعنی شب سبت، ^{۴۳} یوسف رامه ای عضو بر جسته شورا^d که وی نیز در انتظار فرمانروائی خدا می بود^e آمد. او با شجاعت نزد پیلاتس وارد شده جسد عیسی را طلبید. ^{۴۴} پیلاتس تعجب

«خداى من، خداى من، چرا مرا ترک کرده ای؟»^{۳۵} و برخی از کسانی که در آنجا ایستاده بودند با شنیدن او می گفتند: «اینک الیاس^w را فرا می خواند!»^{۳۶} کسی دویده اسفنجی را از سرکه^x خیس کرده و با گذاشتن آن بر سر یک نی به وی می داد تا بنوشد و می گفت: «بگذارید، ببینم آیا الیاس برای پائین آوردن وی می آید!»^{۳۷} عیسی، فریادی بلند کشیده^y درگذشت.^{۳۸} و پرده قدس از بالا تا پائین دو پاره شد.^{۳۹} سنتوریونی که در برابر او می ایستاد چون دید این چنین درگذشته است^a گفت: «به راستی این مرد پسر خدا^b بود!»^{۴۰} همچنین زنانی بودند که از دور^{۳-۲:۸} می نگریستند و در بین آنان مریم مجدلیه و

w- ر.ک مت ۳: ۱۷ توضیح ۷: مر ۹: ۱۱ توضیح ۱.

x- ر.ک مز ۲۲: ۶۹. با تمسخر وانمود می کنند که می خواهند عیسی بیشتر زنده بماند تا ببینند آیا الیاس خواهد آمد. ضمناً این روایت با اشاره به مزمور ۶۹ به الهیات اهمیت می دهد.

y- به طوری که ملاحظه می شود کلماتی که در انجیل در مورد مرگ عیسی بکار برده شده در منتهای سادگی است: او را مصلوب کردند (آیه ۲۵)، عیسی فریاد زد (آیه ۳۴) و در گذشت (آیه ۳۷).

z- در این آیه و آیه بعدی اهمیت مرگ عیسی برای تاریخ نجات یادآوری می شود. پرده ای که قدس الاقداس را می بندد (ر.ک خروج ۳۳: ۲۶) یا ورودی معبد را می پوشاند (ر.ک خروج ۳۶: ۲۶-۳۷) پاره می شود و این واقعه نشانه امکان دسترسی مستقیم به خدا است (ر.ک عبر ۱۹: ۶-۲۰، ۳: ۹، ۶-۱۲) یا پیشگویی پایان وجود معبد است. مرقس به هر چیزی که بیانگر مشارکت غیریهودیان در امر نجات باشد توجه می کند (ر.ک ۱۶: ۱۱ توضیح u: ۱۷ توضیح v).

a- برابر برخی نسخه های خطی: «در حالی که چنین فریاد می زد» آنچه موجب تعجب سنتوریون شده طرز درگذشتن عیسی است و اظهار او به نوعی اولین ثمره این مرگ می باشد.

b- پس از یهودیان اکنون در اینجا نوبت به دنیای مشرکان رسیده که به وسیله سنتوریون نمایانده شده است. عنوان «پسر خدا» که از زبان و لبهای یک نفر مشرک بیرون آمده است هر مفهومی داشته باشد بنظر مرقس در این سخنان می توان بیان ایمان مسیحیانی را تشخیص داد که از دنیای بت پرستی می آیند.

c- بعضی ها ترجمه می کنند: «مریم (زوجه یا دختر) یعقوب کوچک و مادر یوشا» ولی با توجه به آیه ۴۷ ترجمه شده است: «مریم [مادر] یعقوب کوچک و یوشا». در مورد یعقوب و یوشا ر.ک مر ۳: ۶.

d- «عضو برجسته شورا» احتمالاً یکی از اعضای سانهدرین است. رومیان توجهی به کفن و دفن محکومان نداشتند در صورتی که بالعکس بر طبق قوانین یهود لازم بود محکومان را پیش از غروب آفتاب دفن نمایند (تث ۲۱: ۲۲-۲۳) در اع ۲۹: ۱۳ کفن و دفن عیسی به یهودیان نسبت داده شده و به طوری که از روایت مرقس برمی آید به سبب نزدیک شدن شب و آغاز روز شنبه این موضوع فوریت داشته است (آیه ۴۲).

e- مرقس نوشته است که یوسف یکی از هواداران عیسی بوده (ر.ک لو ۲۳: ۵۱) در صورتی که مت ۲۷: ۵۷ و یو ۱۹: ۳۸ او را به عنوان یکی از شاگردان عیسی معرفی می کنند.

کرد که این قدر زود^f مرده باشد و سنتوریون را صدا کرده از او پرسید آیا مدت درازی است که مرده است. ^{۴۵} و با اطلاع از سنتوریون، جسد را به یوسف داد. ^{۴۶} و کفنی خریده او را [از صلیب] پائین آورده در کفن پیچید و در قبری که در صخره تراشیده شده بود نهاد و سپس سنگی جلوی قبر غلطانید. ^{۴۷} مریم مجدلیه و مریم [مادر] یوشا، نگاه می کردند که او کجا گذارده شد.

زنان بر سر قبر

(متی ۲۸: ۱-۸؛ لوقا ۲۴: ۱-۱۱؛

یوحنا ۲۰: ۱)

^۱ و چون سبت گذشت^g، مریم مجدلیه و مریم [مادر] یعقوب و ^{۱۴} سالومه مواد خوشبو خریدند تا آورده او را معطر کنند. ^۲ و صبح زود، نخستین روز

۱۶

۱۴: ۸ // ۱۹: ۴۰

هفته^h، در طلوع خورشید بر سر قبر می آیند ^۳ و به یکدیگر می گفتند: «چه کسی سنگ ورودی قبر را برای ما می غلطاند؟» ^۴ و ^{۱۱: ۳۸-۳۹} نگریسته مشاهده کردند که سنگ به سویی غلطانیده شده است، باری بسیار بزرگ بود. ^۵ و وارد قبر شده مرد جوانی را به راست نشسته دیدند که لباس سفید بر تن داشت و متحیر گردیدند. ^۶ اما او به آنان گفت: متحیر نشوید، عیسی است که در جستجوی او هستید، آن ناصری، آن مصلوب. او قیام کرده^۱ در اینجا نیست. اینک جائی که او را گذاشته بودند. ^۷ اما بروید به شاگردان او و به پطرس^m بگوئید که پیش از شما به جلیل می رود برآ آنچه به شما گفته است در آنجا او را خواهید دید. ^۸ و [زنان] خارج شده، از قبر گریختند، زیرا لرزان و شگفت زده می بودند و به هیچ کس چیزی نگفتند زیرا می ترسیدند...ⁿ

f- احتضار مصلوب شدگان اغلب ۲ تا ۳ روز طول می کشید ولی عیسی به خاطر شکنجه ها و تازیانته های شب قبل و همان روز، بسیار ضعیف شده بود و همان طور که در یو ۱۹: ۳۲-۳۳ آمده دو نفری که همراه عیسی مصلوب شدند زود نمردند.

g- یعنی پس از غروب آفتاب روز شنبه. در اینجا مجدداً مرقس تفهیم می کند که کفن و دفن به سرعت انجام شده بود.

h- یعنی روز یک شنبه.

i- منظور از این سؤال که ظاهراً مربوط به یکی موضوع جزئی است جلب توجه به وقایع شگفتی است که بعداً اتفاق می افتد. زنان که منتظر چنین اتفاقی نبودند پس از حیرت به وحشت می افتند.

j- این اظهارات فقط پاسخ به سوالی نیست که در آیه قبلی مطرح شده است بلکه به نظر مرقس جنبه شگفت انگیز باز شدن قبر را تأیید می نماید.

k- لباس سفیدی که مرد جوان بر تن دارد نشانه شخصیت آسمانی است (ر. ک. ۳: ۹)، بدین سبب در ابتدا ترس مقدسی ایجاد کرده و سپس آرامش بخشیده است (آیه ۶). به همان گونه که در ظهورهای خداوند در کتاب مقدس تشریح شده است.

l- تحت اللفظی: «قیام کرده شده». این فعل در متن یونانی به صورت فعل مجهول است و نشان می دهد عملی با قدرت خدا انجام گردیده است. در اینجا نظیر تمام ظهورها پیامی که از سوی خدا می آید حائز اهمیت می باشد و همان تأیید ایمان مسیحی است که با کلمات و عبارات مرسوم در موعظه های کلیسای اولیه بیان می شود (ر. ک. اع ۲: ۲۳-۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۲۸-۳۰). کلمه ای که «ناصری» ترجمه شده به صورتهای مختلفی در زبان یونانی بکار می رود و مرقس اکثراً این کلمه توصیفی را در مورد عیسی بکار می برد (۱: ۲۴؛ ۱۰: ۴۷؛ ۱۴: ۶۷) ولی به صورتی که معمولاً در موعظه های کلیسای اولیه بکار می رفته است (اع ۲: ۲۲؛ ۳: ۶؛ ۴: ۱۰) و در اینجا هویت آن مصلوب و آن قیام کرده را تعیین می نماید.

m- ظاهر شدن های عیسی قیام کرده بر پطرس جایگاه مهمی در روایات مسیحیت اولیه دارد (۱- قرن ۱۵: ۵؛ لو ۲۴: ۳۴). «برابر آنچه به شما گفته است» ر. ک. مر ۲۸: ۱۴ توضیح m.

n- علت فرار و سرگشتگی و سکوت زنان ترس مقدسی است که بر اثر مکاشفه رستاخیز عیسی بر آنان دست داده است. ضمناً مشاهده قبر خالی به عنوان دلیل قیام عیسی ارائه نمی شود بلکه نشان می دهد بیهوده در جستجوی مصلوبی که اکنون قیام کرده برنایند.

پدیدار شدن عیسی برخاسته^۹
(متی ۲۷:۴۵-۵۶؛ لوقا ۲۳:۴۴-۴۹؛
یوحنا ۱۹:۲۸-۳۰)

^۹ بامداد اولین روز هفته برخاسته، اول به مریم مجدلیه که از او هفت دیو را رانده بود پدیدار گردید. P. ^{۱۰} او رفته به کسانی که با وی بودند و سوگوار و گریان می بودند نوید داد. ^{۱۱} و آنان چون شنیدند که وی زنده است و او وی را دیده به او ایمان نیاوردند. ^{۱۲} پس از آن، به شکلی دیگر به دو نفر از آنان که به سوی روستا می رفتند پدیدار گردید. ^{۱۳} و اینان رفته نوید را به دیگران دادند اما ایشان نیز ایمان نیاوردند. ^{۱۴} سرانجام به خود ایشان، به آن یازده، وقتی بر سر سفره می بودند پدیدار گردید و بی ایمانی و سنگدلی ایشان را سرزنش کرد زیرا به کسانی که او را قیام کرده دیده بودند ایمان نیاورده بودند.

^{۱۵} و به ایشان گفت: «به سراسر جهان بروید و انجیل را به تمام آفرینش اعلام کنید. ^{۱۶} و که ایمان آورد و تعمید یابد، او نجات خواهد یافت، آن که ایمان نیاورد محکوم خواهد شد. ^{۱۷} و اینک نشانه هائی که به همراه ایمان آورندگان خواهد بود: به نام من دیوها را خواهند راند، به زبانهای نو سخن خواهند گفت؛ ^{۱۸} مارها را به دست خواهند گرفت و اگر چیز مرگباری بنوشند به آنان آسیبی نخواهد رسید، بر درمندان دست گذاشته و آنها سالم خواهند شد. ^{۱۹} باری آنگاه خداوند [عیسی] پس از سخن گفتن با ایشان، به آسمان برده شد و به راست خدا نشست. ^{۲۰} آنان رفته همه جا اعلام کردند، خداوند با ایشان کار می کرد و سخن را با نشانه هائی که به همراه آن بود تأیید می کرد.

O- متون خطی مربوط به آیات ۹-۲۰ که پایان بخش انجیل مرقس هستند بسیار مبهم و نامشخص می باشند.

- در تعدادی از نسخ این قسمت وجود ندارد و حیت بعضی از رونویس کنندگان تصریح کرده اند آیه ۸ پایان انجیل می باشد.

- ضمناً در کنار روایت بلندی که خیلی متداول است و ما در اینجا ترجمه کرده ایم روایت کوتاه دیگری به این شرح وجود دارد: «زنان آنچه را به آنان اعلام شده بود به طور خلاصه برای همراهان پطرس تعریف کردند سپس خود عیسی ندای مقدس و زایل نشدن نجات جاودانی را به وسیله آنان از مشرق تا به مغرب فرستاد.»

- در یکی از نسخ، در فاصله بین آیات ۱۴ و ۱۵ روایت بلند، اعتراض شاگردان و پاسخ عیسی ذکر شده که چنین است: «آنان در دفاع از خود گفتند: این قرن بی دینی و بی ایمانی تحت تسلط شیطان است که نمی گذارد حقیقت و قدرت خدا را ارواح ناپاک دریافت کنند. بدین سبب عدالت تو از هم اکنون ظاهر می شود.» آنان این سخنان را به مسیح می گفتند و مسیح پاسخ داد: «پایان سالهای اقتدار شیطان فرا رسیده ولی چیزهای وحشتناک دیگری نزدیک می شود و من به مرگ تسلیم شدم تا کسانی که مرتکب گناه شده اند به سوی حقیقت باز گردند و دیگر گناه نکنند تا وارث افتخار و عدالت و افتخار روحانی و زایل نشدنی شوند که در آسمانی است.»

P فاعل فعل «پدیدار گردید» عیسی است که از ۱۵:۴۰ دیگر در صحنه حضور ندارد. این خاتمه (آیات ۹-۲۰) با کلمات و شیوه نگارش کاملاً متفاوتی از بقیه انجیل نوشته شده و اصولاً جریان روایت قبلی را قطع نموده است (مأموریتی که به زنان محول شده بود ناتمام مانده است) بنابراین می توان گفت این قسمت خلاصه ای از روایتهای پدیدار شدن عیسی است که در انجیلهای دیگر ذکر شده و اشاراتی که در اعمال رسولان آمده به آنها افزوده شده است (مر ۱۶:۱۷-۲۰). این خلاصه به هیچ وجه نکته جدیدی در بر ندارد تا بتوان شناخت بهتری از مسیح و وقایع بعد از قیام او به دست آورد. این خاتمه از قرن دوم میلادی شناخته شده بود و از همان موقع بعضی از پدران کلیسا در مورد اصالت آن تردید داشتند و چون بسیاری از منتقدان تعجب می کنند از اینکه انجیل مرقس ناگهان در آیه ۸ خاتمه یابد معتقدند قطعه پایانی انجیل گم شده و بجای آن این متن را گذاشته اند. در حقیقت ما نمی دانیم آیا مصنف کتاب قطعه ای به عنوان نتیجه نگاشته و اگر چنین است آیا پدیدار شدنهای عیسی قیام کرده را نقل نموده است (آیه ۷).

